

بررسی سیستم‌های قدرت I: Electric Power System Analysis

Elements of power system **Stevenson** مرجع:

Power System Analysis **H. Saadat**

5 Power System Analysis & design **Glover**

II, I بررسی سیستم‌های قدرت I, II **اهد کافلی**

Introduction to Electric Energy Systems theory **Elgerd**

Modern Power System Analysis **Nagrath** ترجمه: دکتر عابدی

10 در این درس ما سیستم‌های قدرت را در شرایط نرمال بررسی می‌کنیم.

شرایط غیر نرمال \leftarrow وقوع اتصال کوتاه

از آلودگی نوعی احتساب می‌خواسته است و ما از آن در این درس صرف نظر می‌کنیم.

15 **بررسی سیستم‌های قدرت در شرایط نرمال (عادی)**

المانهای کا وظیفه تولید انتقال و توزیع انرژی را بر عهده دارند.

فصل اول - کلیات

فصل دوم - بار آوری سیستم‌های الکتریکی

فصل های سوم و چهارم - محاسبه بار استرهای خطوط انتقال و توزیع

فصل پنجم - مدل سازی خطوط

20 فصل ششم - مدل سازی ژنراتور، ترانس و بارهای مصرفی

فصل هفتم - ماتریس ادmittانس و امپدانس شبکه

فصل هشتم - بخش بار (حل شبکه) Load Flow

فصل نهم - بخش بار اقتصادی Economic Load Dispatch

فصل اول:

اهمیت انرژی الکتریکی:

کنترل آسان

سهولت در انتقال

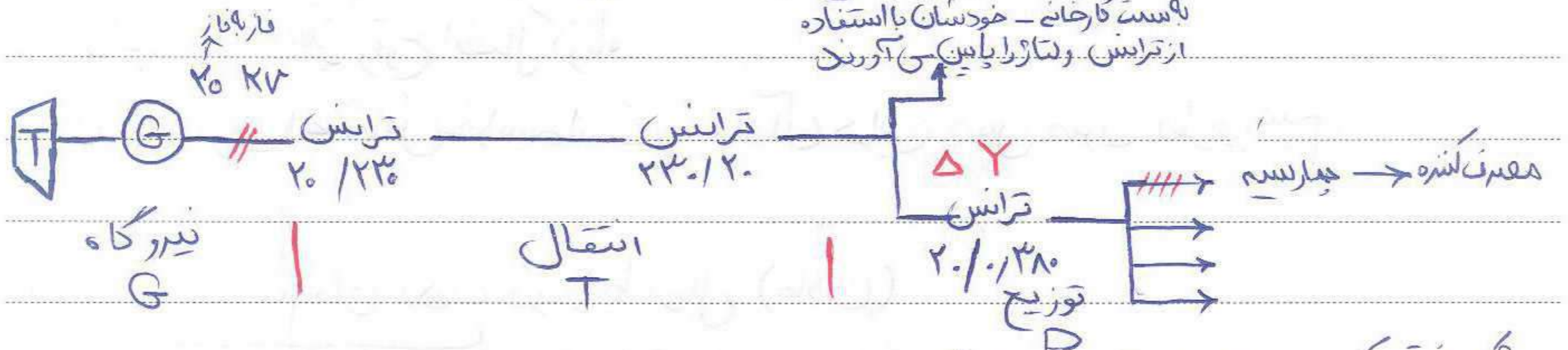
سهولت در تبدیل به انواع انرژی

آلودگی محیط زیست کمتر

تعریف سیستم قدرت الکتریکی:

مجموعه انرژی هستند که وظیفه تولید، انتقال، رساندن انرژی بدست مصرف کننده را برعهده دارند

به سبب کارخانه - خودشان یا استفاده از ترانس و لاین را با هم می آورند



نشان فوق یک سیستم قدرت ساده است.

اجرای سیستم قدرت:

فراتر از سبک و سازه ساز

ترانسفورماتور قدرت

خطوط انتقال انرژی

مصرف کننده

هدف از تحلیل سیستم قدرت:

چگونه تحلیل کنیم؟

هدف از تحلیل سیستم قدرت پیدا کردن مقدار یک سری نسبت مدار شبکه است زیرا می خواهیم ببینیم

آیا این بارها در محدوده مجاز هستند یا خیر.

یکی از بهترین این سیستمها ولتاژ کوههای مختلف است.

بنابراین ما نیاز داریم یک سیستم قدرت را هم در مرحله نگهداری و هم توسعه باید تحلیل کنیم.

به منظور تحلیل سیستم قدرت، آن را به یک مدار الکتریکی تبدیل کرده و سپس مدار حاصل را تحلیل می‌کنیم.

به منظور تحلیل مدار می‌توان از دوررزش کوه‌میش استفاده کرد. البته با توجه به اینکه مصرف‌کنندهها معمولاً به صورت موازی اضافه می‌شوند، ما معمولاً از روش کوه‌استفاده می‌کنیم.

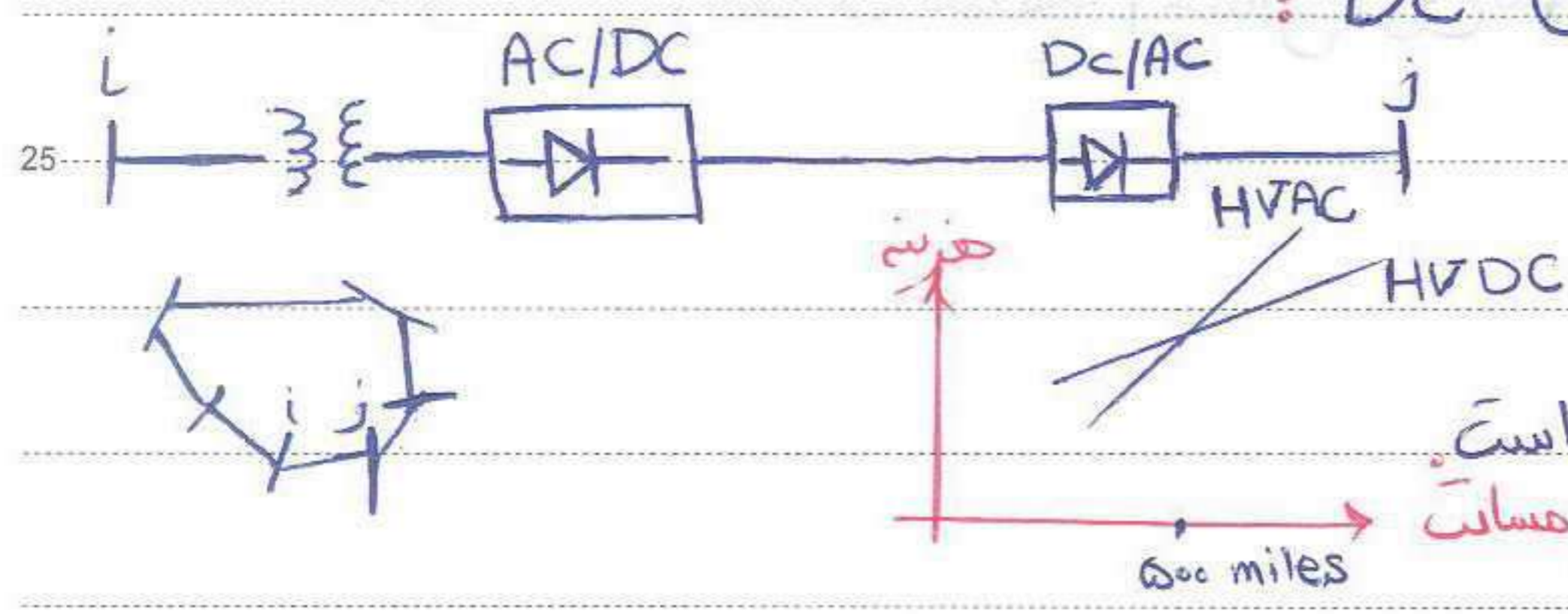
رشد سیستم‌های قدرت:

- * ایجاد خطوط انتقال با سطوح ولتاژ بالاتر علت: ۱- کاهش تلفات، با افزایش ولتاژ جریان کم‌شده و در نتیجه تلفات ناچیز با $P = RI^2$ کاهش پیدا می‌کند. ۲- افت ولت هم کم می‌شود. $\Delta V = ZI$
- ۳- ظرفیت انتقال خط هم بالا می‌رود. (ظرفیت انتقال با مجذور ولتاژ متناسب است)

با میزانی کافی خواهیم ظرفیت انتقال را زیاد کنیم، باید ولتاژ را هم بالا ببریم.

LV	→	۳۸۰ ^v / ۲۲۰ ^v	شبکه فشار ضعیف
MV	→	۲۰ kV	" متوسط "
HV	→	۱۳۲ kV, ۲۲۰ kV, ۴۰۰ kV	" قوی "
EHV	→	> ۴۰۰ kV	
UHV	→	> ۷۰۰ kV	

* HVDC: خطوط انتقال ولتاژ بالای DC



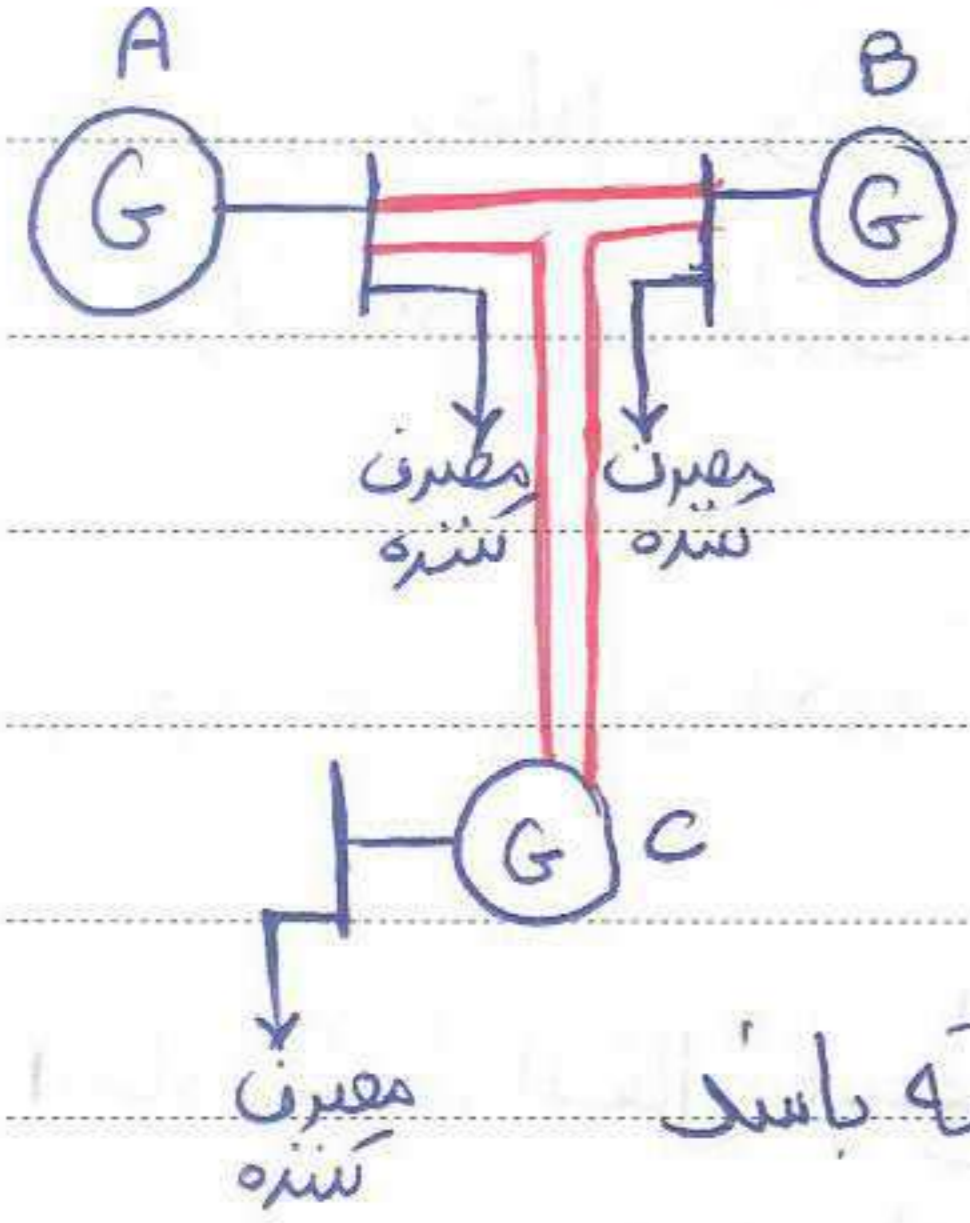
علت: ۱- اقتصادی: احداث خط DC کمتر از خط AC است. بنابراین در مسافت‌های طولانی از حوا HVDC استفاده می‌شود.

۱۲) دو کشور که دارای برق با فرکانس متفاوت هستند می توانند برای انتقال انرژی به یکدیگر متصل شوند. در محل این اتصال از خطوط HVDC استفاده می شود.



* شبکه به هم پیوسته :

در ابتدای نیروگاهها مستقل از هم عمل می کردند و هر کدام از نیروگاهها وظیفه تأمین انرژی یک منطقه خاص را بر عهده داشتند. اما امروزه شبکه ها به هم متصل شده و یک شبکه سراسری را بوجود آورده اند.



* افزایش قابلیت اطمینان

در شکل مقابل اگر مشکلی برای هر یک از نیروگاهها بوجود آید، سایر نیروگاهها می توانند با طور موثری از خاموشی مصرف کننده های آن نیروگاه جلوگیری کنند.

* کاهش سطح رزرو : هر نیروگاهی باید مقداری توان رزرو داشته باشد تا در صورت لزوم آن را آزاد کند.

۱۵ این سطح رزرو باید در روزهای خاص یا در هنگام بیک بار استفاده شود. وقتی نیروگاهها مستقل هستند باید یک سطح رزرو داشته باشند. اما هنگام پیوستگی نیروگاهها می توانند از سایر نیروگاهها انرژی دریافت کرده و سطح رزرو را پایین بیاورند.

* تبادل انرژی بین نیروگاهها یا کشورها :

۲۰ یک نیروگاه می تواند انرژی را از سایر نیروگاهها دریافت کند. امکان دارد این انرژی از انرژی تولیدی نیروگاه خودی نیز کمتر باشد.

حسگر : با ارتباط شبکه ها، شبکه های پیچیده تر می شوند و در صورت بروز اغتشاش کل سیستم دچار حادثه می شود. حفاظت سیستم حسگر تر می شود.

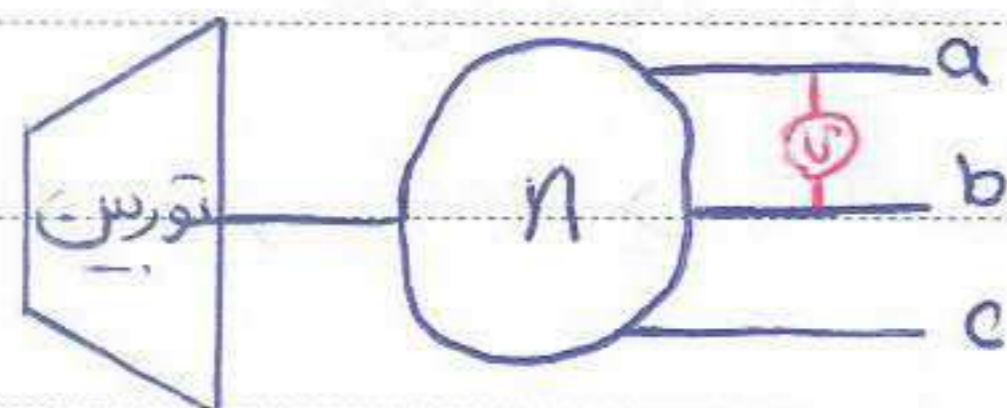
تولید انرژی الکتریکی:

فرکانس مناسب با دور موتور است

موتور سیکرون سه فاز هر نوع از این موتورها با دو کسب مشخص می شوند:

مثلاً: ۱۵۰ MVA - ۲۴ KV

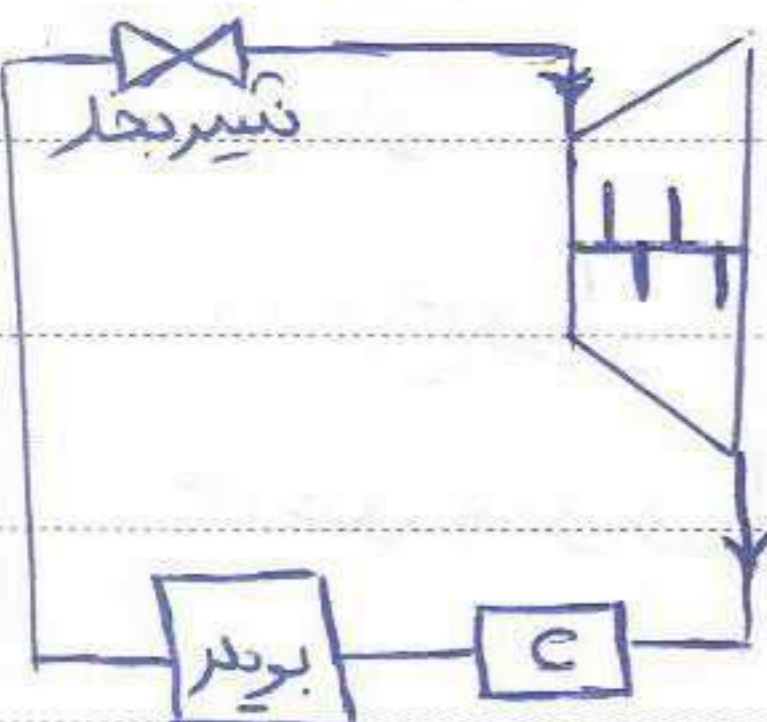
ولتاژ خطی (خط - خط)
ولتاژ فازی (خط - نول)



نیروگاههای آبی:

توربین بخاری
آبی
گازی

نمونه محلی آن هفرا اینا آلودگی ایجاد نمی کنند - هزینه سوخت ندارند - نیروگاه آبی سریع وارد مدار می شوند و زمان لازم ندارند. برخلاف نیروگاههای حرارتی که برای بخار کردن آب زمان لازم دارند. هزینه احداث بیشتری دارند و زمان بیشتری برای احداث نیاز دارند.



نیروگاه حرارتی:

وابسته به شرایط جغرافیایی نیستند و اگر سوخت آنها تأمین شود به هر میزان می توانند تولید داشته باشند. سوخت هزینه داشته و آلودگی محیط زیست ایجاد می کند. سوخت آنها نسبی است و در به اتمام است. دیرتر وارد مدار می شوند. ورود دوباره آنها به مدار همراه با هزینه است. سهم عمده ای در تولید برق دارند.

نیروگاههای گازی:

برق تولیدی آن گران است. سریع وارد مدار می شوند. سهم اندکی از تولید برق را برعهده دارند.

منابع حرارتی برای تبدیل آب به بخار:

۱) زغال سنگ - آلودگی محیط زیست در تمام مراحل استخراج نامصرف دارند.

۲) نفت و گاز طبیعی - بهترین سوختند و آلودگی کمتری دارند اما چون در صنایع دیگری توان از آن استفاده می کنند.

۳) استفاده از پتروکربن، کمتر از آن جهت تولید حرارت استفاده می شود.

۴) فission - استفاده از اورانیوم جهت انجام شکافت هسته ای.

تولید ۱ kWh - carbon = 100 gr

تولید ۲,۴۰۰/۱۰۰۰ kWh - U^{۲۳۸} = 100 gr

← ترکیب انرژی های هیدروژن ← ترکیب هسته ای: Fusion

این نوع انرژی دیگر قابل کنترل نیست و این باعث می شود نتوان از آن در نیروگاه استفاده کرد.

۴) حرارت داخل زمین: در برخی مناطق اگر در عمق زمین پرویم به سنگ های گدازه می رسیم می توان آب سرد را ذوب کرد و از طرف دیگر آب گرم را در بافت سرد.

۵) گاز ناستی از فاضلاب و سوزاندن زباله:

۶) انرژی خورشیدی: استفاده در نیروگاه های غیر خورشیدی

10 منابع غیر حرارتی:

۱) آب

۲) باد

۳) امواج دریا

۴) جذر و مد دریا

تجدید پذیر ← خورشیدی

تجدید ناپذیر ← سوخت های فسیلی

منابع انرژی

فرآیند عمومی اینست که تا حد امکان از انرژی های تجدید پذیر استفاده شود

فصل دوم: یادآوری مفاهیم و نسبت های الکتریکی:

جریان ac

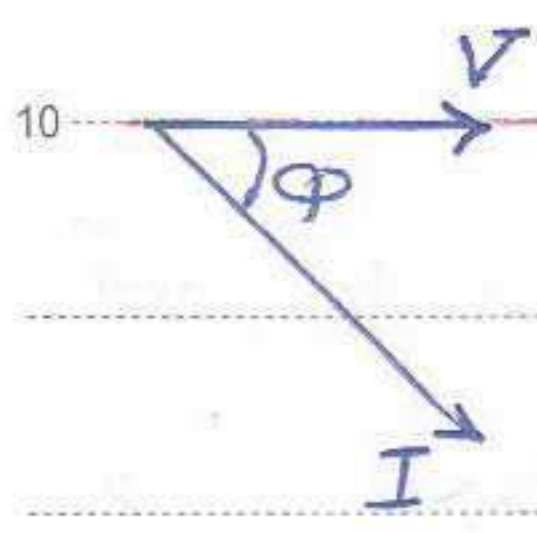
سیستم قدرت در شرایط حادی:

مقدار مؤثر

$$v = V_m \sin \omega t = \sqrt{2} |V| \sin \omega t \quad V = |V| \angle 0$$

$$i = I_m \sin(\omega t - \phi) = \sqrt{2} |I| \sin(\omega t - \phi) \quad I = |I| \angle -\phi$$

ولتاژ را معیار گرفتیم و این یعنی جریان از ولتاژ به اندازه ϕ جلوتر است.



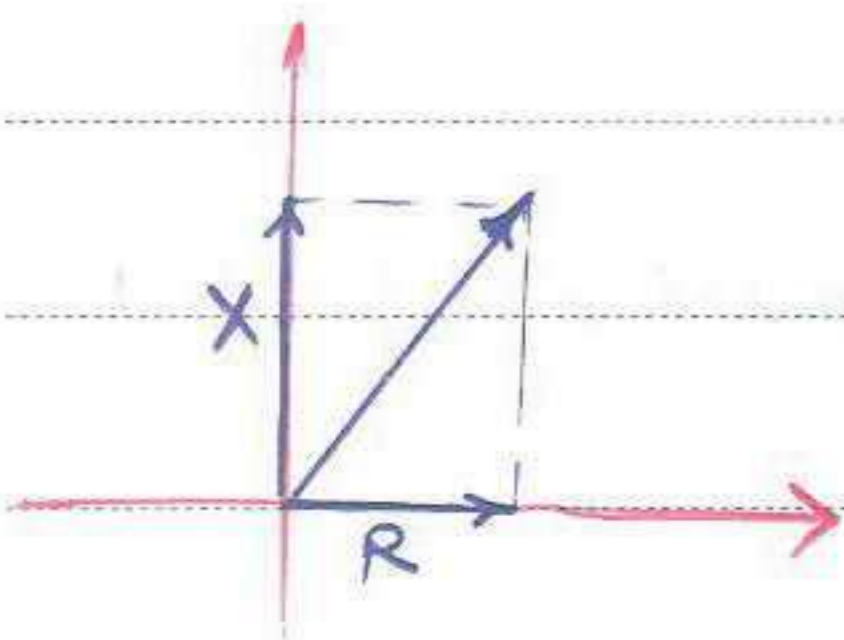
ضریب توان - ضریب قدرت = $\cos \phi$ Ref

در اینجا جریان پیش فاز است و اگر جریان جلوتر باشد آنگاه

مقدار مؤثر جریان پیش فاز است.

$$Z = \frac{V}{I} = \frac{|V| \angle \theta_v}{|I| \angle \theta_i} = |Z| \angle \theta$$

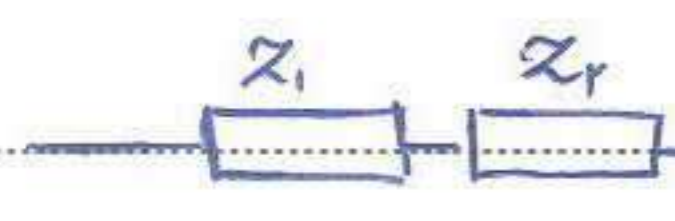
$$Z = |Z| \cos \theta + j |Z| \sin \theta = R + jX \rightarrow \begin{cases} X > 0 \text{ سلفی} \\ X < 0 \text{ خازنی} \end{cases}$$



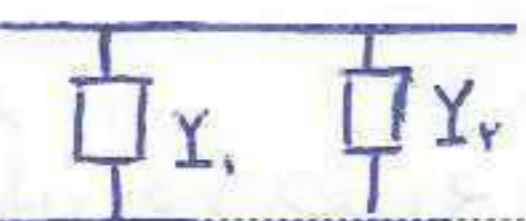
$$|Z| = \sqrt{R^2 + X^2}, \quad \theta = \tan^{-1} \frac{X}{R}$$

$$Y = \frac{I}{V} = \frac{|I| \angle \theta_i}{|V| \angle \theta_v} = |Y| \angle \theta$$

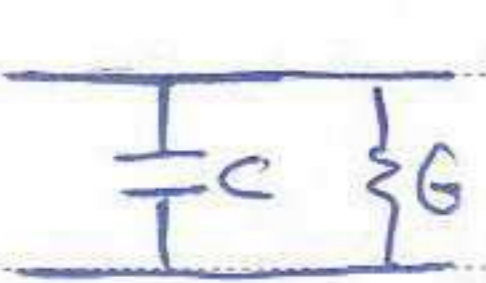
$$Y = |Y| \cos \theta + j |Y| \sin \theta = G + jB$$



$$Z = Z_1 + Z_2$$

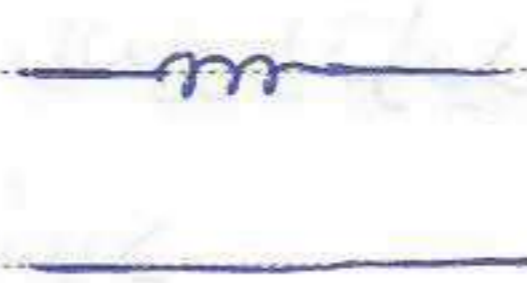


$$Y = Y_1 + Y_2$$



$$B = \omega C$$

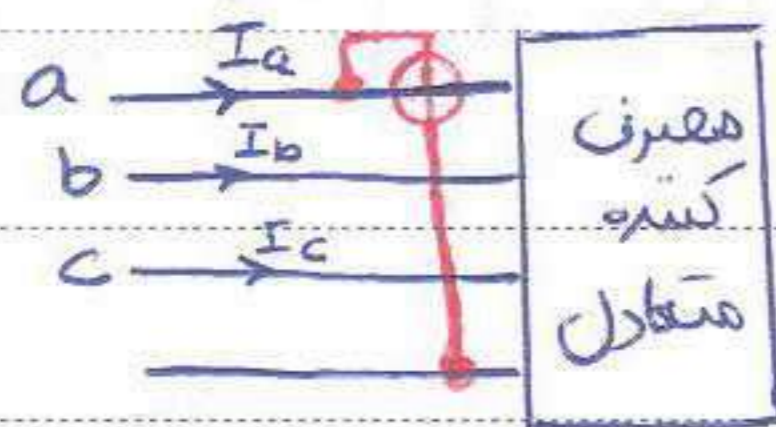
$$Y = G + jB$$



$$X = \omega L$$

$$Z = jX$$

محاسبه توان:



$$I_a = |I| \angle 0$$

$$I_b = |I| \angle -120$$

$$I_c = |I| \angle 120$$

در این حالتون یکی فاز را حساب کرده و در ۳ ضرب می کنیم.

$$P = v_i = \sqrt{2} |V| \sin \omega t \times \sqrt{2} |I| \sin(\omega t - \phi)$$

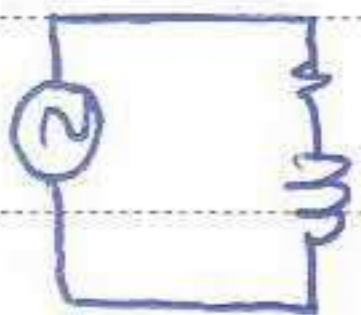
$$P = |V| |I| \cos \phi \quad \text{توان اکتیو - حقیقی} \quad W, kW, MW$$

$$Q = |V| |I| \sin \phi \quad \text{توان راکتیو} \quad var, Kvar, Mvar$$

علامت توان:

$$P = |V| |I| \cos \phi = R |I|^2$$

$$Q = |V| |I| \sin \phi = X |I|^2$$



اگر جریان از ولتاژ عقبتر باشد ← مصرف کننده توان راکتیو مصرف می کند. $\langle P >, Q < 0$ مصرف کننده سلنی
 " " هم فاز با ولتاژ باشد ← توان راکتیو نامصرف و نه تولید می شود. $\langle P >, Q = 0$ مصرف کننده مقاوم
 اگر جریان از ولتاژ جلوتر باشد ← مصرف کننده توان راکتیو تولید می کند. $\langle P >, Q < 0$ مصرف کننده خازنی

$$\text{توان} \left\{ \begin{array}{l} S = P + jQ \end{array} \right.$$

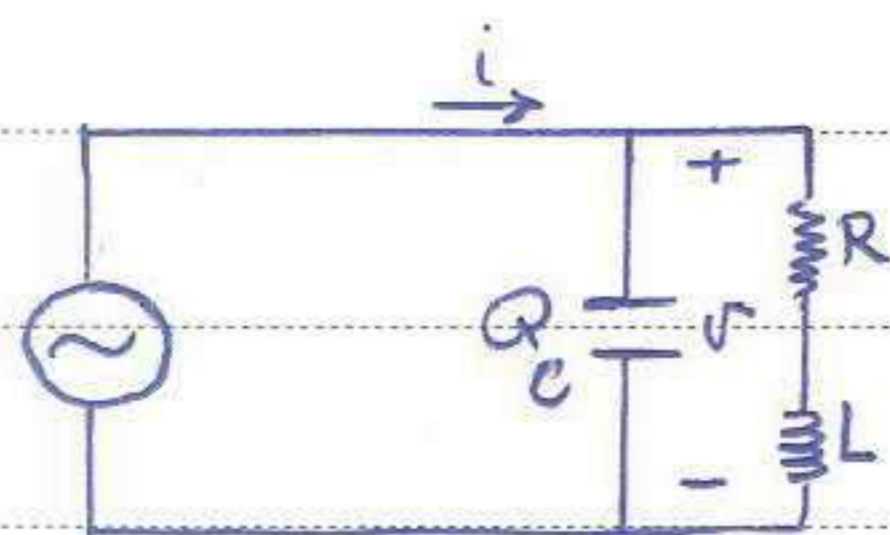
$$\text{مصلط} \left\{ \begin{array}{l} S = |S| \angle \phi, |S| = |V| |I| \end{array} \right.$$

۱۰ وات توان اکتیو مصرف ر ۵ وار توان راکتیو مصرف می کند. $S_D = 10 + j5 \text{ VA} \Rightarrow$ مثلاً
 منظور مصرف کننده است.

۲۰ وات توان اکتیو مصرف و ۵ وار توان راکتیو تولید می کند. $S_D = 10 - j5 \text{ VA} \Rightarrow$ مثلاً

هنگامی که بار سلنی است در نیروگاه باید خاصیت خازنی داشته باشیم تا توان سلنی مورد مصرف را خازن ها تولید کنند.

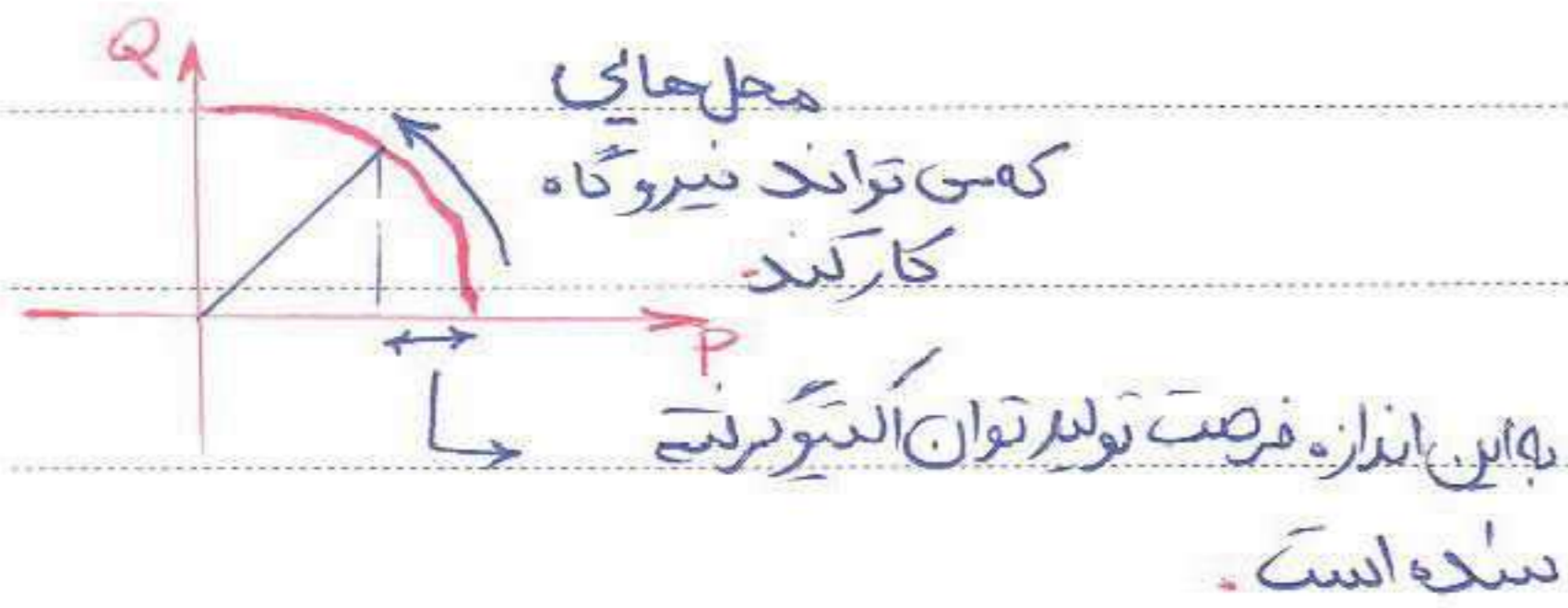
۲۵ به همین دلیل است تا توصیه می شود خود مصرف کننده در صورتی که خاصیت سلنی دارد خود مصرف کننده



خازنی همراه قرار دهد تا بتواند خود توان راکتیو را تولید کند.

یعنی کارخانه باید تباری کند که ۵، ۱۰، ۱۵، ۲۰، ۲۵، ۳۰، ۳۵، ۴۰، ۴۵، ۵۰، ۵۵، ۶۰، ۶۵، ۷۰، ۷۵، ۸۰، ۸۵، ۹۰، ۹۵، ۱۰۰، ۱۰۵، ۱۱۰، ۱۱۵، ۱۲۰، ۱۲۵، ۱۳۰، ۱۳۵، ۱۴۰، ۱۴۵، ۱۵۰، ۱۵۵، ۱۶۰، ۱۶۵، ۱۷۰، ۱۷۵، ۱۸۰، ۱۸۵، ۱۹۰، ۱۹۵، ۲۰۰، ۲۰۵، ۲۱۰، ۲۱۵، ۲۲۰، ۲۲۵، ۲۳۰، ۲۳۵، ۲۴۰، ۲۴۵، ۲۵۰، ۲۵۵، ۲۶۰، ۲۶۵، ۲۷۰، ۲۷۵، ۲۸۰، ۲۸۵، ۲۹۰، ۲۹۵، ۳۰۰، ۳۰۵، ۳۱۰، ۳۱۵، ۳۲۰، ۳۲۵، ۳۳۰، ۳۳۵، ۳۴۰، ۳۴۵، ۳۵۰، ۳۵۵، ۳۶۰، ۳۶۵، ۳۷۰، ۳۷۵، ۳۸۰، ۳۸۵، ۳۹۰، ۳۹۵، ۴۰۰، ۴۰۵، ۴۱۰، ۴۱۵، ۴۲۰، ۴۲۵، ۴۳۰، ۴۳۵، ۴۴۰، ۴۴۵، ۴۵۰، ۴۵۵، ۴۶۰، ۴۶۵، ۴۷۰، ۴۷۵، ۴۸۰، ۴۸۵، ۴۹۰، ۴۹۵، ۵۰۰، ۵۰۵، ۵۱۰، ۵۱۵، ۵۲۰، ۵۲۵، ۵۳۰، ۵۳۵، ۵۴۰، ۵۴۵، ۵۵۰، ۵۵۵، ۵۶۰، ۵۶۵، ۵۷۰، ۵۷۵، ۵۸۰، ۵۸۵، ۵۹۰، ۵۹۵، ۶۰۰، ۶۰۵، ۶۱۰، ۶۱۵، ۶۲۰، ۶۲۵، ۶۳۰، ۶۳۵، ۶۴۰، ۶۴۵، ۶۵۰، ۶۵۵، ۶۶۰، ۶۶۵، ۶۷۰، ۶۷۵، ۶۸۰، ۶۸۵، ۶۹۰، ۶۹۵، ۷۰۰، ۷۰۵، ۷۱۰، ۷۱۵، ۷۲۰، ۷۲۵، ۷۳۰، ۷۳۵، ۷۴۰، ۷۴۵، ۷۵۰، ۷۵۵، ۷۶۰، ۷۶۵، ۷۷۰، ۷۷۵، ۷۸۰، ۷۸۵، ۷۹۰، ۷۹۵، ۸۰۰، ۸۰۵، ۸۱۰، ۸۱۵، ۸۲۰، ۸۲۵، ۸۳۰، ۸۳۵، ۸۴۰، ۸۴۵، ۸۵۰، ۸۵۵، ۸۶۰، ۸۶۵، ۸۷۰، ۸۷۵، ۸۸۰، ۸۸۵، ۸۹۰، ۸۹۵، ۹۰۰، ۹۰۵، ۹۱۰، ۹۱۵، ۹۲۰، ۹۲۵، ۹۳۰، ۹۳۵، ۹۴۰، ۹۴۵، ۹۵۰، ۹۵۵، ۹۶۰، ۹۶۵، ۹۷۰، ۹۷۵، ۹۸۰، ۹۸۵، ۹۹۰، ۹۹۵، ۱۰۰۰.

نیروگاه ظرفیت خاصی دارد این توان می تواند هم به صورت آلتیو هم راکتیو هم هر دو تولید کند



5

اگر خود کارخانه خاصیت مسلفی یا فازی خود را از بین ببرد، آنگاه دیگر هزینه فرصت را نمی دهد

در زمینه علامت، فرض ما برای اینست که در مورد مصرف کننده صحبت می کنیم.

در مصرف کننده همواره $P_D > 0$ است اما Q_D می تواند حالات مختلفی داشته باشد.

$$S_D = P_D + jQ_D$$

10

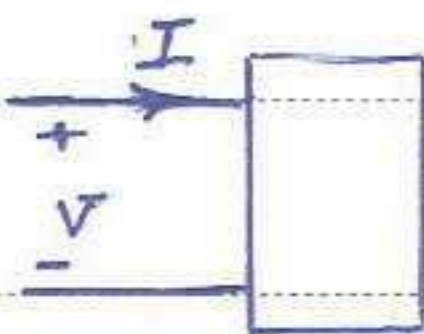
P_G همواره مثبت است. $Q_G > 0$ ← تولید توان راکتیو

$Q_G < 0$ ← مصرف توان راکتیو

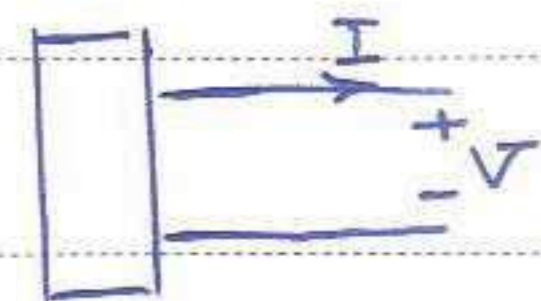
$$S_G = P_G + jQ_G$$

← مولد

مصرف کننده



تولید کننده



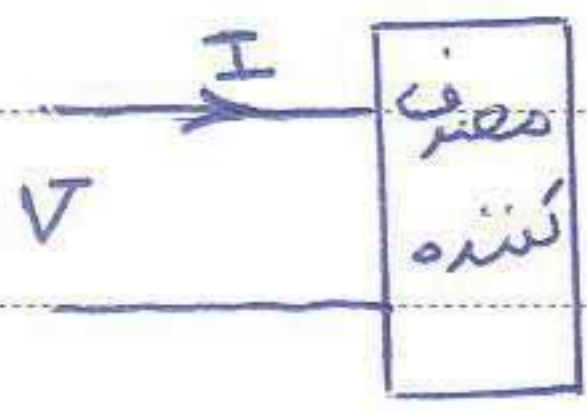
15

$$S = VI^* = P + jQ$$

بهترین فرمول برای محاسبه توان:

20

25



I عقب تراز V، مصرف کننده سلنی $S = 100 + j50$

I جلوتر از V، مصرف کننده خازنی $S = 100 - j50$

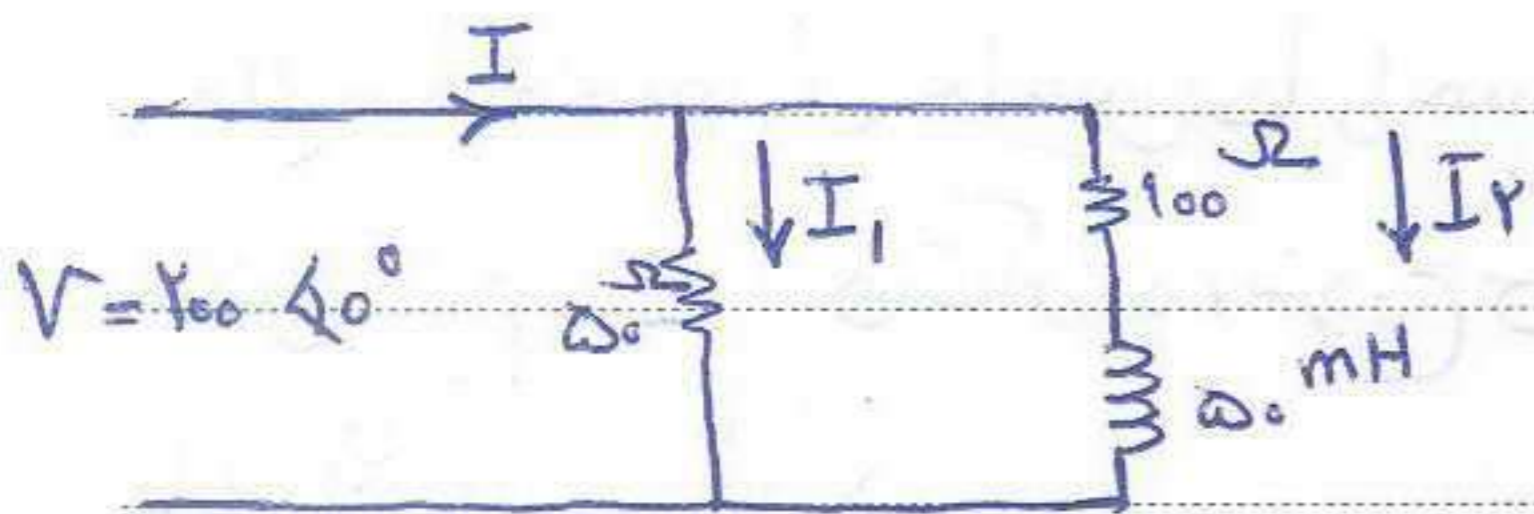
علامت توان راکتیو:

مصرف کننده خازنی توان راکتیو تولید و مصرف کننده سلنی توان راکتیو مصرف می کند

$$S = VI^*$$

$$\text{مثلاً} \Rightarrow \begin{cases} V = 100 \angle 0^\circ \\ I = 10 \angle -30^\circ \end{cases} \rightarrow S = 1000 \angle 30^\circ = 1000 \cos 30^\circ + j 1000 \sin 30^\circ$$

همانطور که انتظار داریم مصرف کننده توان راکتیو مصرف می کند $\rightarrow S = 840 + j500$

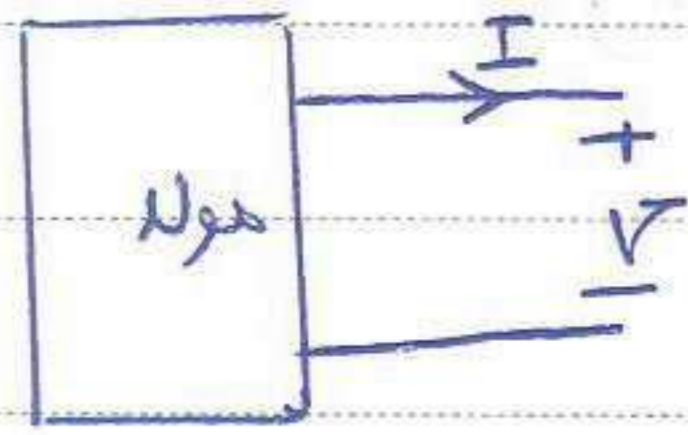


توان مصرفی مجموعه مقابل را بدست آورید.
در مدار مقابل ضرب قدرت را حساب کنید چگونه آن را اصلاح کنیم

$$I_1 = \frac{200 \angle 0^\circ}{50} = 4 \angle 0^\circ \text{ A}$$

$$I_2 = \frac{200 \angle 0^\circ}{100 + j2\pi 50 \times 50 \times 10^{-3}} \Rightarrow I_2 = \frac{200 \angle 0^\circ}{100 + j15}$$

بهترین راه اینست که I را به دست آورده و از فرمول $S = VI^*$ ، توان اکتیو و راکتیو را بدست می آوریم



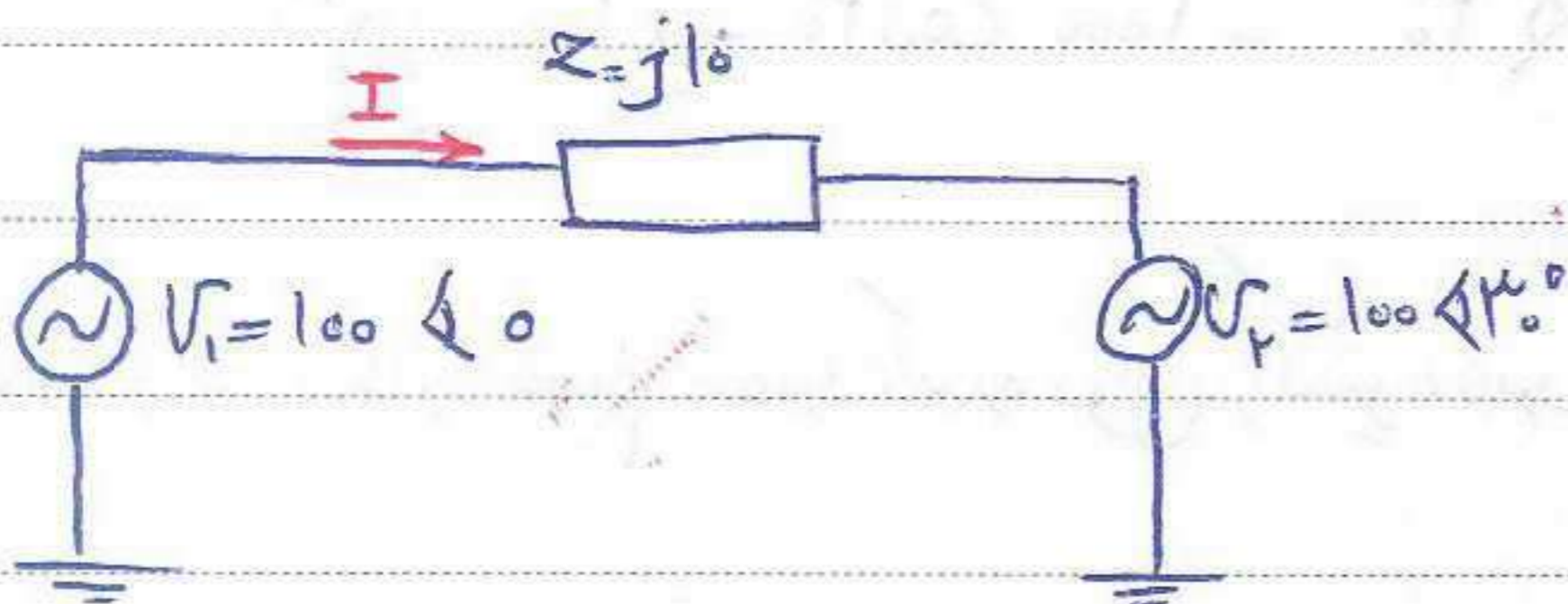
$$S_G = P + jQ$$

$P > 0 \Rightarrow$ تولید توان الکتریکی

$Q < 0 \Rightarrow$ مصرف توان راکتیو

$Q > 0 \Rightarrow$ تولید توان راکتیو

مولد در مورد توان الکتریکی همواره تولید می‌کند اما مولد می‌تواند توان راکتیو تولید، مصرف یا نه تولید کند. مصرف کننده بستگی به بار دارد.



مثال: دو ماشین با یک امپدانس به هم وصل شده اند.

حال می‌خواهیم توان ماشین‌ها را حساب کنیم. اولین قدم اینست که فرض کنیم جریان I باجهتی خاص داریم. I را بدست آورده، مزروح می‌کنیم و در V_1 ضرب می‌کنیم. اگر انتخاب جهت I درست باشد باید P_1 مثبت باشد.

بنابراین S_2 را حساب می‌کنیم. در اینجا حتماً $P_2 > 0$ است زیرا قبلاً اعلان کردیم که V_2 مصرف کننده است.

اگر فهمیدیم که جهت اشتباه بوده است می‌توانیم راه حل را ادامه دهیم فقط I را باید در یک منفی ضرب کنیم. در مورد موتور اگر $Q_2 < 0$ باشد آنگاه موتور سنکرون است. موتور آسنکرون همیشه منفی بوده، $\cos \phi$ آنها همیشه فاز است.

الف) محاسبه توان (توان مختلط) ماشین‌ها

ب) مشخص کردن تولید یا مصرف

ج) بررسی تعادل توان \leftarrow همیشه در یک مدار باید بین توان الکتریکی تولیدی و مصرفی و توان راکتیو تولیدی و مصرفی تعادلی برقرار باشد \leftarrow جمع جبری توان‌های الکتریکی جمع جبری توان‌های راکتیو صفر است.

فرض کنیم مصرف کننده ای مانند مقابل داریم که دارای $Q > 0$ شده است. $S = P + jQ$ $\cos \varphi$ کسری، $\cos \varphi = 1$ ، پس فاز Q_c

$$\tan \varphi = \frac{Q}{P} \Rightarrow Q = P \tan \varphi$$

$$\text{مثلاً} \Rightarrow \left\{ \begin{array}{l} P = 500 \text{ kW} \\ \cos \varphi = 0.8 \end{array} \right\} \Rightarrow Q = 500 \tan 36.87^\circ$$

اگر بار مقاومتی باشد $\cos \varphi = 1$ بوده و $\tan \varphi = 0$ بنابراین $Q = 0$
 در بعضی مصرف کننده ها کسری داریم که هم P هم Q (مثلاً سیم کشیده، هزینه های هر دو از مصرف کننده دریافت می شود در این مصرف کننده ها $\cos \varphi$ از 1 فاصله می گیرد. در این موارد مصرف کننده باید استنس خازن $\cos \varphi$ را اصلاح کرد، در عدد 1 می برد. حال می خواهیم Q_c (مثلاً سیم کشیم).

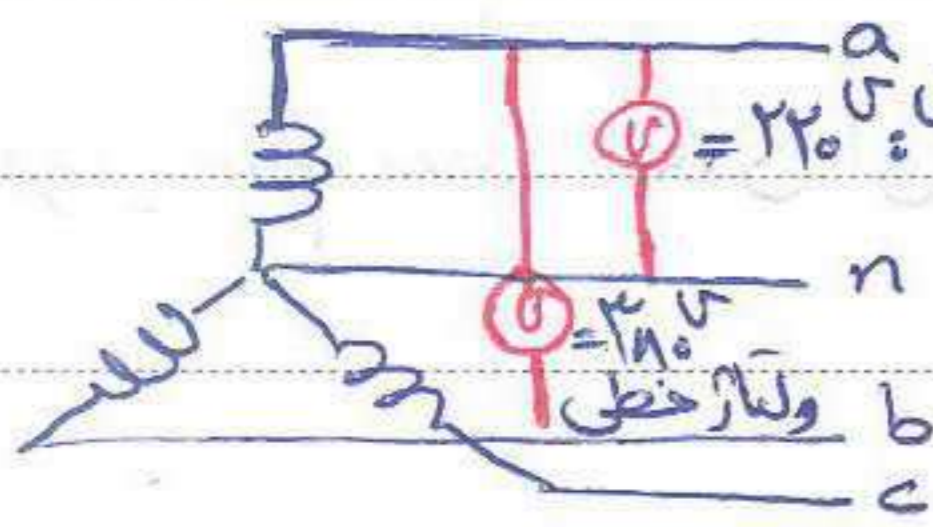
$$\left. \begin{array}{l} Q_1 = P \tan \varphi_1 \\ Q_2 = P \tan \varphi_2 \\ Q_c = Q_2 - Q_1 \end{array} \right\} \Rightarrow Q_c = P (\tan \varphi_2 - \tan \varphi_1)$$

$$\left. \begin{array}{l} \cos \varphi_1 = 0.8 \\ \cos \varphi_2 = 0.95 \end{array} \right\} \Rightarrow Q_c = -209 \text{ kvar}$$

$$Q_c = B |V|^2 = 2\pi f C |V|^2 \Rightarrow 209 \times 11^2 = 2\pi \times 50 \times C \times 1100^2 \Rightarrow C$$

* در تراسن مصرف کننده، ثانویه بصورت ستاره بسته می شود تا ثقل تولید شود.

مخارجهای سه فاز:



۳ سیمه : نیروگاه - خط انتقال (a, b, c)
 ۴ سیمه : مصرف کننده فشار ضعیف (a, b, c, N)

این لحظه ای ولتاژها

$$\left. \begin{aligned} a & \quad V_a = V_m \sin \omega t \\ b & \quad V_b = V_m \sin (\omega t - 120^\circ) \\ c & \quad V_c = V_m \sin (\omega t + 120^\circ) \\ N & \end{aligned} \right\}$$

V_b ، به اندازه 120° از V_a عقب تر است.

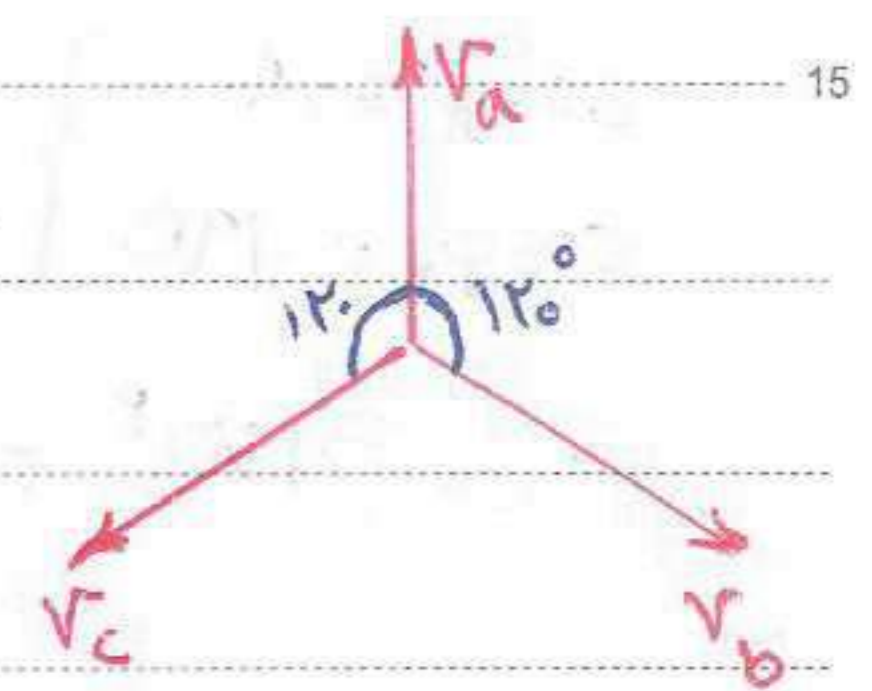
V_c ، به اندازه 120° از V_a جلوتر است.

علت استفاده از ژنراتور سه فاز: اگر بخواهیم ژنراتور تک فاز داشته باشیم از تمام فضای رتور استفاده نمی شود، به همین دلیل از ژنراتور سه فاز استفاده می کنیم که در آن هر 120° را به یک فاز اختصاص داده در نتیجه از کل فضای 360° رتور استفاده می شود.

ولتاژ خطی	ولتاژ فازی
V_{ab}	V_{an}
V_{ac}	V_{bn}
V_{bc}	V_{cn}

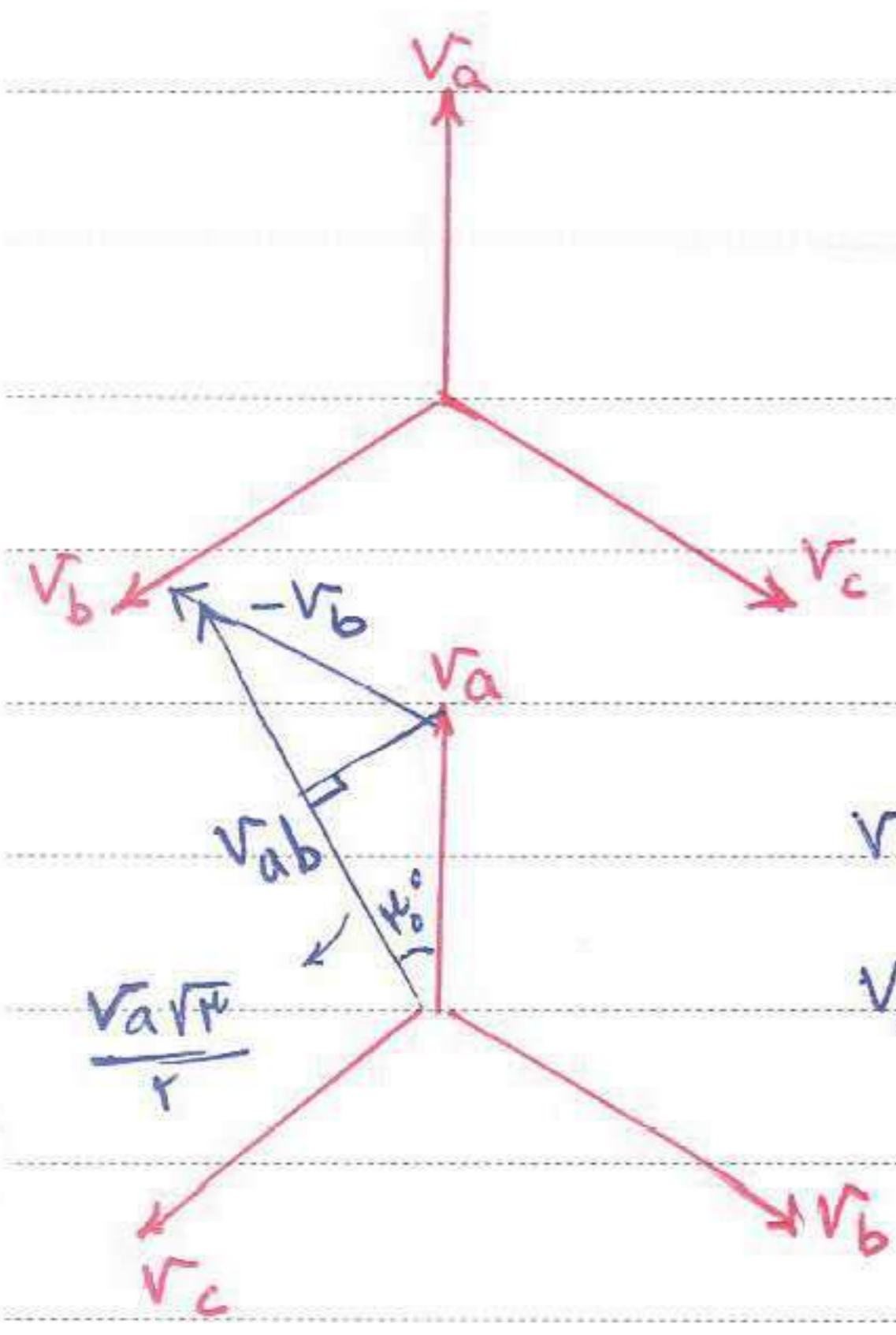
این سه فازوری

$$\left\{ \begin{aligned} V_a &= 173 \angle 0^\circ \\ V_b &= 173 \angle -120^\circ \\ V_c &= 173 \angle 120^\circ \end{aligned} \right.$$



در توالی abc ، b از a عقب تر ، c از b عقب تر است.

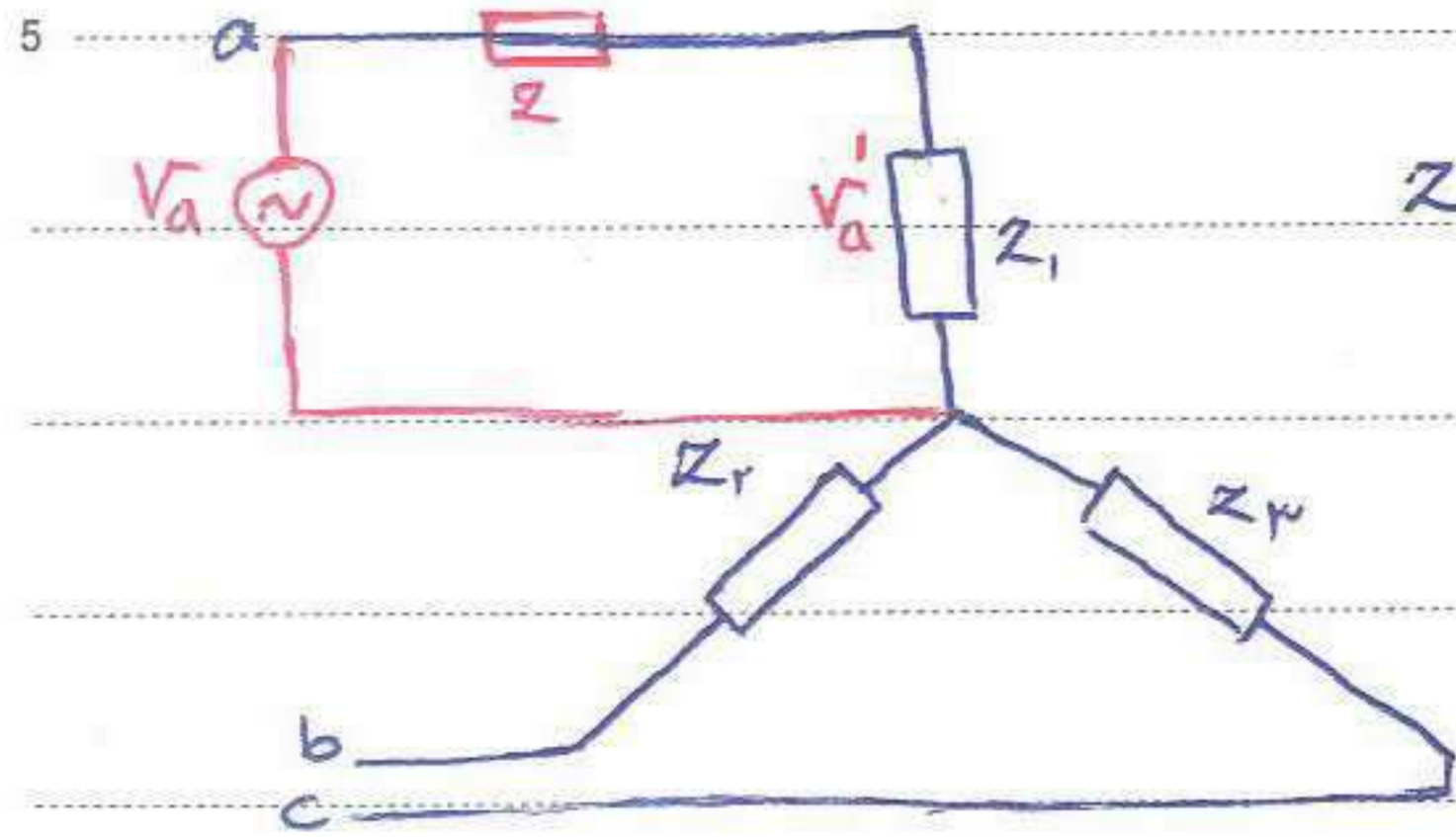
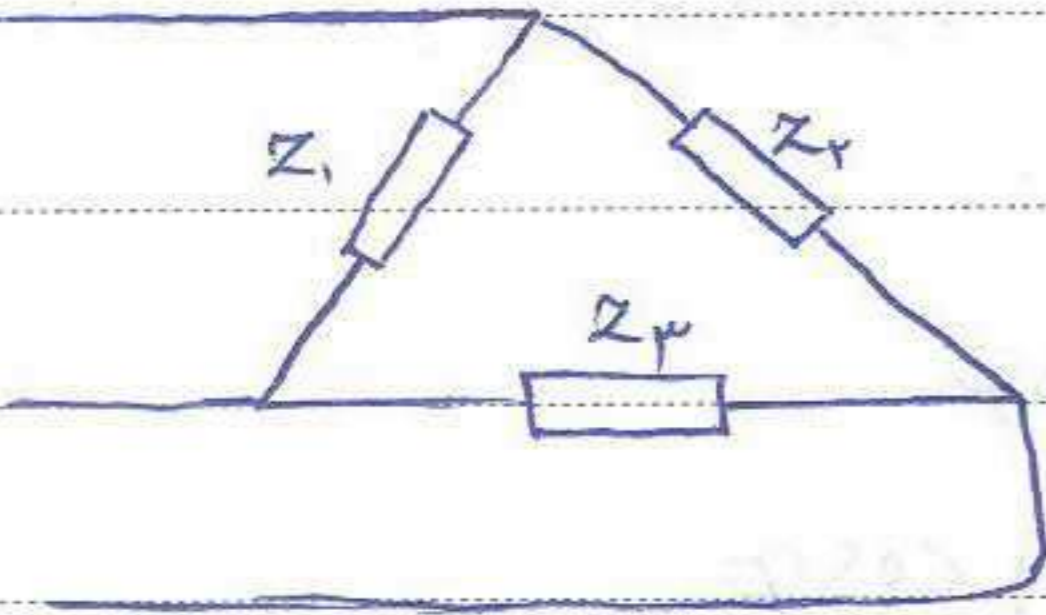
شکل مقابل توالی acb است یعنی c از a ، b از c عقب تر است.



ولتاژ V_{ab} ، به اندازه 30° از V_a جلوتر است

$$\left\{ \begin{aligned} V_{ab} &= \sqrt{3} V_a \\ V_{ab} &= \sqrt{3} V_a \angle 30^\circ \end{aligned} \right.$$

اتصال ستاره-مثلث :



$Z_1 = Z_2 = Z_3$

منبع ولتاژ متعادل \Rightarrow

$$\begin{cases} V_a = 1\sqrt{3} \angle 0^\circ \\ V_b = 1\sqrt{3} \angle -120^\circ \\ V_c = 1\sqrt{3} \angle 120^\circ \end{cases} \xrightarrow[\text{معادل}]{\text{با صورت}} \begin{cases} V_a = 1\sqrt{3} \angle \alpha \\ V_b = 1\sqrt{3} \angle \alpha - 120^\circ \\ V_c = 1\sqrt{3} \angle \alpha + 120^\circ \end{cases}$$

چون سیستم را متعادل فرض کرده ایم می توانیم با به دست آوردن جریان در یک فاز ، جریان فازهای دیگر را نیز

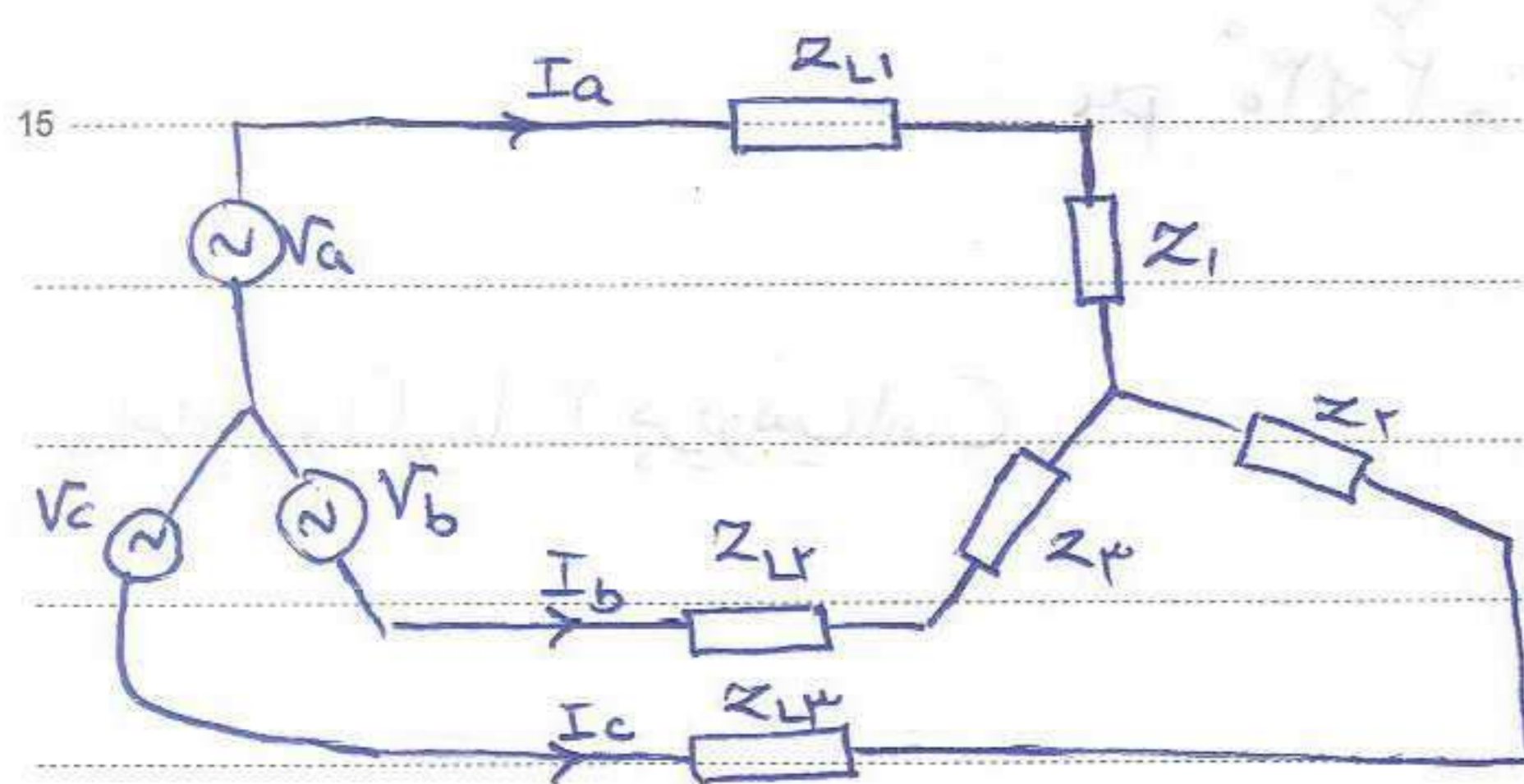
$I_a = \frac{V_a - V_a'}{Z}$

تکسین کنیم

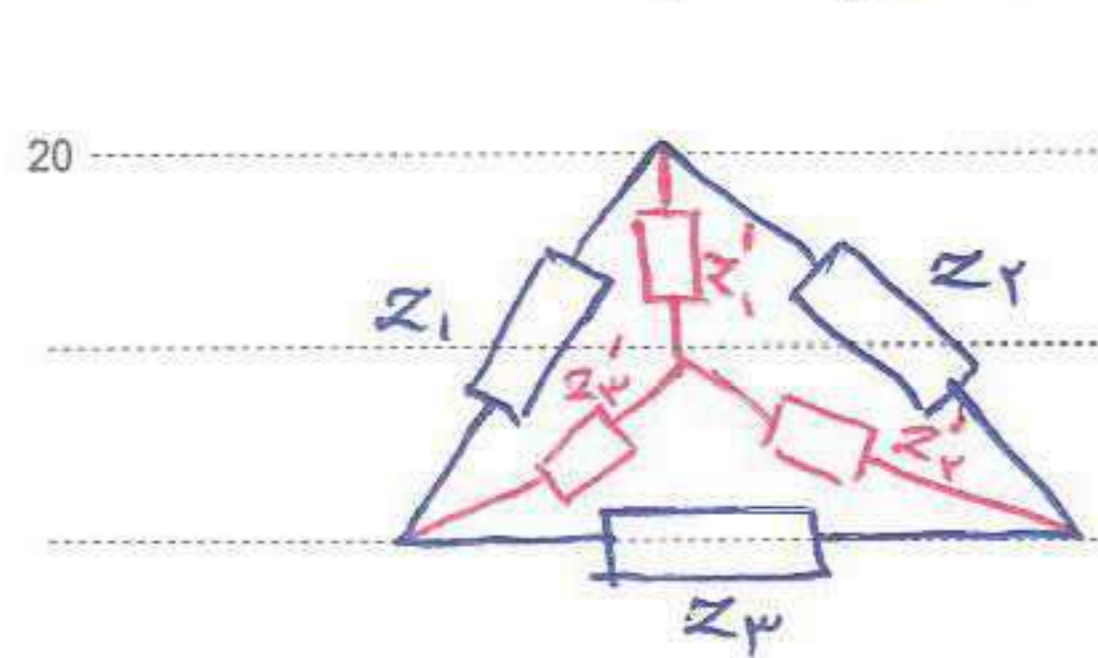
$I_b = |I_a| \angle \varphi_a - 120^\circ$

$I_c = |I_a| \angle \varphi_a + 120^\circ$

مقاومت متقابل را نادیده میگیریم ، بارش گره میباش

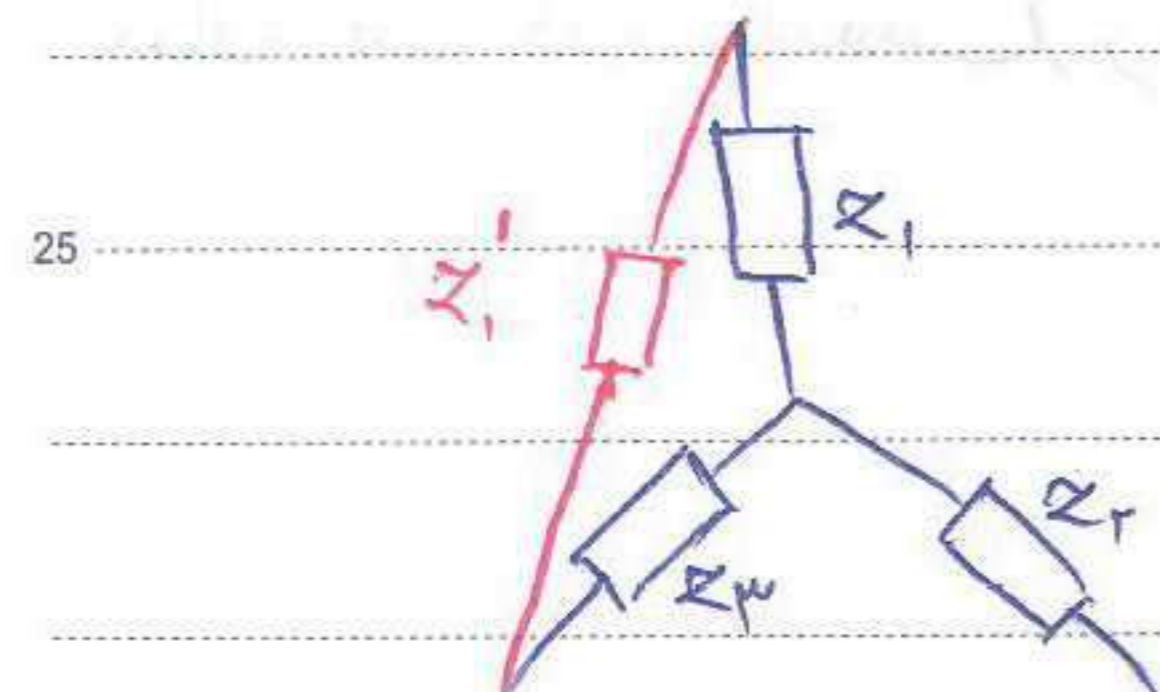


حل می کنیم



$Z_1' = \frac{Z_1 Z_2}{Z_1 + Z_2 + Z_3}$

$Z_Y = \frac{ZZ}{3Z} = \frac{Z}{3}$



$Z_1' = Z_1 + Z_3 + \frac{Z_2 Z_3}{Z_2} = \frac{Z_1 Z_2 + Z_3 Z_2 + Z_1 Z_3}{Z_2}$

$Z_\Delta = 3 Z_Y$

محاسبه توان در مدار سه فاز:

خطی
 $P = \sqrt{3} V_{ll} I \cos \phi$

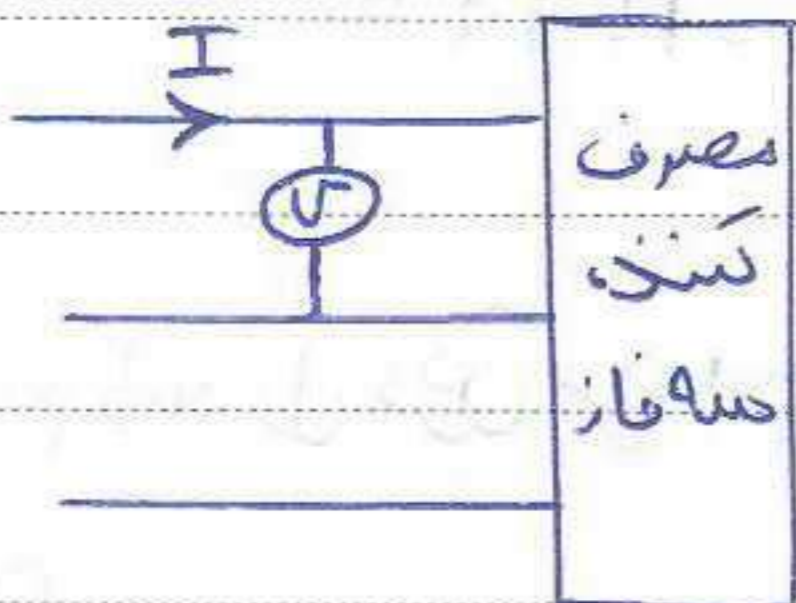
فازی
 $P = 3 V_{ll} I \cos \phi$

خطی
 $Q = \sqrt{3} V_{ll} I \sin \phi$

خطی
 $P = \sqrt{3} \sqrt{3} V_{ll} I \cos \phi$

ظاهری
 $S = \sqrt{3} V_{ll} I$

مختلط
 $S = \sqrt{3} V I^*$
 فازور



Perunit Systems

نسبت به واحد:

برونیت
 $V = 200 \angle 30^\circ \text{ V (ولت)}$
 $V_{base} = V_b = 100 \text{ ولت}$
 $\Rightarrow \frac{200 \angle 30^\circ}{100} = 2 \angle 30^\circ \text{ pu}$

بنابراین ولتاژها ۲ بریونیت است

مقدار واقعی = تبدیل به بریونیت
 مقدار مبنای

$I = 100 \angle -40^\circ \text{ A}$
 $I_b = 200 \text{ A}$
 $\Rightarrow I = 0.5 \angle -40^\circ$

مقدار مبنای فازور نیست و زاویه ندانسته و فقط دارای اندازه می باشند

چون نسبت‌ها با هم در ارتباطند بنابراین لازم است برای همه مبنای تعریف کنیم یعنی:
 بدانشن مبنای نسبت‌های زیر می‌توانیم سایر نسبت‌ها را بیرون بکشیم:

در نسبت‌های مقابل نیز می‌توانیم با تعریف مبنای
 برای دو متغیر مشخصه، مبنای سایر متغیرها را
 بدست آوریم.
 متداول است که با انتخاب متغیرهای رو بار و
 نسبت‌ها را بیرون بکشیم
 سیستم مقابل تک فاز بوده پس توان تک‌فاز و
 ولتاژ تک‌فازی است.

← اگر سیستم سه‌فاز باشد، ولتاژ داده شده خطی است و با تقسیم آن به $\sqrt{3}$ ولتاژ فازی را
 بدست می‌آوریم. اما برای سیستم سه‌فاز با منظور راحتی کار S_b را توان سه‌فاز و ولتاژ خطی
 می‌گیریم. داریم:

$$I_b = \frac{3 S_b}{3 V_b} = \frac{3 S_b}{\sqrt{3} \sqrt{3} V_b} = \frac{S_b (\text{سه‌فاز})}{\sqrt{3} V_b (\text{خطی})} \Rightarrow I_b = \frac{S_b}{\sqrt{3} V_b}$$

$$Z_b = \frac{3 V_b^2}{3 S_b} = \frac{(\sqrt{3} V_b)^2}{S_b (\text{سه‌فاز})} = \frac{V_b^2 (\text{خطی})}{S_b (\text{سه‌فاز})}$$

$$Y_b = \frac{1}{Z_b}$$

بنابراین اگر با سیستم سه‌فاز داشتیم بهتر است از توان سه‌فاز و ولتاژ خطی استفاده کرده در
 هنگام محاسبه مبنای I_b و Z_b استفاده کنیم.

$$S = 151 \angle 45^\circ \Rightarrow \text{تبدیل به بیرون کشیم} \cdot \frac{151 \angle 45^\circ}{S_b} = \frac{151}{S_b} \angle 45^\circ$$

$$S_{pu} = \frac{P+jQ}{S_b} = \frac{P}{S_b} + j \frac{Q}{S_b} = P_{pu} + j Q_{pu} \Rightarrow \begin{cases} P_{pu} = \frac{P}{S_b} \\ Q_{pu} = \frac{Q}{S_b} \end{cases}$$

بنابراین برای P و Q
 مبنای جداگانه‌ای
 نداریم.

$$Z = R + jX$$

$$Z_{pu} = \frac{R + jX}{Z_b} = \frac{R}{Z_b} + j \frac{X}{Z_b} \Rightarrow Z_{pu} = R_{pu} + jX_{pu} \Rightarrow \begin{cases} R_{pu} = \frac{R}{Z_b} \\ X_{pu} = \frac{X}{Z_b} \end{cases}$$

دلایل استفاده از بیرونیت:

- ۱) کوچکتر شدن اعداد و بالا رفتن سرعت محاسبات.
- ۲) اطلاعاتی می توانیم بگیریم که شاید خود نسبت آن را ندهد. ← مثلاً در یک خط 20^{kv} ، اعداد را با پایه 20^k بیرونیت می کنیم و بدین ترتیب تمامی اعداد به حدود یک بیرونیت تبدیل می شوند.
- ۳) اگر ترانس را بیرونیت کنیم، از ارایش ویا ثانویه بودن نسبت ها مستقل می شویم.

$$S = \sqrt{3} V I^* \quad S_{pu} = \frac{\sqrt{3} V I^*}{\sqrt{3} V_b I_b} = V I^*$$

بنابراین:

$$S_{pu} = V_{pu} I_{pu}^*$$

مقدار واقعی $S = V I^*$ → مقدار واقعی $S = \sqrt{3} V I^*$

- ۱۵ مثال: یک موتور سگرون 10 MW در ولتاژ 100 kV ، ضریب توان 0.8 ، پدیده کار می کند. جریان این موتور را بر حسب بیرونیت حساب کنید. توان مبنای 10 MVA ، ولتاژ مبنای 50 kV در نظر بگیرید. به دو طریق:

- الف) مقدار واقعی جریان را حساب و سپس آن را بیرونیت کنید.
- ب) مقادیر را P_{pu} کرده، سپس جریان را حساب کنید.

$$I = \frac{P}{\sqrt{3} V \cos \phi} = \frac{10 \times 10^6}{\sqrt{3} \times 100 \times 10^3 \times 0.8} = \frac{100}{\sqrt{3} \times 0.8} = 72 \text{ A}$$

$$I = 72 \angle 34.1^\circ$$

$$I_b = \frac{S_b}{\sqrt{3} V_b} = \frac{10 \times 10^6}{\sqrt{3} \times 50 \times 10^3} = \frac{200 \sqrt{3}}{3}$$

$$I_{pu} = \frac{\frac{100}{\sqrt{3} \times 0.8}}{\frac{200 \sqrt{3}}{3}} = \frac{100 \times 3}{200 \times 0.8 \times \sqrt{3}} = \frac{10}{14} = 0.714 \angle 34.1^\circ$$

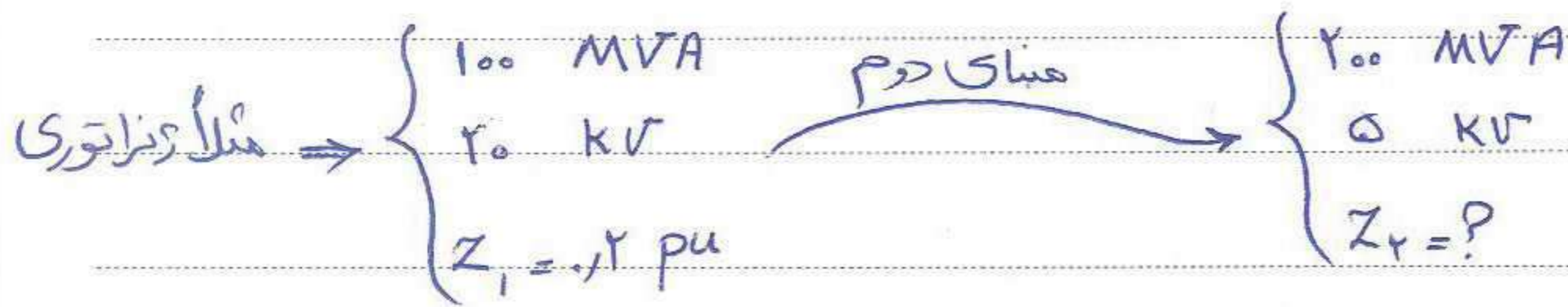
$$P_{pu} = V_{pu} I_{pu} \cos \phi \Rightarrow I_{pu} = 0.714 \angle 34.1^\circ$$

$P = \frac{10}{10} = 1 \text{ pu}$
 $V = \frac{50}{25} = 2 \text{ pu}$



تغییر مبنای: این وضعیت معمولاً برای اسیدالینس ها اتفاق می افتد یعنی می خواهیم یک اسیدالینس pu شده را در یک مبنای خاص به مبنای دیگری ببریم، پس داریم:

مبنای جدید	مبنای قدیم
S_{br}	S_{bi}
V_{br}	V_{bi}
$Z_r (pu)$	$Z_i (pu)$



$$Z_i^{\Omega} = Z_{i \text{ pu}} \quad Z_{ib} = Z_i^{\text{pu}} \times \frac{V_{bi}^2}{S_{bi}}$$

$$Z_r^{\text{pu}} = Z_i^{\Omega} \times \frac{1}{Z_{br}} = \frac{Z_i^{\text{pu}} \times \frac{V_{bi}^2}{S_{bi}}}{\frac{V_{br}^2}{S_{br}}} \Rightarrow Z_r^{\text{pu}} = Z_i^{\text{pu}} \left(\frac{V_{bi}}{V_{br}} \right)^2 \left(\frac{S_{br}}{S_{bi}} \right)$$

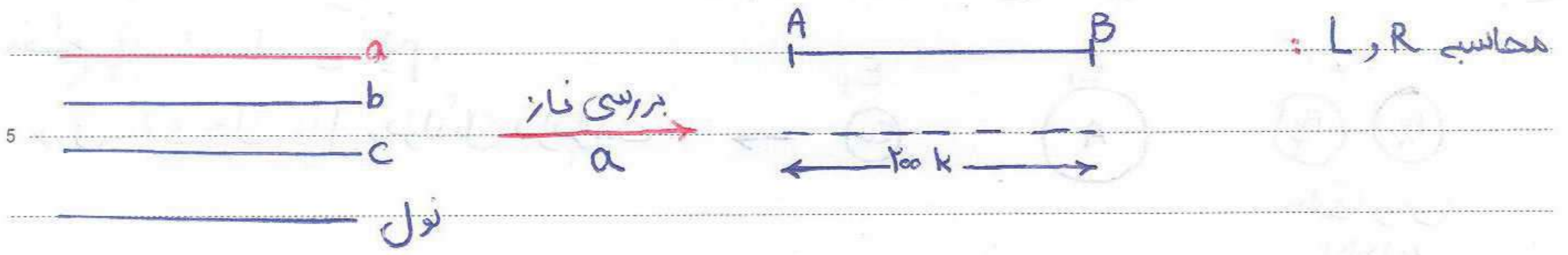
$$\Rightarrow Z_r^{\text{pu}} = 0.2 \left(\frac{20}{5} \right)^2 \left(\frac{200}{100} \right) = 0.2 \times 16 \times 2 = 6.4 \text{ pu}$$

رانداش یک رانداشوری 0.2 pu از در مبنای 100 MVA، 20 KV
مقدار این رانداش در مبنای 200 MVA، 5 KV چقدر است؟

$$X_r^{\text{pu}} = 0.2 \left(\frac{200}{100} \right) \left(\frac{20}{5} \right)^2 = 1$$

فصل سوم: محاسبه امپدانس سری خط:

$$Z = R + jX \Rightarrow Z = R + j\omega L$$



خطوط انتقال } خطوط هوایی
 کابل زمینی

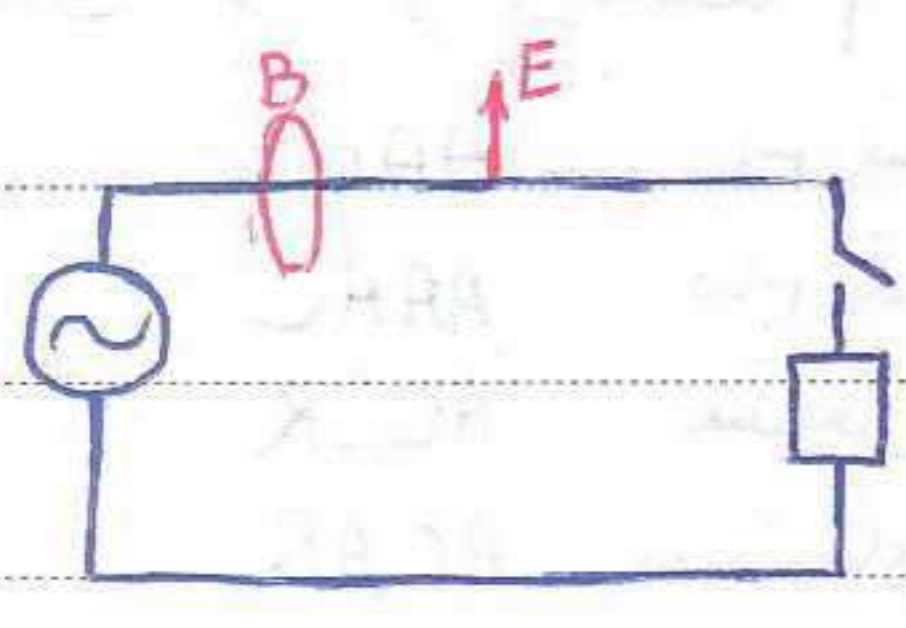
در داخل شهر معمولاً خطوط انتقال از نوع کابل زمینی اند به دو دلیل: ۱- ایمنی ۲- زیبایی
 هزینه‌ی خطوط هوایی بسیار کمتر از کابل زمینی است.

در بعضی موارد نیز به دلیل فنی از کابل زمینی استفاده می‌شود.

خطوط انتقال عمدتاً ← خطوط هوایی
 خطوط توزیع عمدتاً ← کابل زمینی

خطوط هوایی } ۱- آلومینیوم
 ترکیبات آلومینیوم }
 مس } ۳

نوع جنس خطوط را نیز هزینه تعیین می‌کند اما عمدتاً از آلومینیوم استفاده می‌شود زیرا ترکیبات آن زنگار سبز است و در وزن ثابت سطح مقطع آلومینیوم بیشتر از مس خواهد بود.



میدان الکتریکی و مغناطیسی حتی اگر خطی با هم باسک با هم وجود دارند.

همانطور که گفتیم در وزن و طول ثابت سطح مقطع آلومینیوم بیشتر از مس است و میزان E نون نیز هر چه سطح مقطع بیشتر باشد کمتر است.

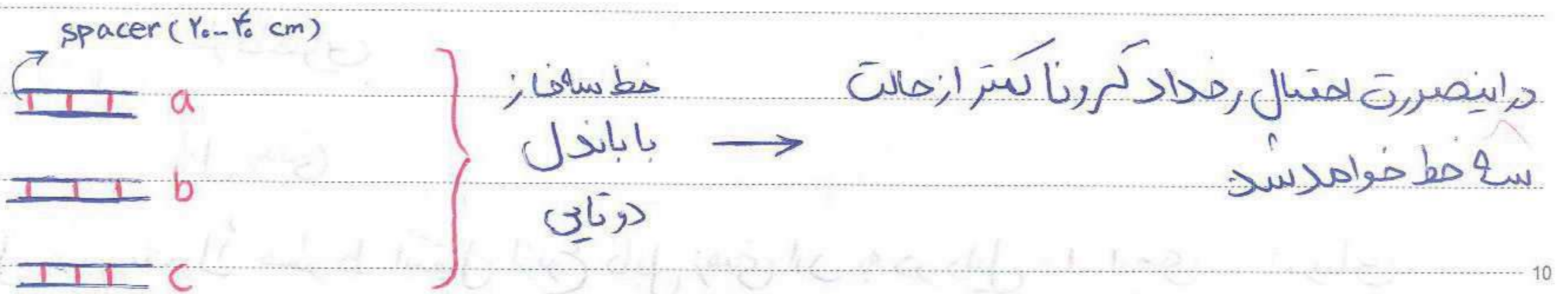
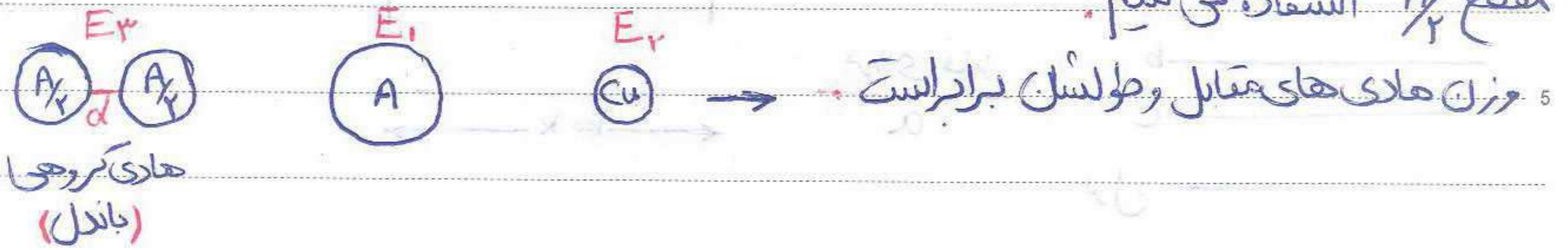
اگر این میدان E از $2000 \frac{kV}{m}$ بیشتر شود هوا یونیزه شده و تخلیه الکتریکی صورت می‌گیرد. (پدیده تخلیه الکتریکی ۱- مشکل بوجود می‌آورد: ۱- مقداری انرژی به فضای منتقل می‌شود ← تلفات کرونا (زدنا)

۲- تداخل مخابراتی

امثال پدیده کرونا در هوای مرطوب بیشتر است

بنابراین آرایش آلومینیوم استفاده کنیم احتمال جدا کردن نا کمتری شود.

راه دیگری برای تست کردن سفت شدن به جای یک هادی با سطح مقطع A، از دو هادی با سطح مقطع $A/2$ استفاده می کنیم.



هر چه و تنگتر بود تعداد هادی های هر باندل بیشتر می شود.

* استحکام آلومینیوم کم است.



همانطور که در برش عرضی می بینیم هادی از تعداد زیادی رشته تشکیل می شود و حجم رشته های هادی نیز باید از یک جنس باشد.

چون آلومینیوم استحکام کمی دارد بنابراین به جای آلومینیوم از آلیاژ آلومینیوم استفاده می شود.

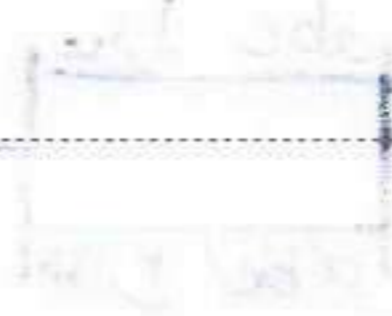
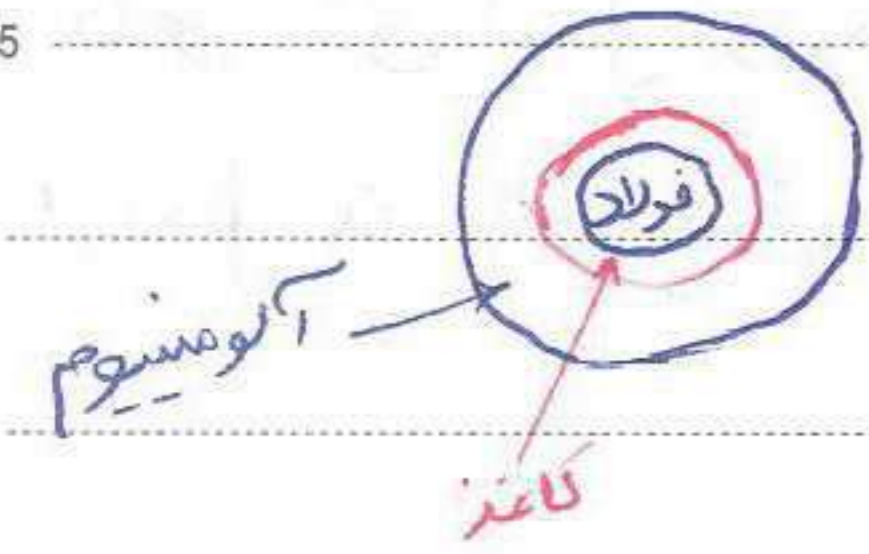
- AAC ← تمام رشته ها از آلومینیوم
- AAAC ← تمام رشته ها از آلیاژ آلومینیوم
- ACSR ← رشته های وسط از فولاد و اطراف از آلومینیوم
- ACAR ← رشته های وسط از آلیاژ آلومینیوم و اطراف از آلومینیوم

آلیاژهای آلومینیوم دارای هدایت کمتری بود و مقاومت بیشتری نسبت به آلومینیوم خالص دارند. برای ایندهم استحکام داشته باشیم، هم مقاومت خیلی زیاد نشود تعدادی از رشته ها را از آلومینیوم و تعدادی از رشته های وسط را از آلیاژ آلومینیوم استفاده می کنند.

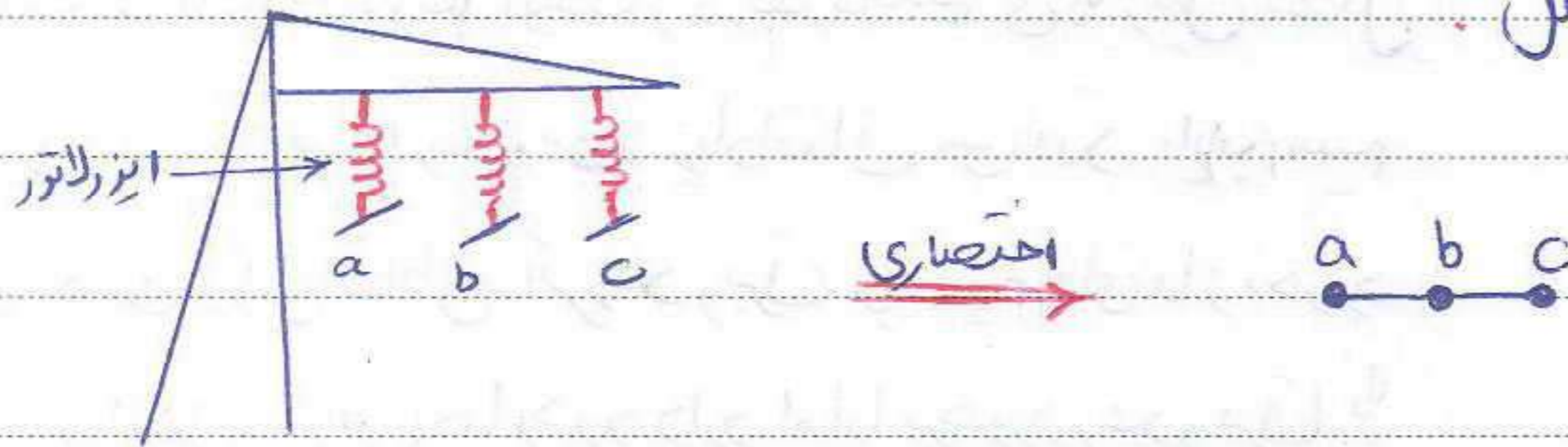
مرای بالا بردن استحکام باز به های آلیاژ آلومینیوم در رشته های وسط، از فولاد در رشته های وسط استفاده می شود.

در مرکز کابینگی میزبان کمتری داریم، از رسته‌های استفاده می‌کنیم که هدایت کمتری دارند

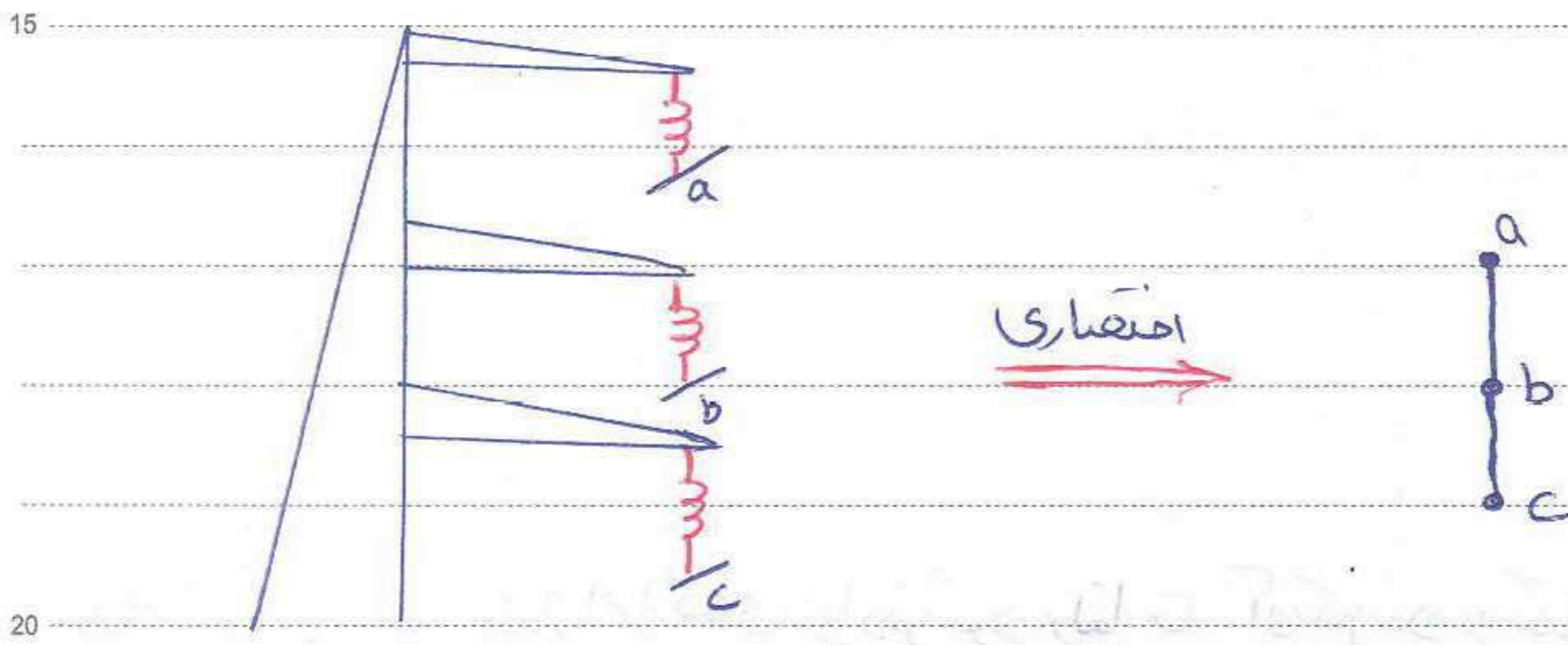
در بعضی موارد نیز در رسته‌های مرکزی از فولاد استفاده می‌شود به سبب اطراف آن کلاف قرار می‌دهند و بعد از آن رسته‌های آلومینیوم قرار می‌گیرند در این حالت چون سطح مقطع بیشتر می‌شود احتمال خرد کردن کمتری شود.



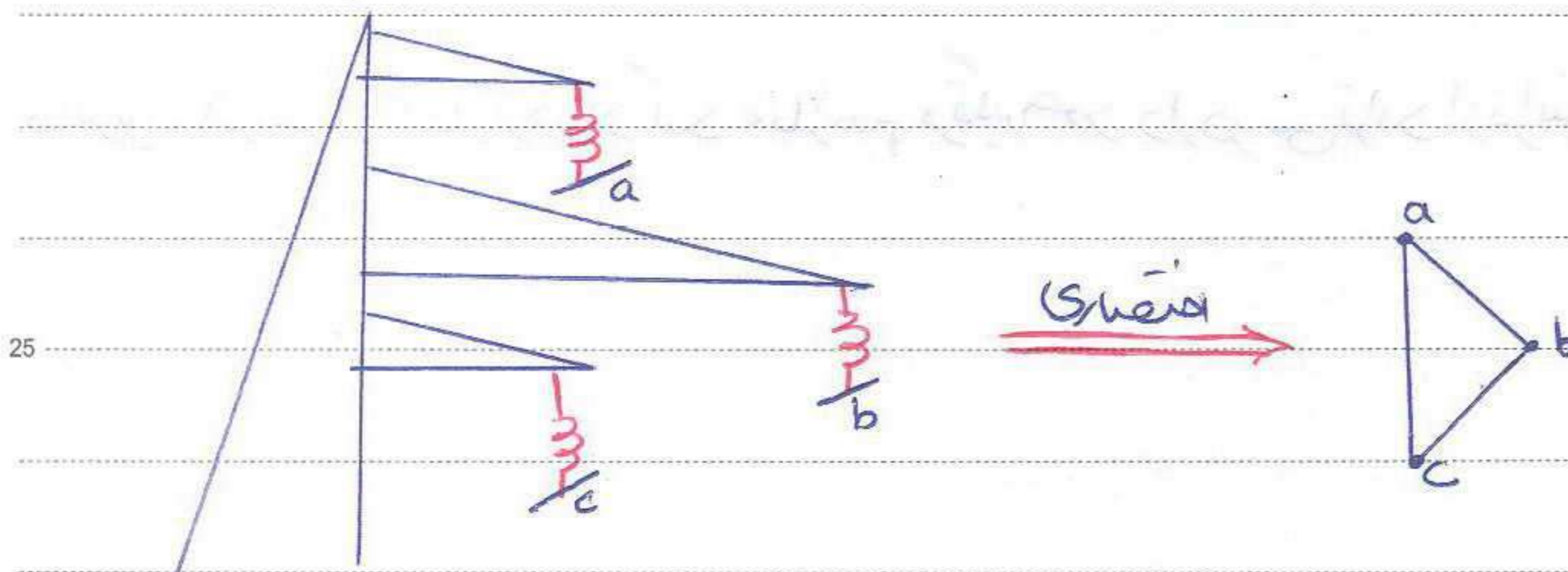
آرایش: نحوه قرار گرفتن چهاری‌ها روی دکل



آرایش افقی



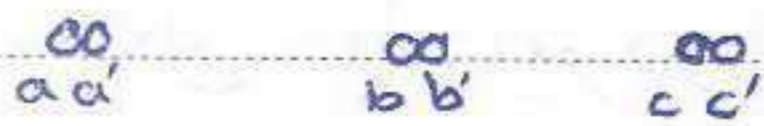
آرایش قائم



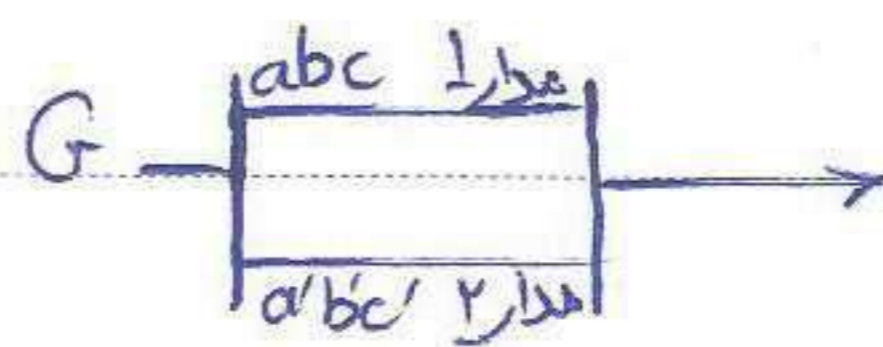
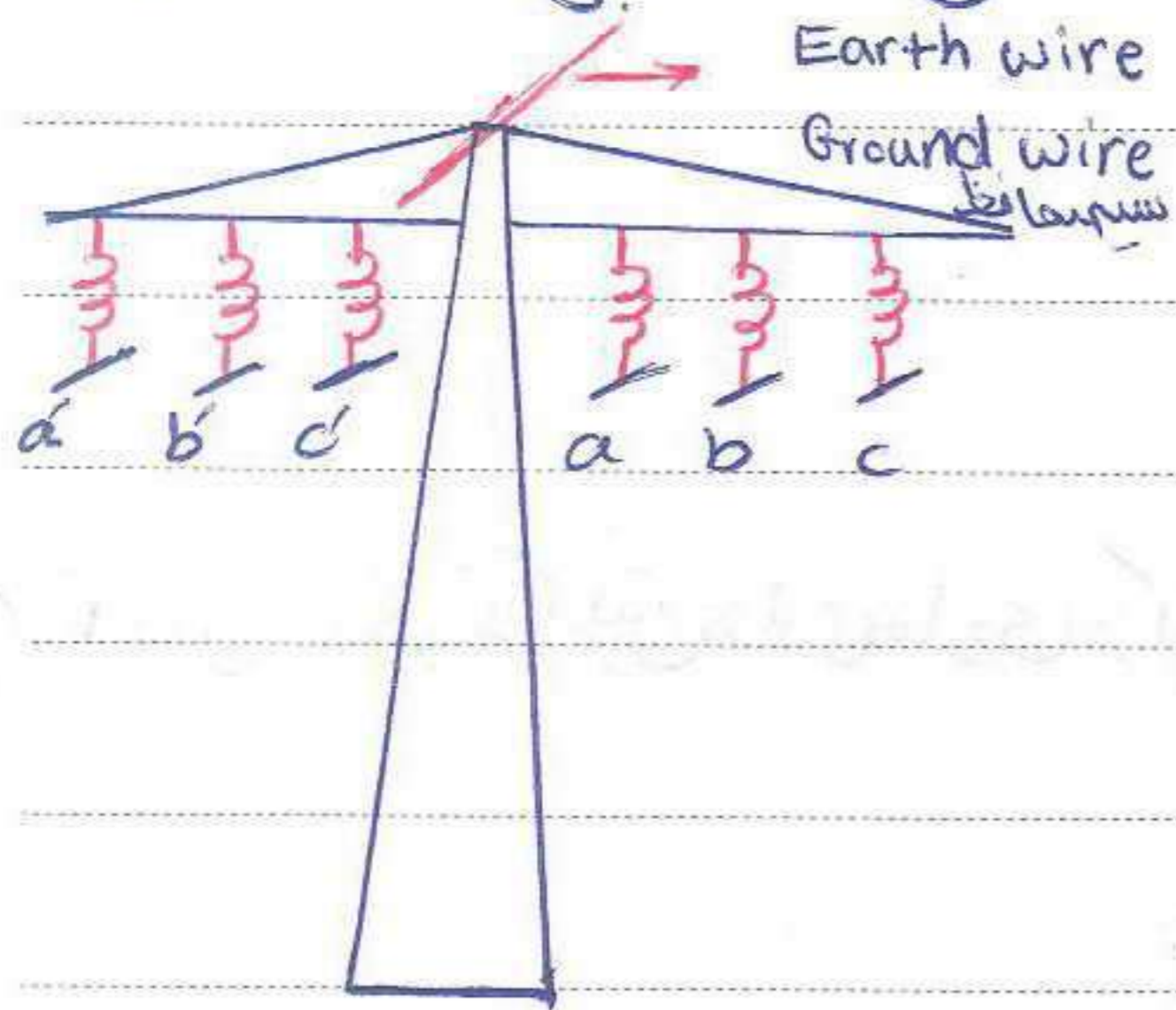
آرایش مثلث

در هر یک از سنجش های فوق، هادی هایی توانند با نازل چند تایی باشند.

آرایش افقی با نازل دو تایی:

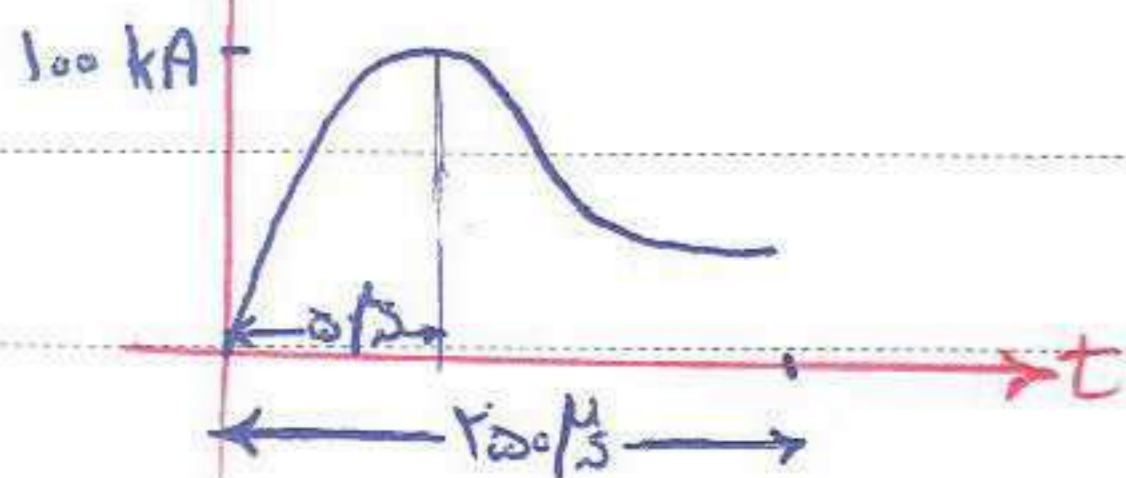


گاهی برای انتقال از دو خط موازی استفاده می شود که اصطلاحاً با آن دو مداره می گویند. یعنی می گویند سیم به از محل a, b, c دو مداره است. برای اینکار تریج دارد می شود که از دکل های دو بل استفاده شود.

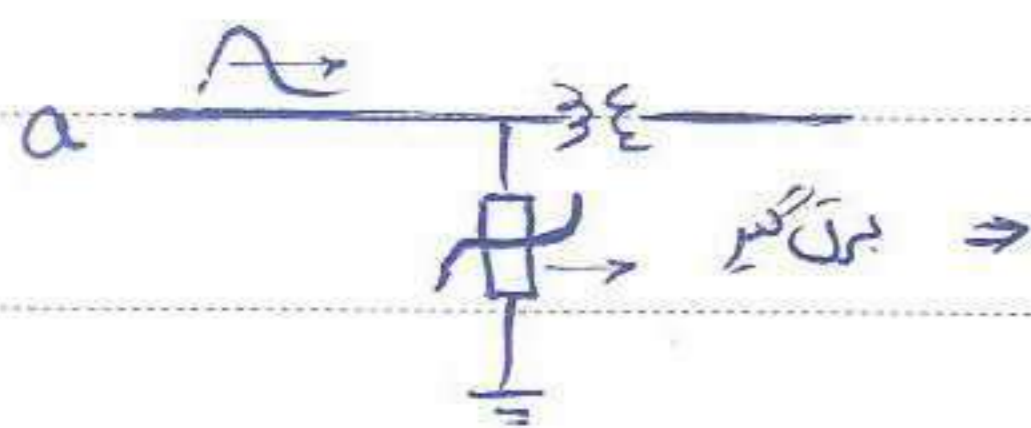


سیم محافظ با نیروگاه وصل نیست، در هر فاصله ای به زمین متصل می شوند. در مناطقی که عدد برق زیاد اتفاق می افتد، این سیم را تیر می دهند در این مناطق اگر عدد برق به سیم های فاز برخورد امکان سوزاندن ترانس ها وجود دارد اما با برخورد عدد برق به این سیم، یا لیس به زمین منتقل شده و خرابی ایجاد نمی کند.

I (یا لیس عدد برق)

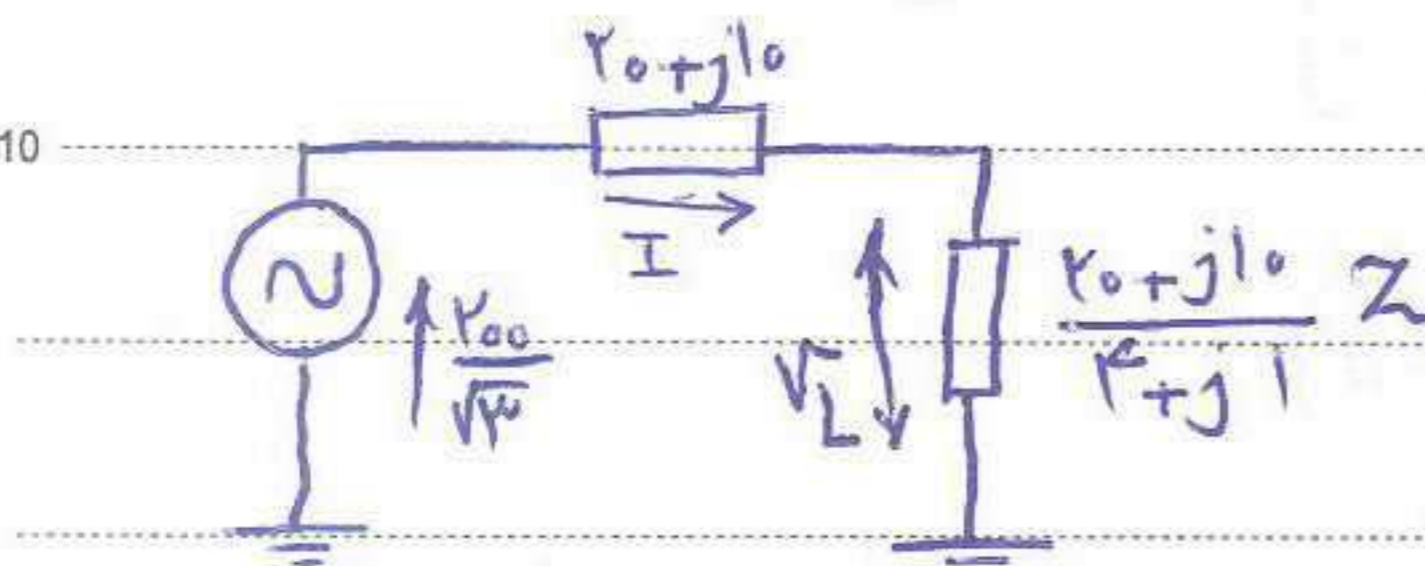
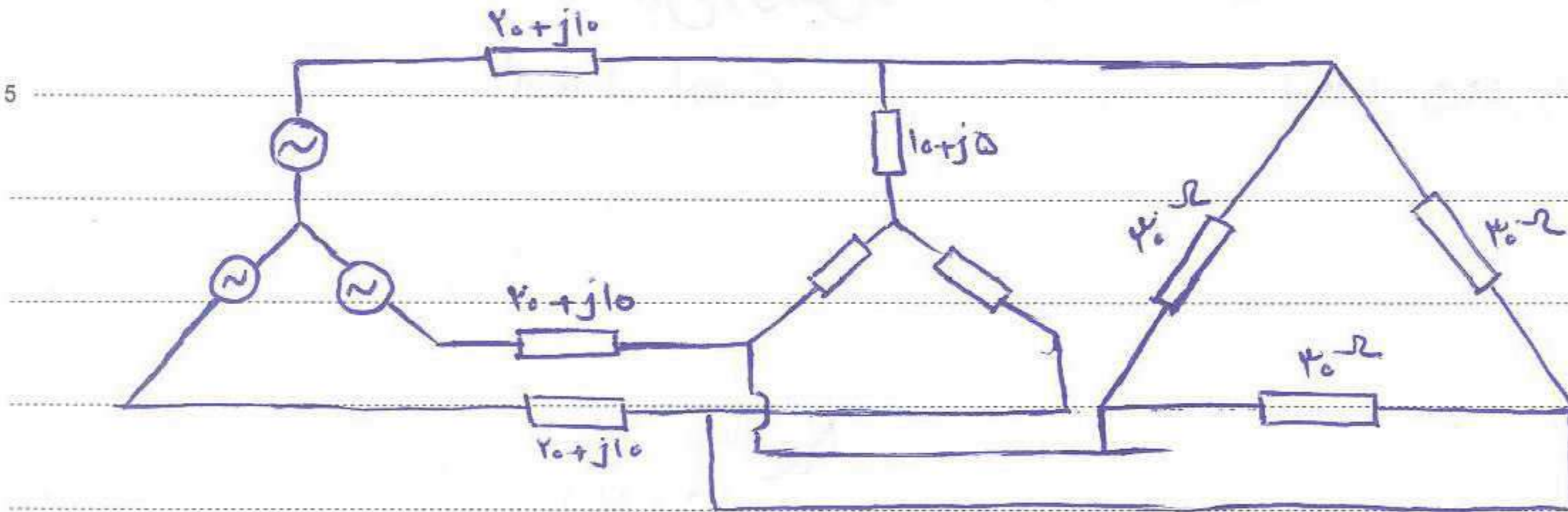


جرقه گریه گونه ای است که ولتاژ آنرا هادی زیاد تر شود مقاومت آن کم شده و سگینل تقریباً زمین می شود.



بنابراین اگر ضرباً با فاز برخورد کند، باز هم بر قلب وجود دارد می تواند از ترانس محافظت کند.

کلیه بار متعادل با اتصال مثلث ۲۰Ω در هر فاز با یک بار متعادل اتصال ستاره $۲۰ + j۱۰ \Omega$ در هر فاز به صورت مؤثری قرار دارند و از طریق یک خط دارای امپدانس $۲۰ + j۱۰ \Omega$ در هر فاز است با یک منبع ولتاژ سه فاز ۲۰۰ V وصل شده است. ولتاژ دو سر بار را حساب کنید. مسئله را در سیستم P_u حل کنید.



$$Y_1 = \frac{1}{10 + j5} \Rightarrow Y = \frac{Y_1 + j}{20 + j10}$$

$$Y_2 = \frac{1}{10}$$

$$Z_b = \frac{V_b^2}{S_b} = \frac{200^2}{1000} = 40 \Omega$$

$$Z_D = \frac{0.125(0.125 + j0.125)}{0.125 + 0.125 + j0.125}$$

$$Z_1 = \frac{10}{40} = 0.25 \Omega$$

$$Z_L = \frac{20 + j10}{40} = 0.5 + j0.25 \text{ pu}$$

$$Z_T = \frac{10 + j5}{40} = 0.25 + j0.125 \text{ pu}$$

$$I = \frac{10 \text{ pu}}{Z_L + Z_D}$$

$$I_b = \frac{S_b}{\sqrt{3} V_b}$$

در اینجا بار متعادل بود و توان سیستم مدار را تک فاز حل کنیم اما اگر بار متعادل نباشد می توانیم مدار را تک فاز حل کنیم و باید مدار را به طور سه فاز و هم زمان حل کنیم.

1 inch = 2.54 cm

علامت اینچ : "

12 inch = 1 foot

علامت فوت : '

mile > km

1 mile = 1.609 km

1 mil = $\frac{1}{1000}$ inch = 0.001" = 2.54 x 10⁻⁴ cm

اگر دیوای داشته باشیم که قطر آن 1 mil باشد آنگاه مساحت آن را کی Cmil می‌توانیم بنویسیم.

$$C_{mil} = \pi \left(\frac{1 \text{ mil}}{2} \right)^2 = \pi \left(\frac{2,54 \times 10^{-4}}{2} \right)^2 = 5,047 \times 10^{-4} \text{ mm}^2$$

ضریب تبدیل برای رفتن به

$$\Rightarrow 1 \text{ mm}^2 = 1973,545 \text{ Cmil} \quad \text{Cmil از mm}^2$$

محاسبه امپدانس سری خط:

1- محاسبه مقاومت اسی (R) $\left. \begin{matrix} R_{dc} \\ R_{ac} \end{matrix} \right\}$

$$R_{dc} = \rho \frac{l}{A_c}$$

طول l ←
مقاومت ویژه ρ ←
سطح مقطع A_c ←

$$R_{tr} = R_{ti} (1 + \alpha (t_r - t_i))$$

ضریب حرارتی α ↑

مقاومت dc

$$\rho_{20} \rightarrow \rho_{At} = \rho_{20} \times 1.003 \times 10^{-4}$$

$$\frac{R_{tr}}{R_{ti}} = \frac{T + t_r}{T + t_i}$$

نسبت حرارتی ↑

$$\begin{cases} R_{20} = 15 \Omega \\ R_{50} = ? \end{cases} \Rightarrow R_{50} = \frac{228 + 50}{228 + 15} \times 15$$

$$P_i \mid \mid P_r \quad P_r < P_i$$

مقاومت ac:

$$R_{ac} = \frac{\text{تلفات خط}}{\text{مقدار جریان}} = \frac{R | I |^2}{| I |^2}$$

$$R_{ac} > R_{dc} \Rightarrow \begin{cases} 2: \text{طول رشته از هادی بزرگتر است} \\ 3: \text{سطح مؤثر از سطح واقعی کمتر است} \end{cases}$$

R_{ac} چند صدی بزرگتر از R_{dc} است علت نیز اینست که در حالت ac جریان از تمام سطح رسانا عبور می‌کند. (به علت اثر پوستی)

در حالت ac جریان از تمام خط به طور یکسان عبور می‌کند.

25 بنابراین سطحی که در فرمول محاسبه مقاومت مؤثر می‌گذاریم باید سطح مؤثر باشد که در حالت ac سطح مؤثر کوچکتر است.

همچنین طول رشته‌ها از هادی بزرگتر است و در حالت ac ما طول هادی را با عنوان L می‌گذاریم.

Subject:

Year. Month. Date. ()

مثال: مقاومت تک‌های ACSR با سطح مقطع 300 MCmil در درجه 50°C بر حسب اصل

برهائل بدست آورید. اثر پوستی و اثر گسستگی بودن را صرفاً ۲٪ در نظر بگیرید.

$$P_L = 2.13 \times 10^{-1} \text{ } \Omega \cdot \text{m}, 20^\circ \text{C} \quad T = 228$$

5

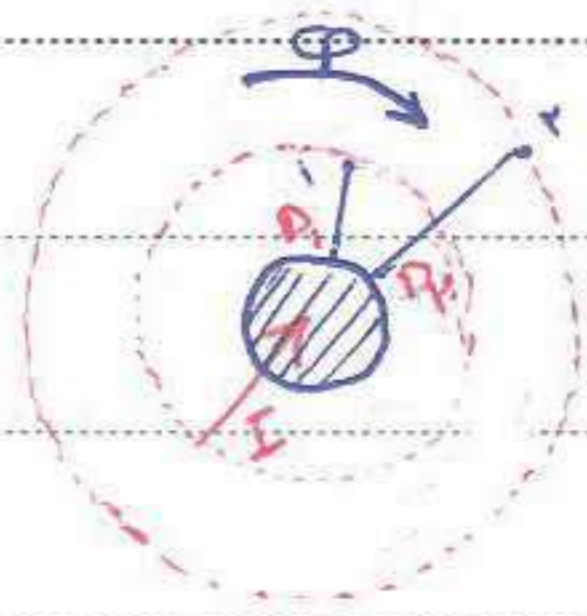
10

15

20

25

مطابق اندرکنش:



حال می خواهیم شمار عبوری از سطحی که تقاضا ۱ و ۲ است را بدست آوریم. چون طول هادی را یک متر در نظر میگیریم پس مقدار L را به صورت $\frac{H}{m}$ بدست می آوریم.

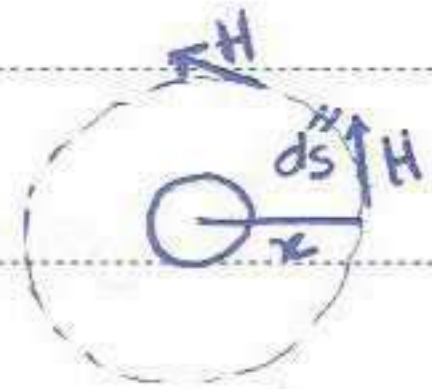
5 $d\phi = dx \cdot LB$

$d\phi = B \cdot dx$

$B = \mu H$

$\Rightarrow d\phi = \mu H dx$

$\Rightarrow d\phi = \frac{\mu \cdot I}{2\pi x} dx$



$\oint H \cdot ds = I \Rightarrow H \cdot 2\pi x = I \Rightarrow H = \frac{I}{2\pi x}$

10 $\phi_{IV} = \int_{D_i}^{D_r} \frac{\mu \cdot I}{2\pi x} dx = \frac{\mu \cdot I}{2\pi} \ln \frac{D_r}{D_i}$

$\phi_{IV} = \frac{\mu \cdot I}{2\pi} \ln \frac{D_r}{r}$

شمار خارج هادی از سطح هادی توسط P

15 $L = \frac{\phi}{I}$ بنابراین هر چه جریان عبوری از هادی را زیاد کنیم، شمار نیز زیاد خواهد شد. رابطه فوق تا حدنگاهی برقرار است که هسته اشباع نشود. اگر هسته نداشتیم یعنی هسته هوا باشد، آنگاه رابطه خطی هموار برقرار است.

20 $L = \frac{\phi}{I} = \frac{\mu}{2\pi} \ln \frac{D}{r} \quad \frac{H}{m}$
 $\Rightarrow h = 2 \times 10^{-7} \ln \frac{D}{r}$
 $\mu_0 = 2\pi \times 10^{-7}$

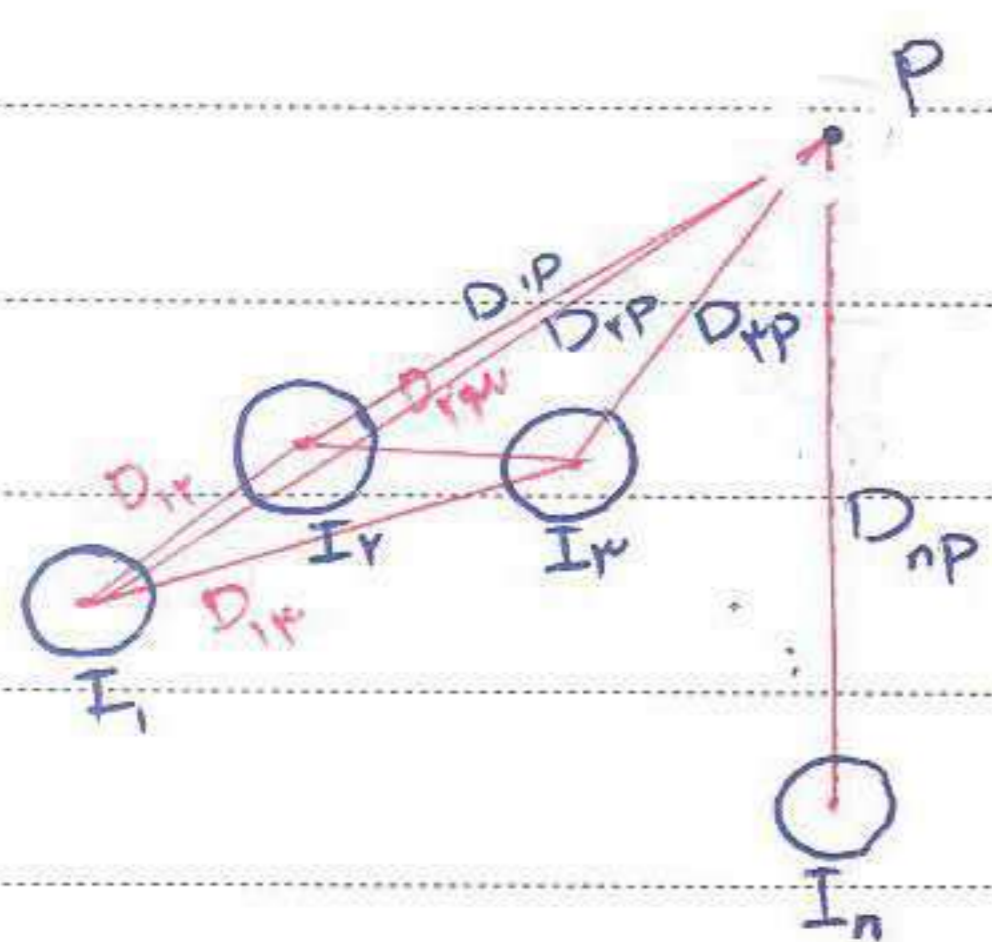
25 چون شمار خارج هادی را در نظر میگیریم با آن اندرکنش خارجی می گویند یعنی از شمار داخل هادی صرف نظر می کنیم. برای بدست آوردن اندرکنش داخلی باید شمار داخلی را حساب کرده ربر آن تقسیم کنیم تا داریم داخل هادی هواییست و تیل جاده با μ مختص به خود است.

$h = \frac{\mu}{2\pi} \ln \frac{D}{r} + \frac{\mu}{4\pi} \xrightarrow{\text{تقریبی از ریزه}} h = 2 \times 10^{-7} (\ln \frac{D}{r} + \frac{1}{4})$
 $\frac{\mu}{4\pi} \approx \frac{\mu}{8\pi}$
 $\Rightarrow L = 2 \times 10^{-7} (\ln \frac{D}{r} + L a e^{\frac{1}{4}}) = 2 \times 10^{-7} \ln \frac{D}{r e^{-\frac{1}{4}}} = 2 \times 10^{-7} \ln \frac{D}{r}$

اندوکنانس کامل: $h = 2 \times 10^{-7} \ln \frac{D}{r}$ شعاع متوسط هندسی

اندوکنانس خارجی: $h = 2 \times 10^{-7} \ln \frac{D}{r}$ شعاع واقعی

5 برای محاسبه دقیق تر می توان از خود μ به جای μ_0 استفاده کرد.



خطی کنار: } خط برداشت
خط قرمز: } خط مرتب

فرض کنیم نروه با n هادی متقابل را داشته باشیم:

$I_1 + I_2 + I_3 + \dots + I_n = I$

باید ارتباط بین تساری که با هادی شماره 1 پیوسته دارد را با جریان عبوری از هادی 1 بدست آوریم.

اندوکنانس بین دو هادی را اندوکنانس متقابل می گویند.

در اینجا تساری از یک تک هادی ها را بدست می آوریم، باهم جمع می کنیم. با تقسیم این تسار بر جریان می توانیم

15 هم اندوکنانس های متقابل و هم خوری را بدست آوریم.

Ψ_{1P} تساری پیوسته هادی 1 تساری از I_1 $\Psi_{1P1} = 2 \times 10^{-7} I_1 \ln \frac{D_{1P}}{r}$

Ψ_{2P} تساری پیوسته هادی 2 تساری از I_2 $\Psi_{1P2} = 2 \times 10^{-7} I_2 \ln \frac{D_{2P}}{r}$

\vdots \vdots Ψ_{iP} تساری پیوسته هادی i تساری از I_i $\Psi_{1Pi} = 2 \times 10^{-7} I_i \ln \frac{D_{iP}}{r}$

Ψ_{nP} تساری پیوسته هادی n تساری از I_n $\Psi_{1Pn} = 2 \times 10^{-7} I_n \ln \frac{D_{nP}}{r}$

20 تساری پیوسته هادی 1 تساری از همه جریان ها $\Psi_{1P} = \Psi_{1P1} + \Psi_{1P2} + \dots + \Psi_{1Pn}$

$\Psi_{1P} = 2 \times 10^{-7} \left(I_1 \ln \frac{D_{1P}}{r} + I_2 \ln \frac{D_{2P}}{r} + I_3 \ln \frac{D_{3P}}{r} + \dots + I_n \ln \frac{D_{nP}}{r} \right)$

$= 2 \times 10^{-7} \left(I_1 \ln \frac{1}{D_{11}} + I_2 \ln \frac{1}{D_{22}} + \dots + I_n \ln \frac{1}{D_{nn}} \right) + 2 \times 10^{-7} (I_2 \ln D_{12} + I_3 \ln D_{13} + \dots + I_n \ln D_{1n})$

25 در رابطه فوق به جای I_n از رابطه I استفاده می کنیم.

$\Rightarrow \Psi_{1P} = 2 \times 10^{-7} \left(I_1 \ln \frac{1}{D_{11}} + I_2 \ln \frac{1}{D_{22}} + \dots + I_n \ln \frac{1}{D_{nn}} \right) + 2 \times 10^{-7} \left(I_1 \ln \frac{D_{1P}}{D_{nP}} + I_2 \ln \frac{D_{2P}}{D_{nP}} + \dots + I_{n-1} \ln \frac{D_{(n-1)P}}{D_{nP}} \right)$

حال نقطه P را به بی نهایت میل می دهیم در این صورت عبارت دوم صفر می شود و خواهیم داشت:

$$\psi_{IP} = \rho x l^{-\nu} \left(I_1 \ln \frac{l}{D_{11}} + I_2 \ln \frac{l}{D_{12}} + I_3 \ln \frac{l}{D_{13}} + \dots + I_n \ln \frac{l}{D_{1n}} \right)$$

تساوی بی نهایت با هماری یک
ناتی از تمام جریان ها

$$\psi_{IP} = \rho x l^{-\nu} \left(I_1 \ln \frac{l}{D_{r1}} + I_2 \ln \frac{l}{D_{r2}} + I_3 \ln \frac{l}{D_{r3}} + \dots + I_n \ln \frac{l}{D_{rn}} \right)$$

تساوی بی نهایت با هماری دو
ناتی از تمام جریان ها

حال نوع خط خود را مشخص می کنیم:

$$I_1 + I_2 = 0 \Rightarrow I_2 = -I_1$$



خط تک فاز:

$$\varphi_a = \rho x l^{-\nu} \left(I_1 \ln \frac{l}{D_{aa}} + I_2 \ln \frac{l}{D_{ab}} \right)$$

شاری که با هماری یک بی نهایت دارد ناتی از هر دو جریان

$$\varphi_a = L_a I_a$$

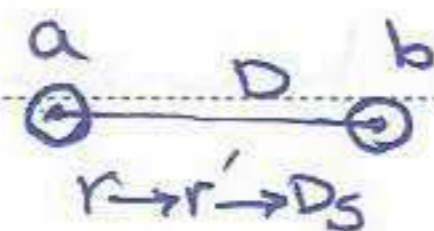
$$\varphi_a = \rho x l^{-\nu} \left(I_1 \ln \frac{l}{D_{aa}} - I_1 \ln \frac{l}{D_{ab}} \right) \Rightarrow \varphi_a = \rho x l^{-\nu} I_1 \left(\ln \frac{D_{ab}}{D_{aa}} \right) \Rightarrow L_a = \rho x l^{-\nu} \ln \frac{D_{ab}}{D_{aa}}$$

بنابراین یک متر از هماری ها به اندازهی نوع اندوکتانس دارند:

$$\Rightarrow L_a = \rho x l^{-\nu} \ln \frac{D}{D_{sa}} = \underbrace{\rho x l^{-\nu} \ln \frac{1}{D_{sa}}}_{\text{اندوکتانس خوری}} + \underbrace{\rho x l^{-\nu} \ln D}_{\text{اندوکتانس متقابل}}$$

$$\xrightarrow[\text{حسابه}]{\text{بطور}} L_b = \rho x l^{-\nu} \ln \frac{D}{D_{sb}}$$

اطراعات مورد نیاز } فاصله بین خطوط
سُباع خطوط

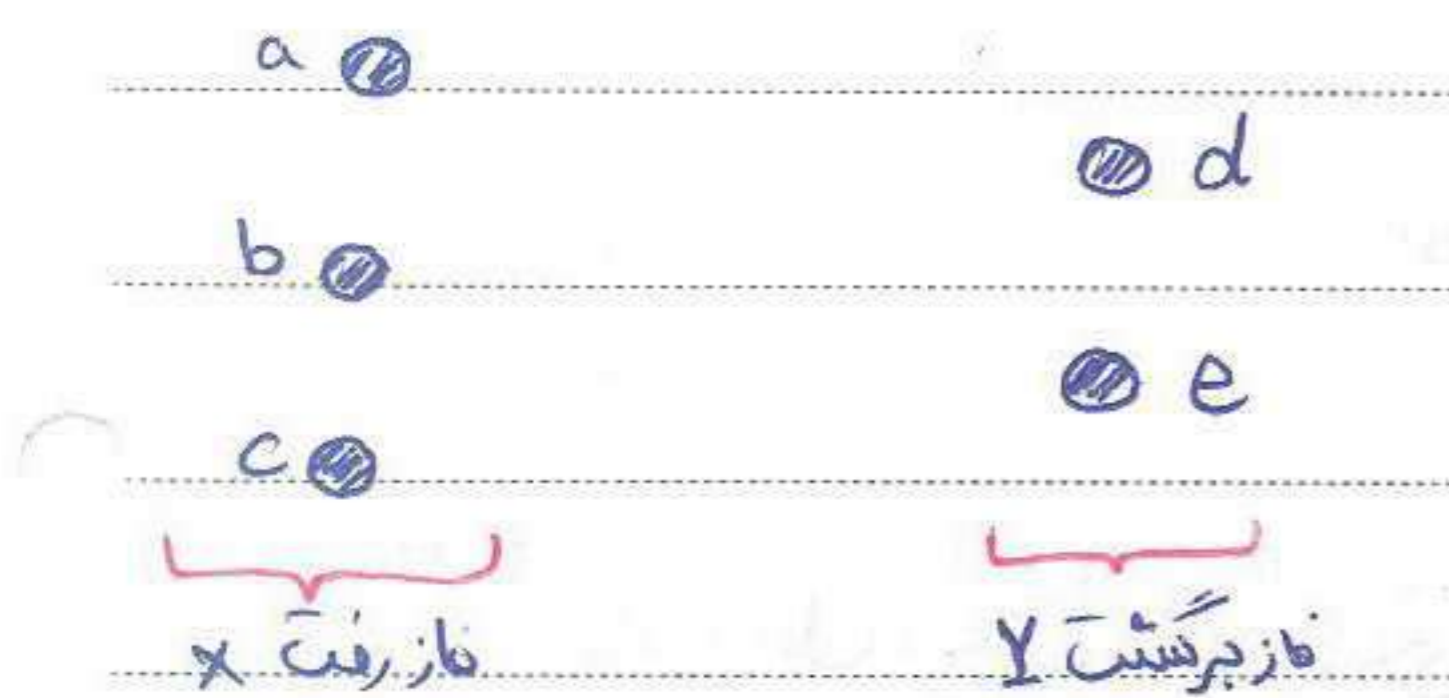


$$h = 2 \times 10^{-7} \ln \frac{D}{D_s} \frac{H}{m}$$

خط تک فاز } هادی رفت
هادی برگشت

۵ به دست آمده، از طول خط ضرب کرده و در نتیجه اندونانس خط را به دست می آوریم. در ۲۲ ضرب کرد و راندانس را به دست می آوریم

فرض کنید خط تکفازی به صورت مقابل داشته باشیم که هر خط هادی باشد



$$h_x = 2 \times 10^{-7} \ln \frac{GMD}{(GMR)_x}$$

$$h_y = 2 \times 10^{-7} \ln \frac{GMD}{(GMR)_y}$$

$$GMD = \sqrt[4]{ad \cdot ae \cdot bd \cdot be \cdot cd \cdot ce} \quad \text{مثلا } \sqrt[4]{10,744}$$

$$(GMR)_x = \sqrt[4]{r'_a \cdot ab \cdot ac \cdot r'_b \cdot ab \cdot bc \cdot r'_c \cdot bc \cdot ac} \approx 0.141 \text{ m}$$

* r'_a اندونانس با اندونانس خارجی داخلی را هم داشته باشیم

$$(GMR)_y = \sqrt[4]{r'_d \cdot de \cdot ed \cdot r'_e} \approx 0.153 \text{ m}$$

($0.17788 \times$ شعاع)

$$h_x = 2 \times 10^{-7} \ln \frac{10,744}{0.141} = 9.212 \times 10^{-7} \frac{H}{m}$$

$$h_y = 2 \times 10^{-7} \ln \frac{10,744}{0.153} = 1.503 \times 10^{-7} \frac{H}{m}$$

بنابراین وقتی هادی را از هم فاصله دهیم آنگاه اندونانس نیز کاهش می یابد.

پس با نازل کردن هم احتمال کرونا را کاهش می دهد و هم اندونانس را

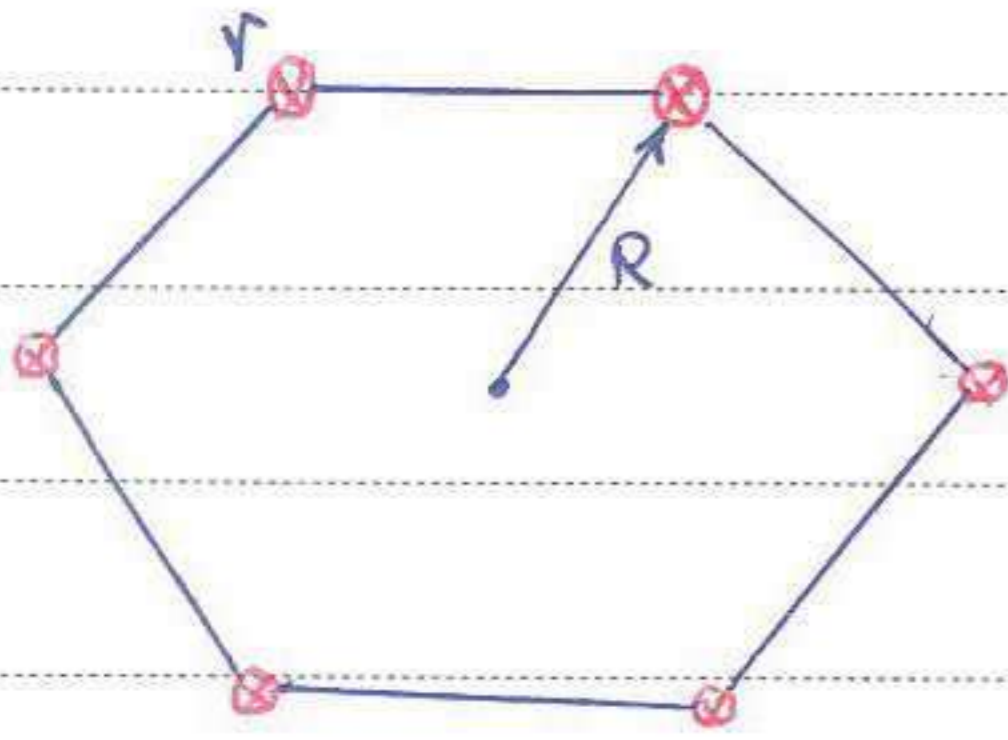
GMR موجود در جدول را با این فرض حساب کرده اند که هادی متشکل از تعدادی رشته باشد و سپس شعاع

متوسط هندسی آن گروه را به دست آورده و در جدول تحت عنوان GMR نوشته اند

Subject :

Year . Month . Date . ()

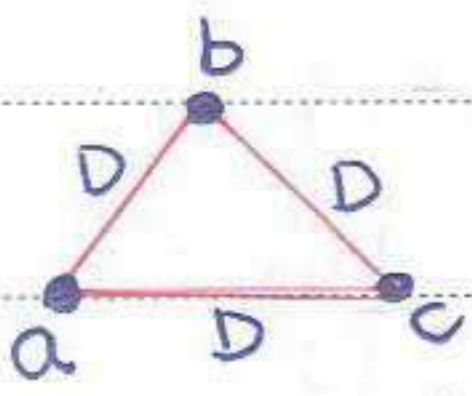
تمرین: سیداعترسه هندسی گروه مقابل را بچسباند و برید



محاسبه GMR : تعداد سیم ها = n ← تعداد حبالات n^2

محاسبه GMD : n خط ها m خط ها ← تعداد حبالات nm

معادله اندوکنانس خط سه فاز:



$L_a = L_b = L_c = L$

الف) خط سه فاز با نواصل مساوی (در هر فاز یک هاری):

در این حالت به دلیل مساوی بودن نواصل، رابطه مقابل را داریم:

$I_a = |I| \angle 0^\circ$ $\varphi_a = 2 \times 10^{-7} \left[I_a \ln \frac{1}{D_{sa}} + I_b \ln \frac{1}{D_{ab}} + I_c \ln \frac{1}{D_{ac}} \right]$

$I_b = |I| \angle -120^\circ$

$I_c = |I| \angle 120^\circ$ $\xrightarrow{D_{ab}=D_{ac}=D} \varphi_a = 2 \times 10^{-7} \left[I_a \ln \frac{1}{D_{sa}} + (I_b + I_c) \ln \frac{1}{D} \right]$

$I_a + I_b + I_c = 0$

$\varphi_a = L_a I_a \Rightarrow \varphi_a = 2 \times 10^{-7} I_a \ln \frac{D}{D_{sa}} \Rightarrow L_a = 2 \times 10^{-7} \ln \frac{D}{D_{sa}}$

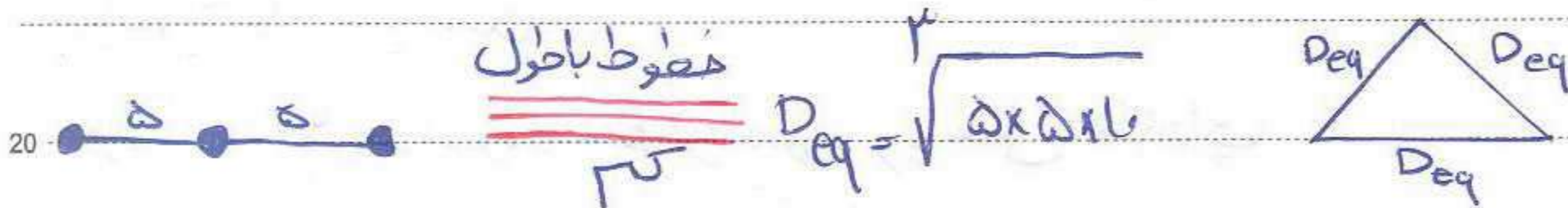
نواصل هاری ها ←
شعاع هیزی متوسط ←

ب) خط سه فاز با نواصل متناوب:

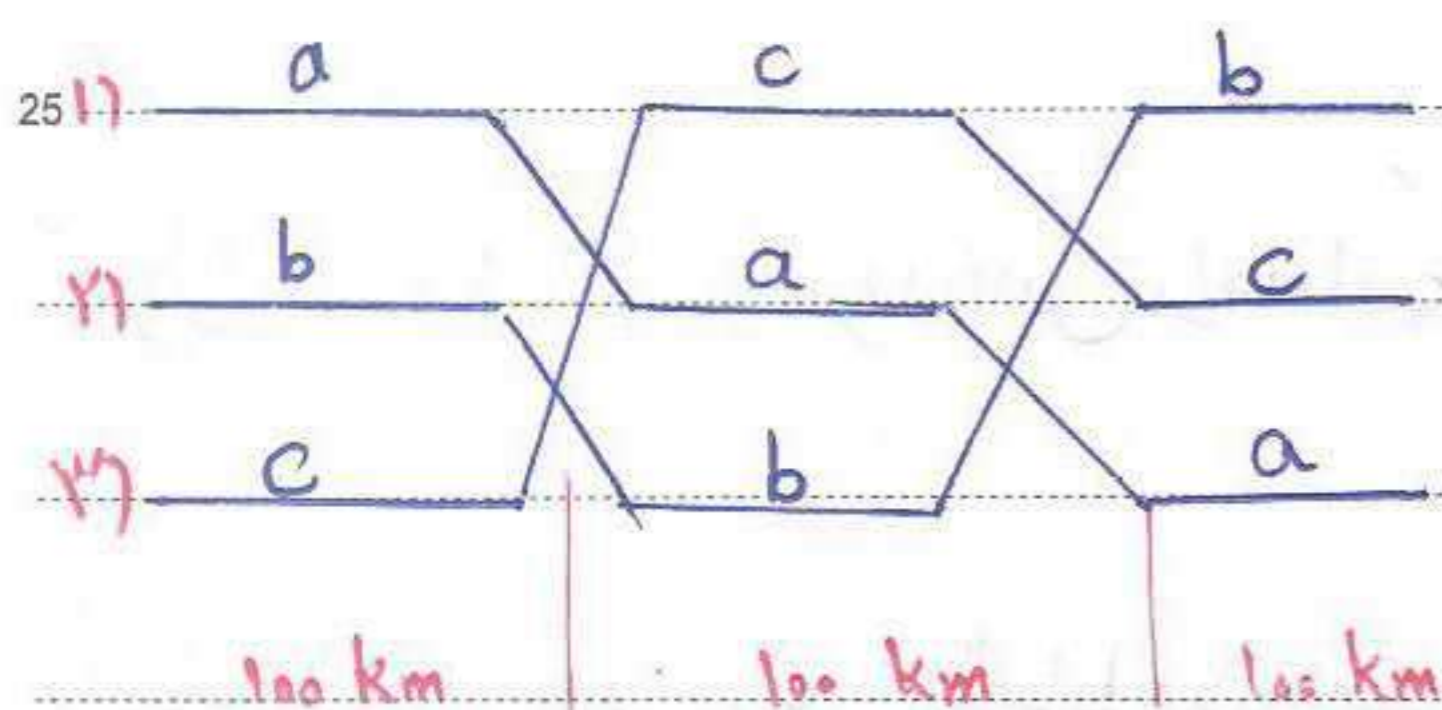
در این حالت دیگر $L_a = L_b = L_c$ نخواهد بود زیرا مثلاً در آرایش مقابل اندوکنانس هاری وسط از دورای دیگر بیشتر است.

برای خطوط با طول کم اختلاف اندوکنانس هارا نادیده می گیریم و مثلث با اضلاع مختلف را با مثلثی مساوی الاضلاع جایگزین می کنیم.

$D_{eq} = \sqrt[3]{D_{ac} D_{ab} D_{bc}}$

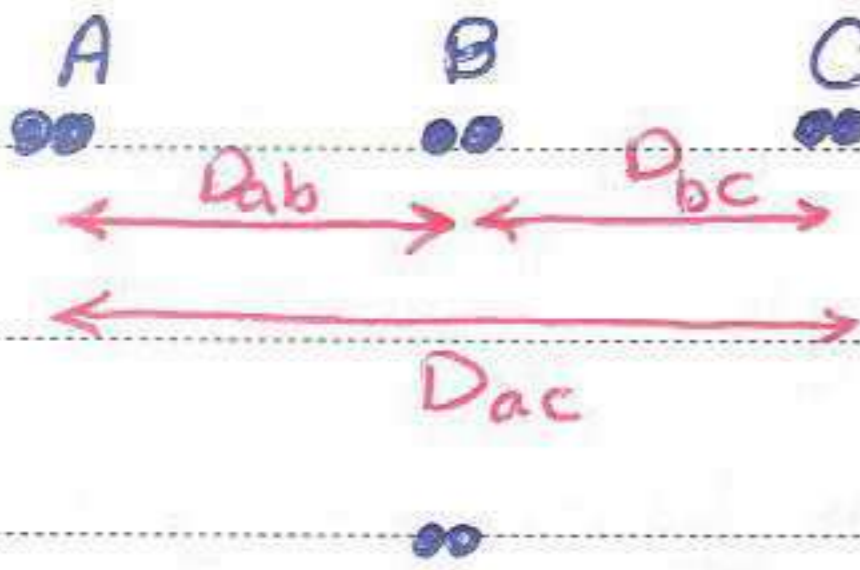


اگر طول خط زیاد باشد آنگاه در طول خط عمل جابه جایی انجام می شود یعنی مثلاً هاری که در یک خط ۱۰۰ کیلومتری اول روی ازولاتور a بوده در ۱۰۰ کیلومتری بعدی به ازولاتور b منتقل می شود به عمل جابه جایی transposition نیز می گویند.



بنابراین در این حالت نیز می توانیم جادری نظر گرفتن D_{eq} مساوی را بسازیم به حالت قبل کرده و از فرمول آن استفاده کنیم.

(ح) خط سه فاز با نواصل همسای یا غیر همسای (در هر فاز بیش از یک هادی)



خط سه فاز با نواصل غیر همسای و بیش از یک هادی در هر فاز:

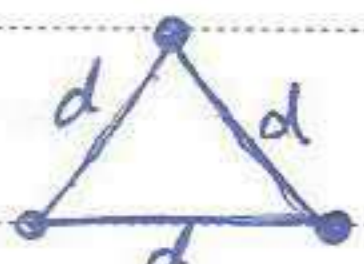
$$L = 2 \times 10^{-7} \ln \frac{D_{eq}}{D_s^b} \leftarrow GMD$$

$$D_s^b = (GMR)^b$$

$$L = 2 \times 10^{-7} \ln \frac{D}{D_s^b}$$

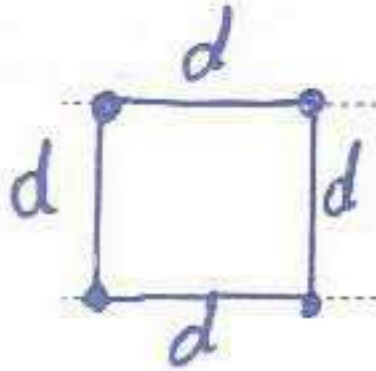
$$D_s^b = GMR = \sqrt{D_s d} = \sqrt{d D_s}$$

محاسبه D_s^b برای باندل دو تایی:



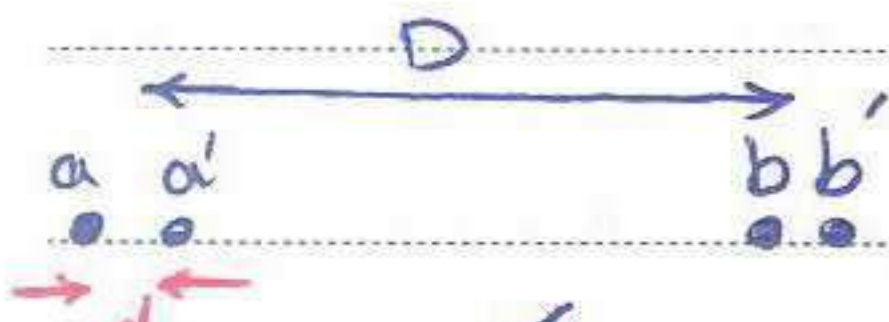
$$D_s^b = GMR = \sqrt{(D_s d)^2} = \sqrt{d^2 D_s}$$

محاسبه D_s^b برای باندل سه تایی:



$$D_s^b = \sqrt[3]{d^3 D_s}$$

محاسبه D_s^b برای باندل چهار تایی:



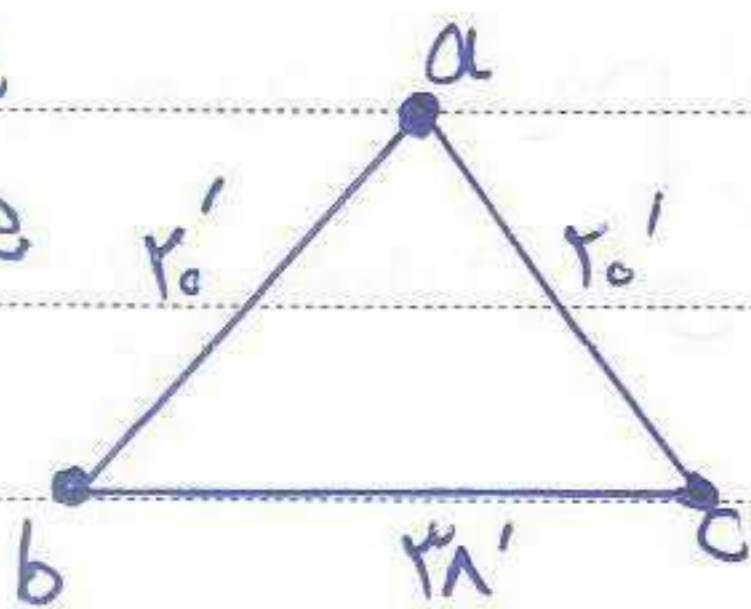
$$GMD = \sqrt[4]{ab \times ab' \times a'b \times a'b'}$$

* هنگام محاسبه GMD بین آرکس مقابل باید از فرمول زیر حساب کنیم.

اما می توانیم با فرض $d \ll D$ فاصله ی فوق را با خود D تقریب بزنیم.

ACSR

Drake



مثال: راندانس القایی تک مایل و تک کیلو متر هر فاز را حساب کنید.

فرکانس ۶۰ Hz می باشد.

در اینجا اگرچه گفته شده که خط کوتاه بود، ولی عمل جابه جایی

انجام شده است اما ما این فرض را می کنیم.

جدول $D_s = 0.0373'$

$$GMD = \sqrt[3]{r_0 \times r_0 \times r_A} = 24.1'$$

$$L = 2 \times 10^{-7} \ln \frac{24.1'}{0.0373'} = 1.4 \times 10^{-3} \frac{H}{m}$$

$$X = 2\pi f L = 2\pi \times 60 \times 1.4 \times 10^{-3} \times 1000 = 75 \frac{\Omega}{km}$$

$$X = 2\pi \times 60 \times 1.4 \times 10^{-3} \times 14.9 = 75 \frac{\Omega}{mile}$$

اگر طول خط ۲۰۰ km باشد، راندانس را حساب کنید.

$$X = 75 \times 200 = 15000 \Omega$$

راندانس در واحد کیلو متر یا مایل در حدود چند دهم اهم در می آید.

حال رانانس القای را از روی جدول بدست می آوریم: $X_a = 0.1499 \frac{\Sigma}{\text{mile}} = 14.9 \frac{\Sigma}{\text{km}}$ $\xrightarrow{\text{Drake}}$

در جدول گفته شده که رانانس فوق برای حالتی است که فازها در رئوس مثلث متساوی الاضلاع نه ضلع ۱ است حال به جدول A2 مراجعه کرده و با تشریح فاصله را می گذاریم. در اینجا که ۲۴/۸ را داریم ۸ را به اینج تبدیل کرده و از روی افقی استفاده می کنیم.

راه حل دیگر آنست که رانانس را به ازای ۲۴' و ۲۵' بدست آورده و سپس از رابطه ی خطی استفاده کنیم.

۲۴' فاصله $\rightarrow X_d = 0.14854$

۲۵' فاصله $\rightarrow X_d = 0.14904$

۱' $\rightarrow 0.10050$

۸' $\rightarrow 0.18 \times 0.1005 = 0.1004$

$X = X_a + X_d = 0.14990 + 0.13894 = 0.17884 \frac{\Sigma}{\text{mile}}$

مسئله زمین چادی \rightarrow جدول A2 X_d جدول A1 \leftarrow رابطه زمین چادی

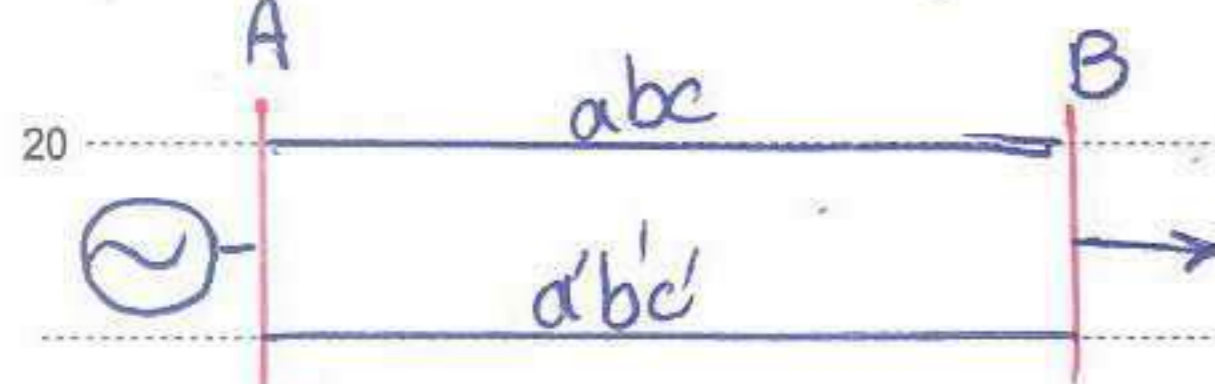
۱۵ $X = 2\pi f L_n \frac{GMD}{GMR} = 2\pi f L_n \frac{1}{GMR} + 2\pi f L_n GMD$ X_a X_d \leftarrow خط جمع کردن:



ج) محاسبه رانانس خط سه فاز دوقبلی (دومداره):

ما می توانیم از اثر متقابل خود مدار روی هم صرف نظر کرده و برای محاسبه L_a

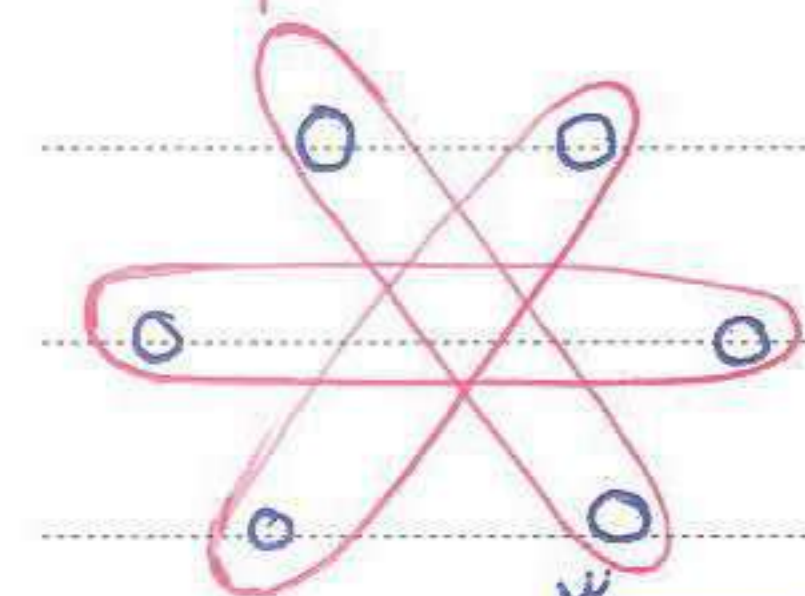
اندولتانس تک هادی برای تک مدار حساب کرده و آن را نصف می کنیم



ب) منظور کردن اثر متقابل فرض می کنیم تک خط داریم که مانند شده است

در اینجا مانند فرضی است زیرا فاصله دو هادی از هم بسیار بیشتر از فاصله

باندل است.



۲۵ $GMD = \sqrt[3]{D_{ab} D_{bc} D_{ac}}$

در باندل D_{ab} و فاصله مرکز دو باندل با فرض $d \ll D$ در تقریب داریم

$D_{ab} = \sqrt{ab' \cdot ab \cdot a'b' \cdot a'b}$

اما در اینجا این فرض را نداریم و باید D_{ab} را حساب کنیم

$D_{ac} = \sqrt{ac \cdot ac' \cdot a'c \cdot a'c'}$

$D_{bc} = \sqrt{bc \cdot bc' \cdot b'c \cdot b'c'}$

اما برای محاسبه GMR داریم . $\Rightarrow GMR = \sqrt{d D_s}$ \Rightarrow تبدیل دوتایی

$$(GMR)_{aa'} = \sqrt{aa' D_s}$$

$$(GMR)_{bb'} = \sqrt{bb' D_s}$$

$$(GMR)_{cc'} = \sqrt{cc' D_s}$$

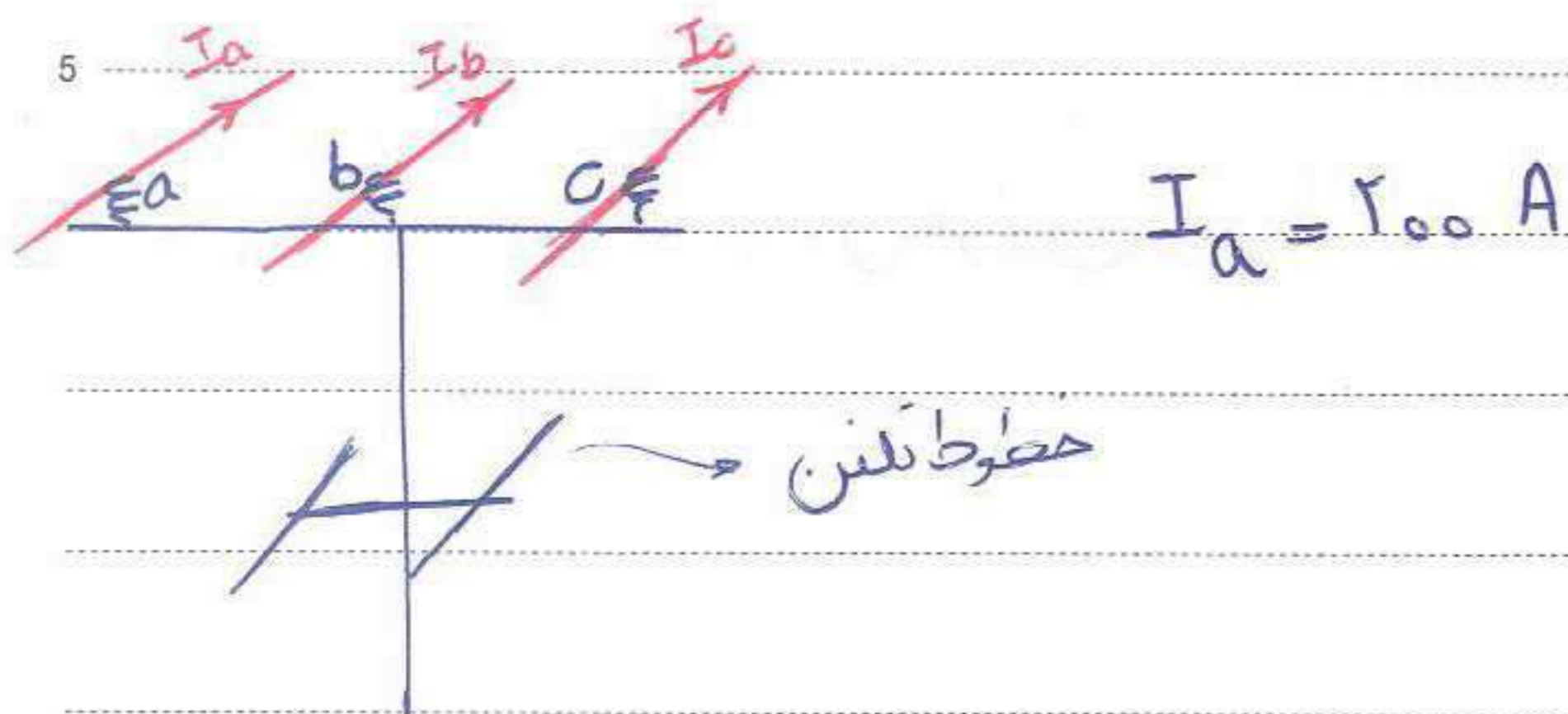
$$\Rightarrow (GMR)_{Pc} = \sqrt[3]{(GMR)_{aa'} (GMR)_{bb'} (GMR)_{cc'}}$$

5 - در شکل صفحه‌ی قبل راندانس در هر کیلومتر را بدست آورده و خطای دوروش را بدست آورید .

اثر القای الکترومغناطیسی:

- اثرات بیولوژیکی:

- اثرات روی خطوط مخابراتی: تداخل مخابراتی و نویز روی خطوط مخابراتی



V_{rr} : ولتاژ القای روی خطوط تلفن

$$\begin{cases} I_a = |I_a| \angle 0^\circ \\ I_b = |I_b| \angle -120^\circ \\ I_c = |I_c| \angle 120^\circ \end{cases}$$

در یک خط ن هادی می‌باشیم. از جریان خطوط تلفن صرف نظر می‌کنیم.

$$P_a = 2 \times 10^{-7} \left[I_a \ln \frac{1}{D_{aa}} + I_b \ln \frac{1}{D_{ab}} + \dots + I_n \ln \frac{1}{D_{na}} \right] \frac{\text{wb}}{\text{m}}$$

$$V_a = 2 \times 10^{-7} j\omega \left[I_a \ln \frac{1}{D_{aa}} + I_b \ln \frac{1}{D_{ab}} + \dots + I_n \ln \frac{1}{D_{na}} \right] \frac{\text{Volt}}{\text{m}}$$

$$V_r = 2 \times 10^{-7} j\omega \left[I_a \ln \frac{1}{D_{ar}} + I_b \ln \frac{1}{D_{br}} + I_c \ln \frac{1}{D_{cr}} + I_1 \ln \frac{1}{D_{r1}} + I_2 \ln \frac{1}{D_{r2}} \right]$$

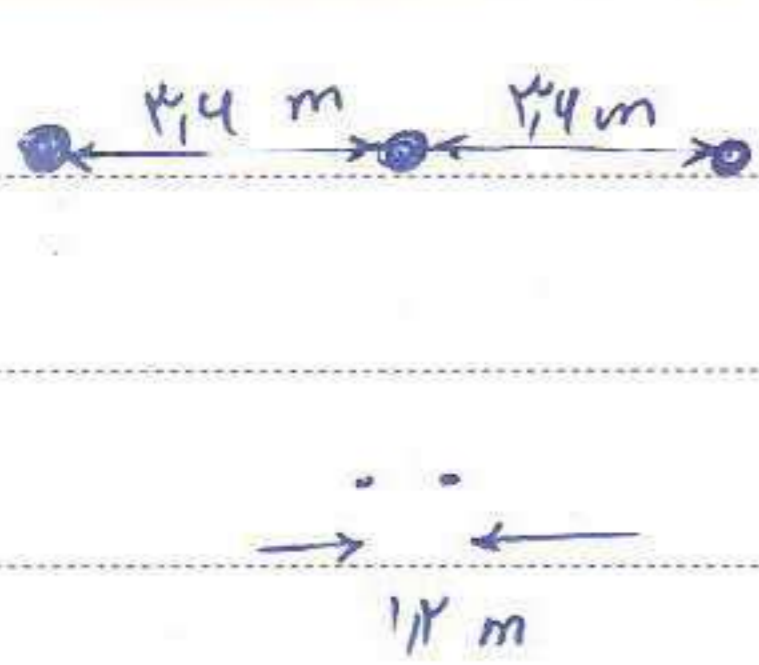
$$V_r = 2 \times 10^{-7} j\omega \left[I_a \ln \frac{1}{D_{ar}} + I_b \ln \frac{1}{D_{br}} + I_c \ln \frac{1}{D_{cr}} \right]$$

$$\Rightarrow V_{rr} = 2 \times 10^{-7} j\omega \left[I_a \ln \frac{D_{ar}}{D_{a1}} + I_b \ln \frac{D_{br}}{D_{b1}} + I_c \ln \frac{D_{cr}}{D_{c1}} \right]$$

a

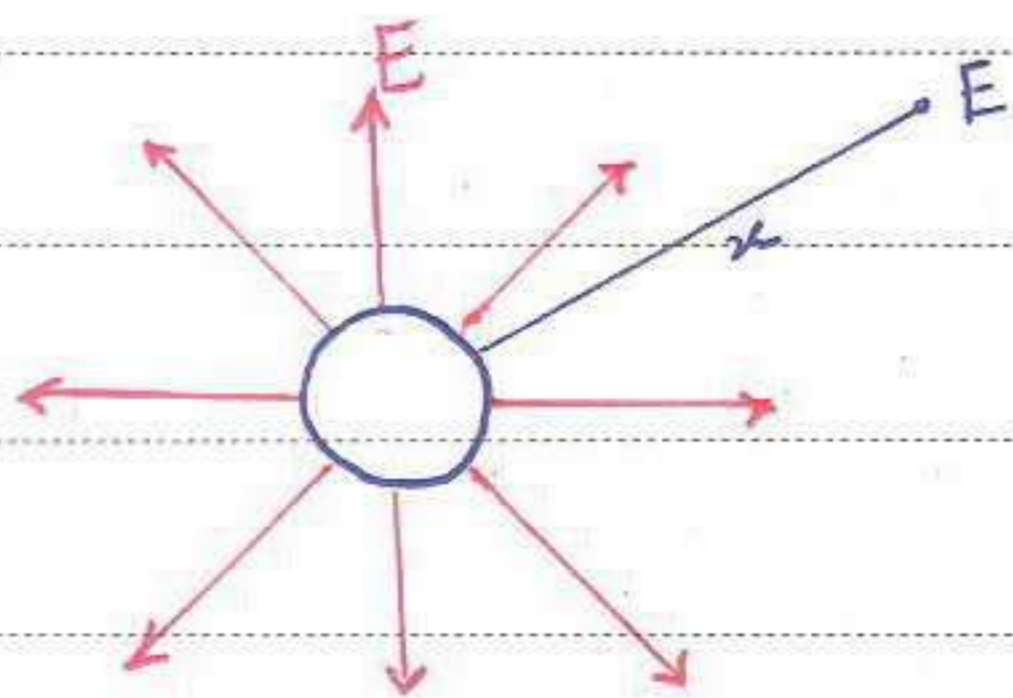
$$\begin{cases} V_{rr} = 2 \times 10^{-7} j\omega I_a \ln \frac{D_{ar}}{D_{a1}} \\ \Phi_{rr} = 2 \times 10^{-7} I_a \ln \frac{D_{ar}}{D_{a1}} \end{cases}$$

i i



$$V_{12} = 2 \times 10^{-7} \times \frac{q}{\pi \epsilon_0} \left[200 \ln \frac{5}{2.4} + 200 \ln \frac{5}{2.4} \right] \times 10^4$$

اگر تک فاز جریانش موازاً قطع شود آنگاه دیگر آن فاز تأسیس ندارد.

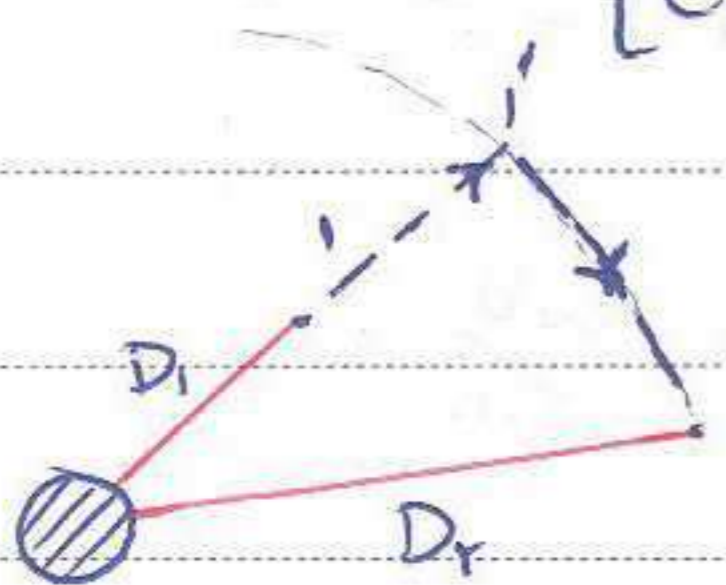


فعل چهارم: ادیتاش موازی خطوط:

$$E = \frac{q}{2\pi \epsilon_0 x} \frac{V}{m}$$

ضریب نفوذ نسبی الکتریکی $\epsilon_r = \frac{E_0}{E} = k$

در مورد خطوط هوایی: $\epsilon = \epsilon_0$



انرژی مورد نیاز برای جابجایی تک بار یک کولنی از نقطه ۱ به ۲ برابر با V_{12} است.

$$V_{12} = \int_{D_1}^{D_2} \frac{q}{2\pi \epsilon_0 x} dx = \frac{q}{2\pi \epsilon_0} \int_{D_1}^{D_2} \frac{dx}{x} \Rightarrow V_{12} = \frac{q}{2\pi \epsilon_0} \ln \frac{D_2}{D_1}$$

با توجه به معادله مقاری که برای q می‌داریم، واحد ولتاژ به دست می‌آید.

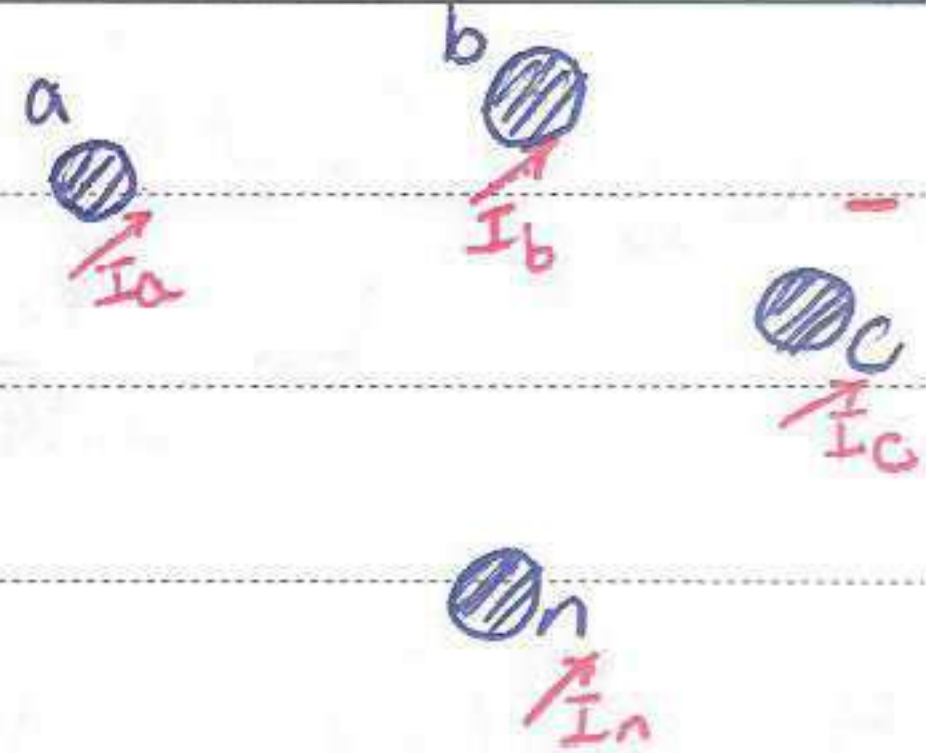
$$q = CV \Rightarrow V = \frac{1}{C} q$$

مادینال این هستیم که اختلاف پتانسیل را به بار مرتبط کنیم

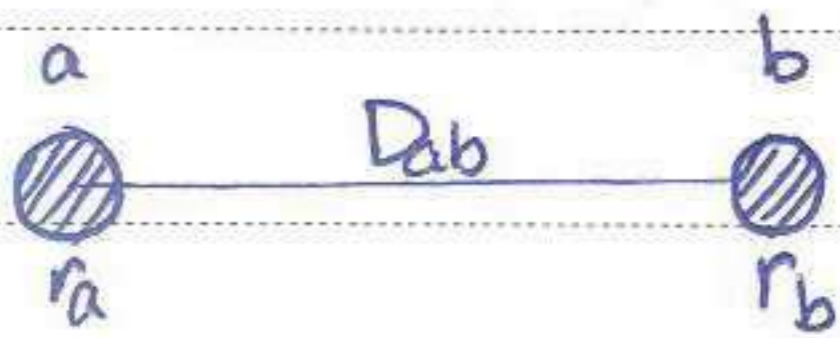
چون در خطوط معمولاً بیش از یک خط داریم، این فرمول را نیز گسترش داد. و برای حالتی حساب می‌کنیم که n هادی داریم.

Subject:

Year. Month. Date. ()

$$V_{ab} = \frac{1}{\pi \epsilon_0} \left[q_a \ln \frac{D_{ab}}{D_{aa}} + q_b \ln \frac{D_{bb}}{D_{ba}} + q_c \ln \frac{D_{cb}}{D_{ca}} + \dots + q_n \ln \frac{D_{nb}}{D_{na}} \right]$$


* در اینجا بار همواره روی سطح است و شعاع متوسط هندسی دیگر تعریف نمی شود.



- خط تکافاز:

$$V_{ab} = \frac{1}{\pi \epsilon_0} \left[q_a \ln \frac{D_{ab}}{r_a} + q_b \ln \frac{r_b}{D_{ba}} \right] \quad , \quad r_a = r_b = r, \quad q_a = -q_b$$

$$\Rightarrow V_{ab} = \frac{1}{\pi \epsilon_0} \left[q_a \ln \frac{D}{r} - q_a \ln \frac{r}{D} \right] = \frac{q_a}{\pi \epsilon_0} \ln \left(\frac{D}{r} \right)^2 \Rightarrow V_{ab} = \frac{q_a}{\pi \epsilon_0} \ln \frac{D}{r}$$

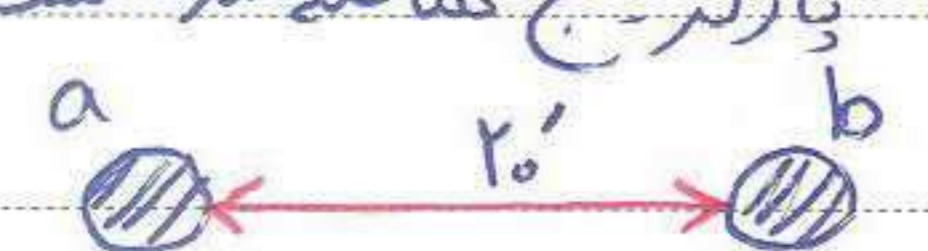
$\Rightarrow C_{ab} = \frac{\pi \epsilon_0}{\ln \frac{D}{r}} \frac{F}{m}$ q, V نسبت آردن آن پس q, V رابطه برقرار کردیم

$$B_{ab} = j\omega C = j2\pi f C \quad \left[\frac{25}{m} \right]$$

$$X_{ab} = \frac{1}{j2\pi f C_{ab}} \quad \Omega \cdot m$$

نسبت پتانسیل را اگر در 1000 متر کنیم آنگاه واحد $\frac{25}{km}$ خواهیم داشت و می در مورد X_{ab} می توان اینکار کرد.

- نسبت پتانسیل خارجی 1 km, 1 mile خط تکافاز کاباجاری AC SR با ترتیب ساخته شده است را با استفاده از جدول جدول حساب کنید. خط با صورت مقابل است:



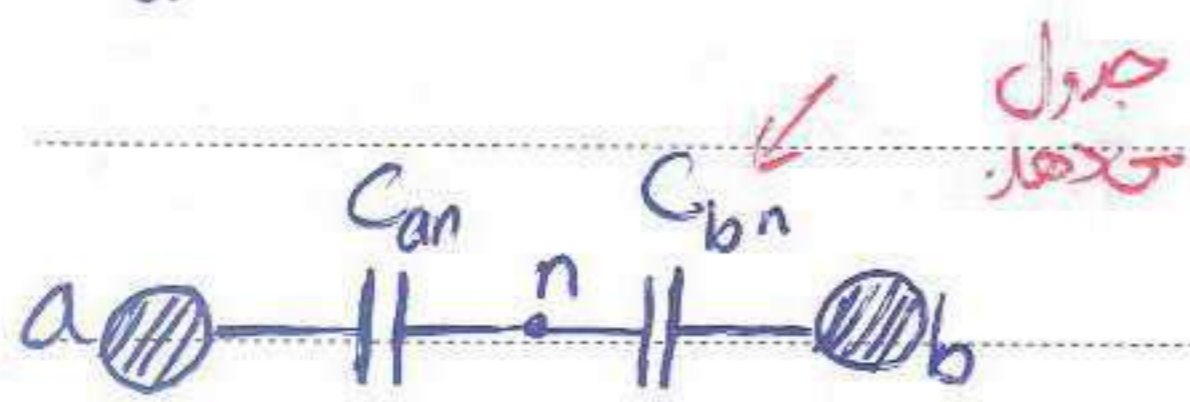
$$\text{نوع هادی A1 جدول} \rightarrow r = \left(\frac{0.1442}{2} \right)'' = \left(\frac{0.1442}{2 \times 12} \right)' = 0.006 \text{ m}$$

$$C_{ab} = \frac{\pi \times 10^{-12} \times \epsilon_r \times l}{\ln \frac{D}{r}} \quad \frac{F}{m}$$

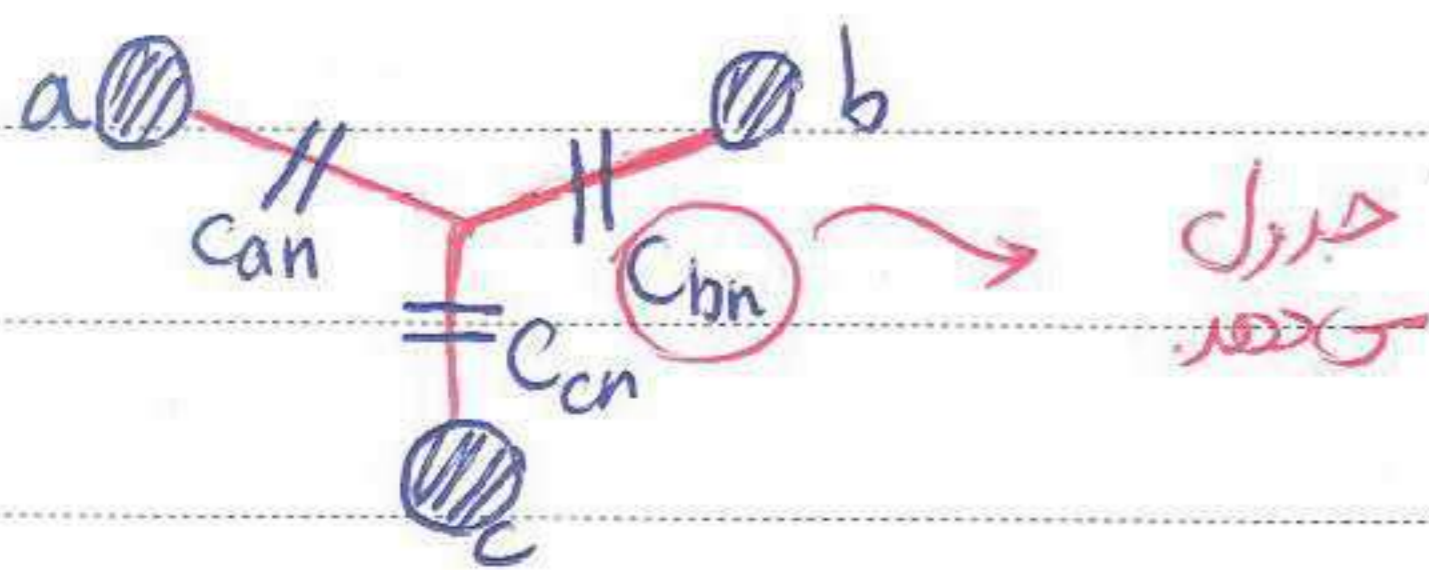
$$B_{ab} = \pi f C_{ab} = \pi \times 40 \times C_{ab} \frac{25}{m} \rightarrow \left\{ \begin{array}{l} \times 1000 \rightarrow \frac{25}{km} \rightarrow X_{ab} = \frac{1}{B_{ab}} \Omega \cdot km \\ \times 1409 \rightarrow \frac{25}{mile} \rightarrow X_{ab} = \frac{1}{B_{ab}} \Omega \cdot mile \end{array} \right.$$

حال با استفاده از جدول می خواهیم مقادیر را بدست آوریم:

$$\begin{aligned} X_c &= X'_a + X'_d \\ X'_a &= 0.11074 \text{ M}\Omega \cdot \text{mile} \\ X'_d &= 0.0837 \text{ M}\Omega \cdot \text{mile} \end{aligned} \Rightarrow X_c = 0.1944 \text{ M}\Omega \cdot \text{mile}$$



جدول دو سیتانس مقابل را می دهد

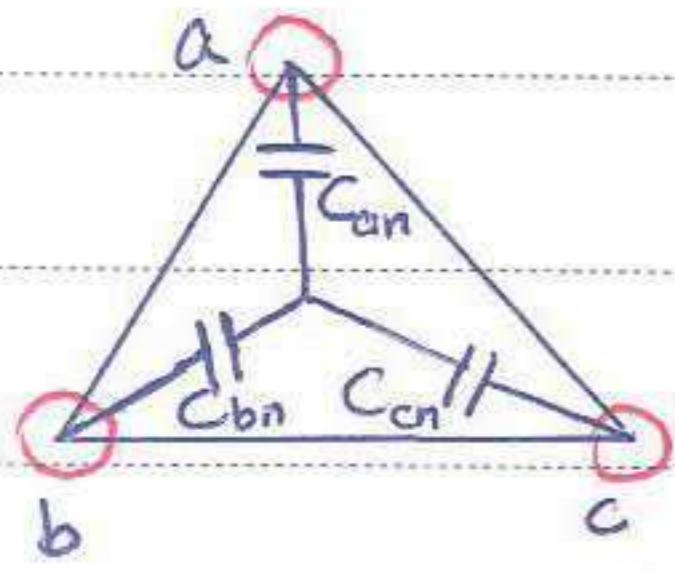


برای اینکه در خط تکافاز عدد مسله جدول بدست بیاریم باید از فرمول مقابل

$$C_{cn} = \frac{\pi \epsilon_r \epsilon_0}{\ln \frac{D}{r}}$$

استفاده کنیم

خط سه فاز:



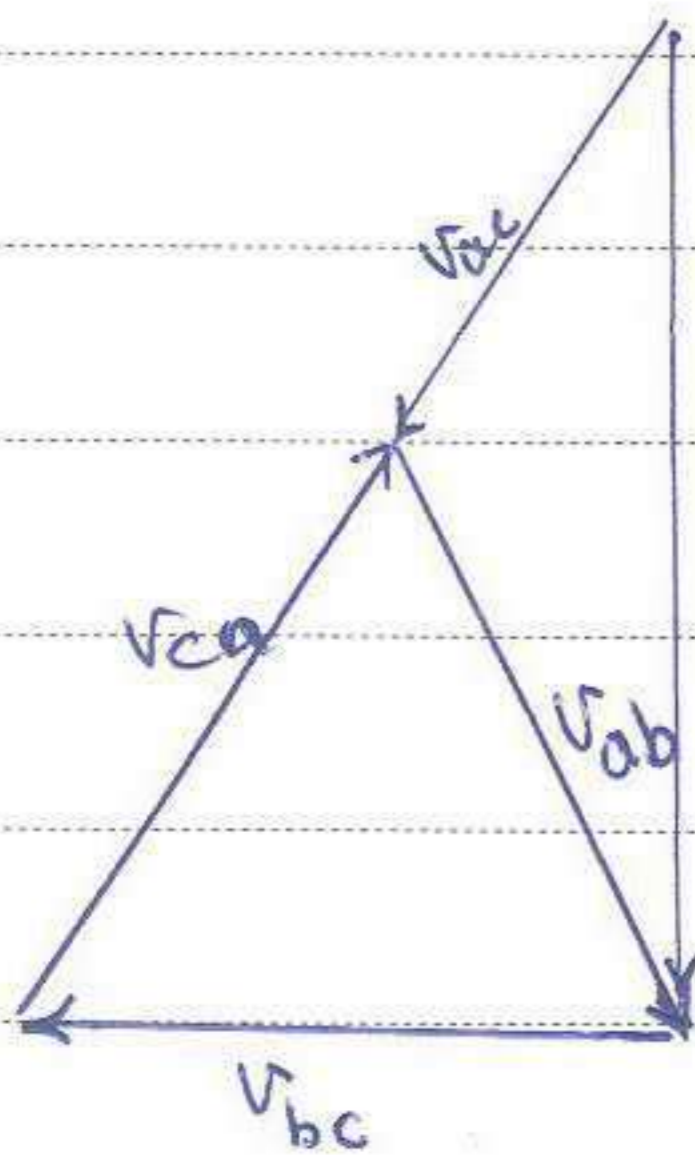
(۱) جاری های باندل نبود، و فواصل آنها نیز برابر است.

$$V_{ab} = \frac{1}{\pi \epsilon_0} \left[q_a \ln \frac{D_{ab}}{r_a} + q_b \ln \frac{r_b}{D_{ab}} + q_c \ln \frac{D_{cb}}{D_{ca}} \right]$$

$$= \frac{1}{\pi \epsilon_0} \left[q_a \ln \frac{D}{r} + q_b \ln \frac{r}{D} \right]$$

$$\Rightarrow V_{ab} + V_{ac} = \frac{1}{\pi \epsilon_0} \left[r q_a \ln \frac{D}{r} + q_a \ln \frac{D}{r} \right]$$

$$V_{ac} = \frac{1}{\pi \epsilon_0} \left[q_a \ln \frac{D}{r} + q_c \ln \frac{r}{D} \right]$$



$$V_{ab} + V_{ac} = \sqrt{3} V_{ac} \cos 30^\circ = \sqrt{3} \times V_{an} \frac{\sqrt{3}}{2} = \sqrt{3} V_{an}$$

$$\sqrt{3} V_{an} = \frac{1}{\pi \epsilon_0} r q_a \ln \frac{D}{r} \Rightarrow C_{an} = \frac{\pi \epsilon_0}{\ln \frac{D}{r}} \frac{F}{m}$$

$$C_n = \frac{\pi \epsilon_0}{\ln \frac{D_{eq}}{r}}$$

(۲) سه فاز با فواصل متفاوت که باندل نشده است:

$$D_{eq} = \sqrt[3]{D_{ab} D_{ac} D_{bc}}$$

$$C_n = \frac{\pi \epsilon_0}{\ln \frac{D_{eq}}{r_b}} = \frac{\pi \epsilon_0}{\ln \frac{GMD}{GMR}}$$

(۳) سه فاز با فواصل متفاوت باندل شده:

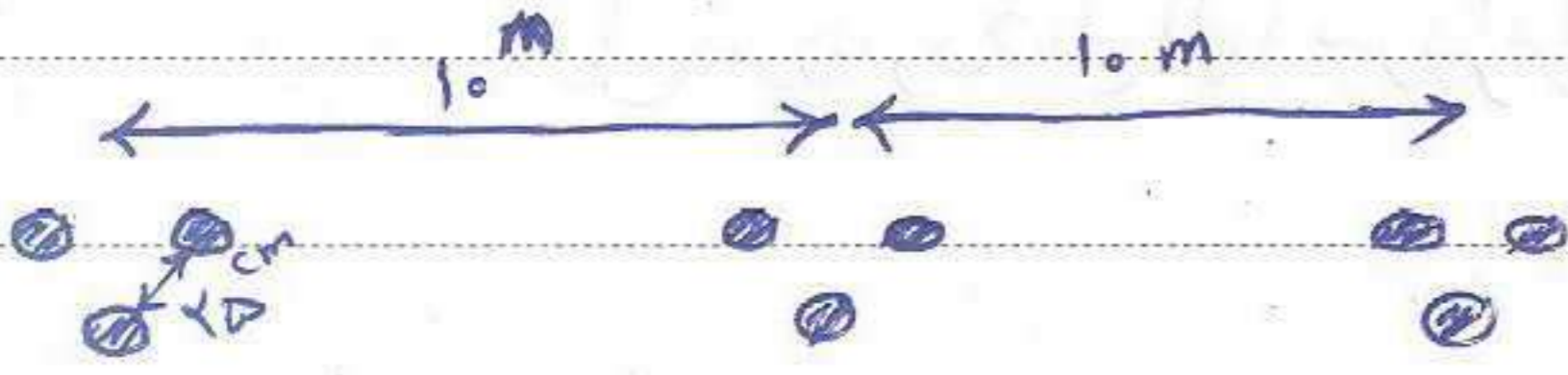


Subject:

Year. Month. Date. ()

رادیاشن خارجی خط سیم‌ها را با آرایش زیر و بر حسب 2 km و 2 mile حساب کنید

طاری: ACSA



$$C_n = \frac{r_{FE}}{\ln \frac{GMD}{GMR}}$$

$C_n \rightarrow$ درسته \rightarrow $\begin{cases} \times 1000 \\ \times 14.9 \end{cases}$

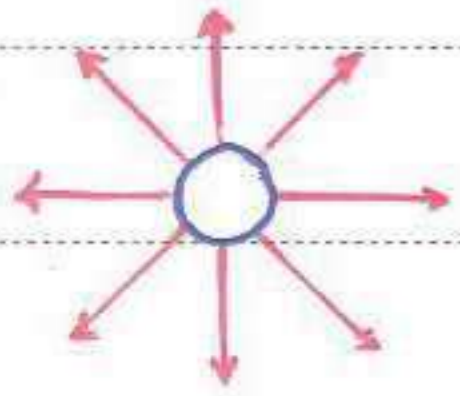
$$\frac{F}{km} \rightarrow X = \frac{1}{r_{FE}} \text{ 2 km}$$

$$\frac{F}{mile} \rightarrow X = \frac{1}{r_{FE}} \text{ 2 mile}$$

$$GMD = \sqrt[3]{10 \times 10 \times 10}$$

$$GMR = \sqrt[3]{d^2 r}$$

اثر زمین در کاپاسیتانس خطوط انتقال:

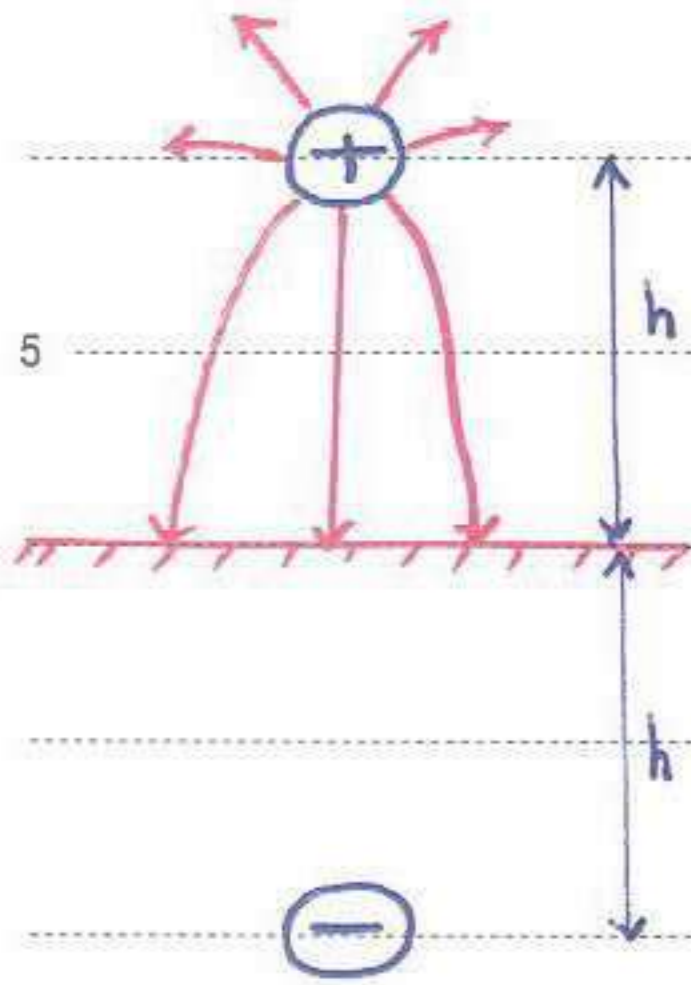


هادی دور از زمین

اگر هادی ها از زمین فاصله زیادی داشته باشند

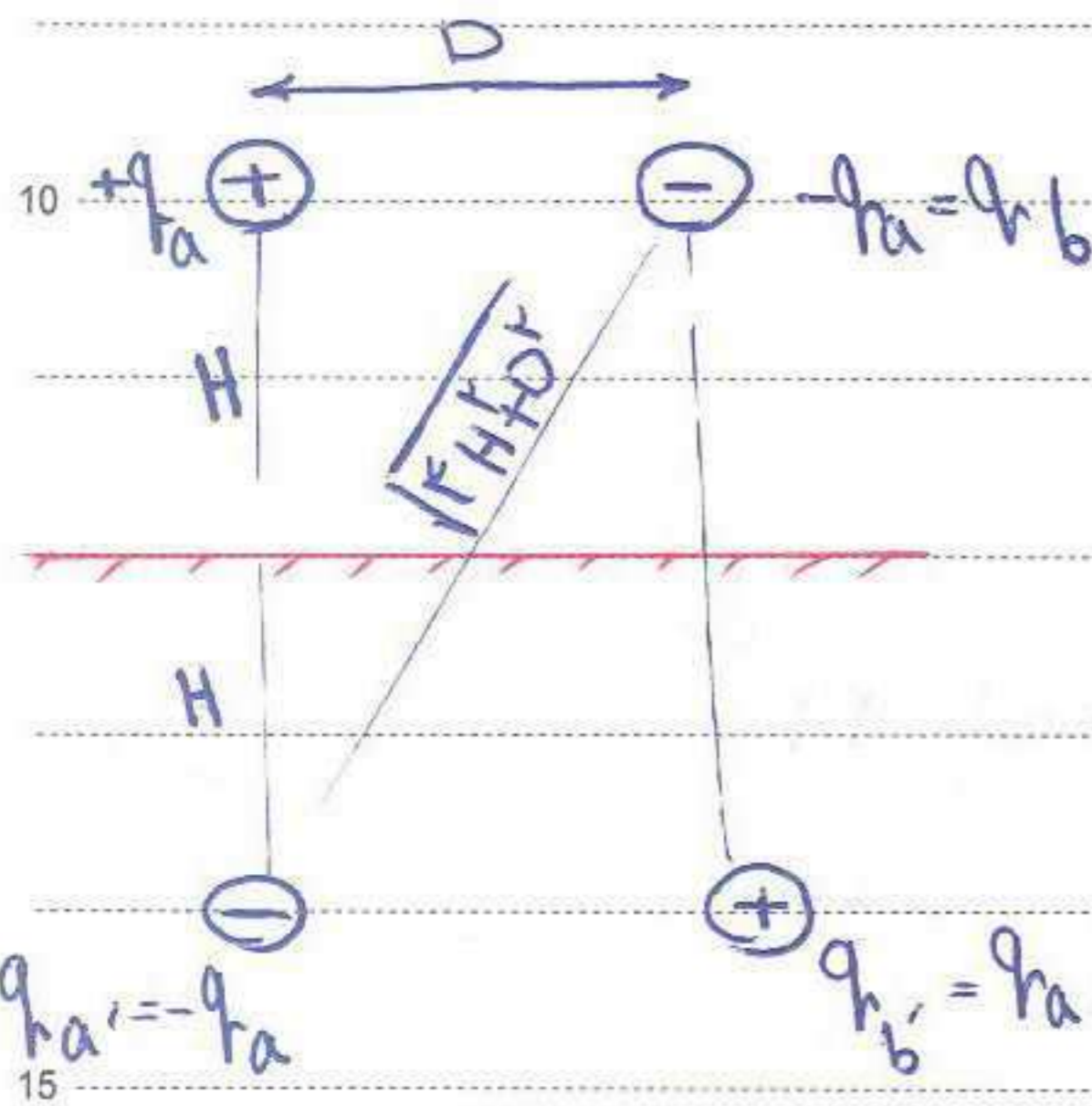
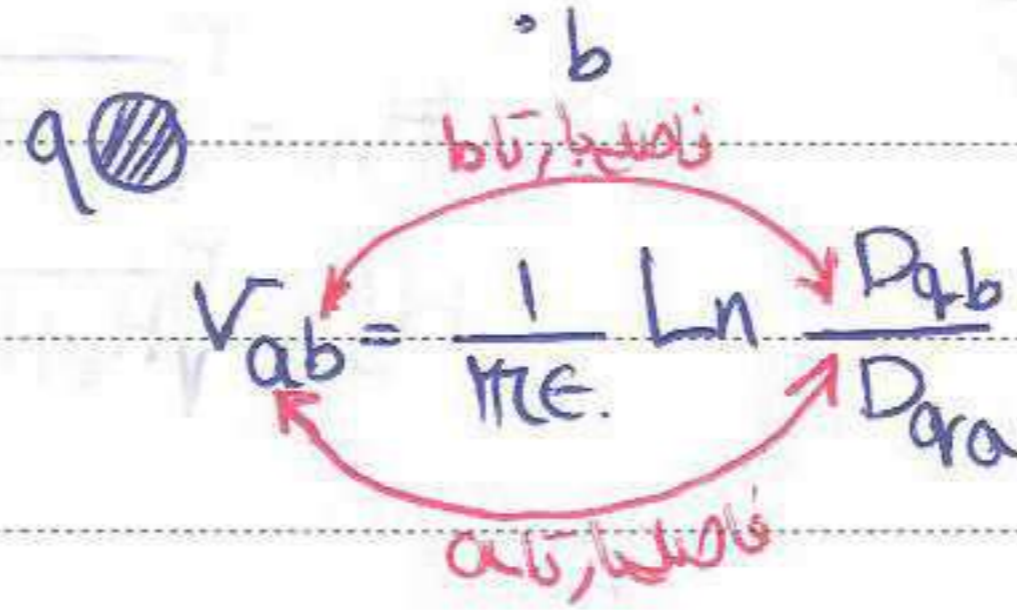
آنگاه:

$$C_{ab} = \frac{\pi \epsilon_0}{\ln \frac{D}{r}}$$



هادی نزدیک زمین

a.



$aa' = H = bb'$

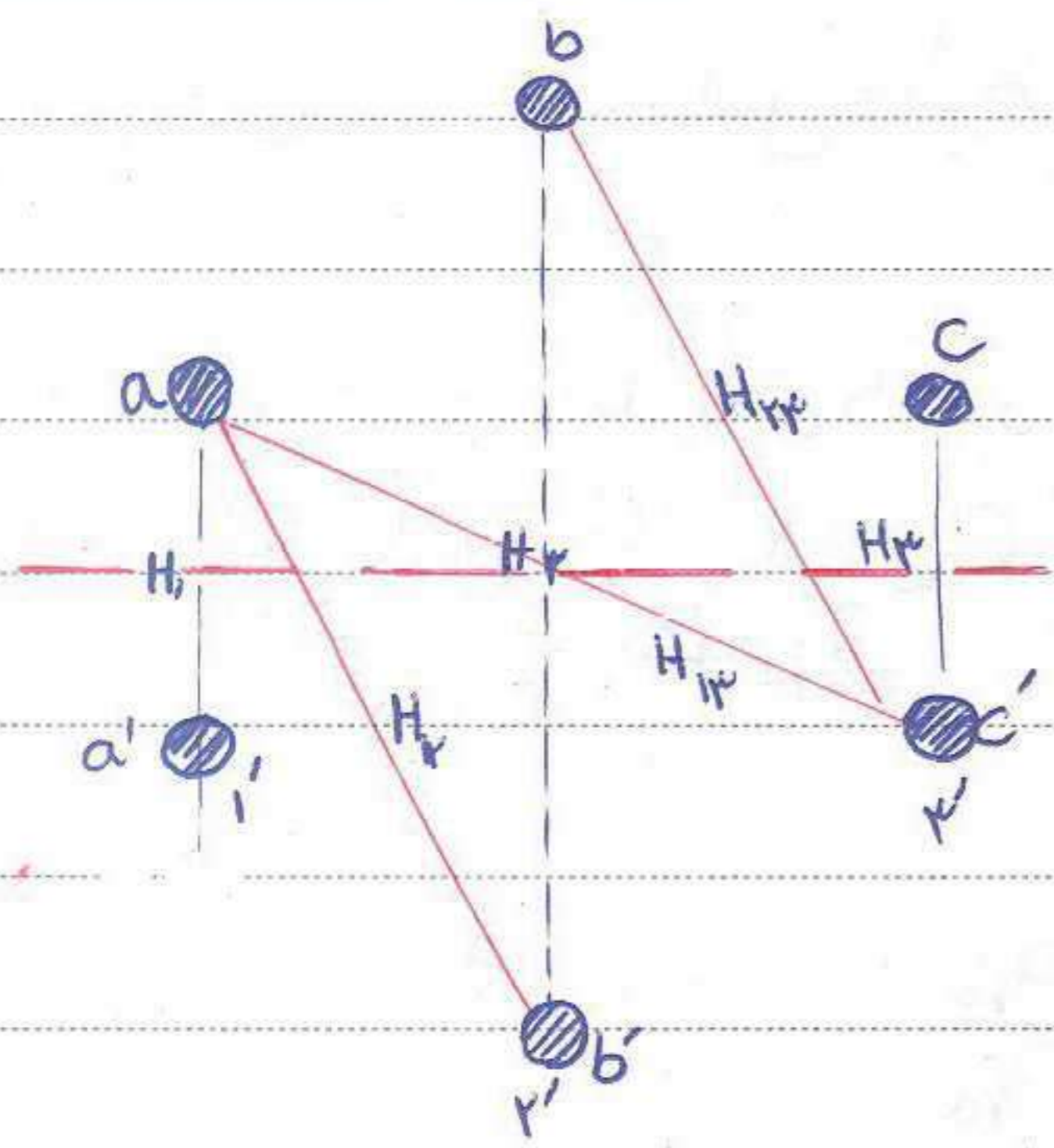
$$V_{ab} = \frac{1}{\pi \epsilon_0} \left[q_a \ln \frac{D}{r} + q_b \ln \frac{r}{D} + q_{a'} \ln \frac{D_{aa'}}{D_{aa'}} + q_{b'} \ln \frac{D_{bb'}}{D_{bb'}} \right]$$

$$\Rightarrow V_{ab} = \frac{q}{\pi \epsilon_0} \left[\ln \frac{D}{r} - \ln \frac{r}{D} - \ln \frac{\sqrt{H^2 + D^2}}{2H} + \ln \frac{2H}{\sqrt{H^2 + D^2}} \right]$$

$$\Rightarrow V_{ab} = \frac{q}{\pi \epsilon_0} \left[2 \ln \frac{D}{r} + 2 \ln \frac{2H}{\sqrt{H^2 + D^2}} \right] = \frac{q}{\pi \epsilon_0} \ln \frac{4HD}{r\sqrt{H^2 + D^2}}$$

$$\Rightarrow C_{ab} = \frac{\pi \epsilon_0}{\ln \frac{4HD}{r\sqrt{H^2 + D^2}}} = \frac{\pi \epsilon_0}{\ln \frac{D}{r \sqrt{1 + \frac{D^2}{H^2}}}} \xrightarrow{K = \sqrt{1 + \frac{D^2}{H^2}}} C_{ab} = \frac{\pi \epsilon_0}{\ln \frac{D}{rk}}$$

جابراین ظرفیت نسبت به حالت قبل بیشتر می شود



$V_{ab} =$ پتانسیل جبهه } دو طرف را با هم جمع می کنیم
 $V_{ac} =$ پتانسیل جبهه }

$$C_n = \frac{2\pi \epsilon_0}{\ln \frac{D_{eq}}{r} - \ln \frac{H_s}{H_m}}$$

$$H_m = \sqrt[3]{H_1 H_2 H_3}$$

$$H_s = \sqrt[3]{H_{1s} H_{2s} H_{3s}}$$

$$C_n = \frac{2\pi \epsilon_0}{\ln \frac{D}{r}}$$

مثال: خط سه فاز 132 kv از نوعی ACSR که استریچ تشکیل شده دارای آرایش زیر است. گایا نسبتانش هر فاز بر حسب $\frac{F}{\text{km}}$ ، و سودبیتانش خارجی هر فاز بر حسب $\frac{2\pi}{\text{km}}$ حساب کنید.

اگر طول خط 200 km باشد، رانیتانش خارجی آن چند اهم است (فراش 50 هر تنز) اگر تیران مبنا 100 MVA باشد، رانیتانش داخلی هر فاز بر حسب $\frac{F}{\text{km}}$ را بدست آورید. اثر زمین لحاظ نشود، چه مقدار خط اصلاحی است.



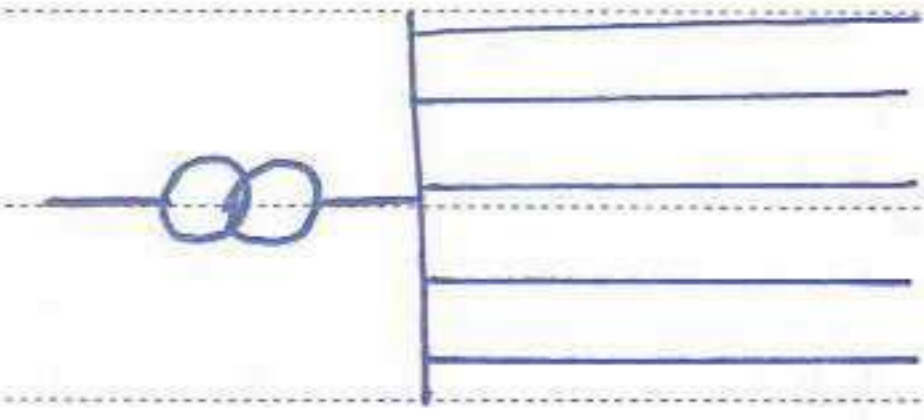
$$H_1 = H_2 = H_3 = 2.0 \text{ m}$$

$$H_{12} = \sqrt{2\delta + 4.0} \Rightarrow C_n \text{ حساب می شود. } \frac{F}{\text{m}}$$

$$H_{13} = \sqrt{1.0 + 4.0}$$

$$C_n \text{ است. } \rightarrow \frac{F}{\text{km}}$$

جریان بارگیری خط:



چون استهلاک است نباید از منبع جریان کشیده شود اما به علت خازن های موجود در طول خط جریان کشیده می شود و چون خازن خالص است جریان با ولتاژ ۹۰ اختلاف فاز دارد پس توان راکتیو مصرف می شود ظرفیت کل خط

$$B = 2\pi f C$$

$$I_{ch} = 2\pi f c V$$

واحد معادل باتوجه به واحد مشخص می شود.

$$Z = R + jX$$

R, L, و حتی خودراشکل می دهند که از خط جریان عبور کند.

$$Y = G + jB$$

کاپاسیتانس و حتی ولتاژ روی خط قرار بگیرد خود را نشان می دهد.

خازن به صورت موازی قرار می گیرد و سلف را سری قرار می دهیم.

G می گوید که یک مقاومت را نیز باید با خازن موازی کنیم. این مقاومت ها مربوط به نشتی جریان است.

یعنی یک مقدار جریان از یک فاز نشت کند و هوای اطراف یونیزه گردد و پدیده ی کرونا رخ دهد.

این پدیده باعث انتشار انرژی در فضا، تلفات آن و همچنین نویز روی خط مخابراتی می گردد اگر خط انتقال

خوب طراحی شود آنگاه G را در نظر نمی گیریم. (G=0)

* اگر این ولتاژ نیز متناسب نباشد (ترک داشته باشد یا کشیف باشد) آنگاه مقداری جریان نشت کرده و از طریق

دکل به زمین منتقل می شود.

فصل ۵ - در لاسازی خطوط و ارتباط ولتاژ و جریان ابتدای آنها :

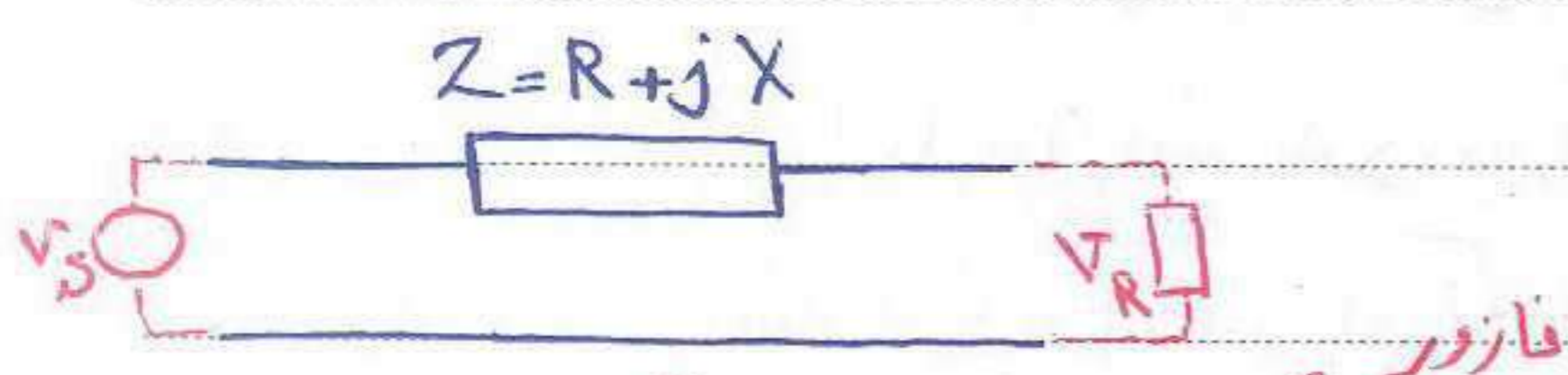
در این فصل ۲ و ۳ از طریق روش‌های دو فصل قبل ملاحظه هستند. می‌خواهیم خط انتقال را برداریم و آن را مدل کنیم. مشابه قبل یک فاز را مدل می‌کنیم.

	Z	$L < 50 \text{ mile}$	STL	خط کوتاه	} انواع خطوط
پارامترها مسترد در نظر گرفته می‌شوند.	Y, Z	$50 \text{ mile} < L < 150 \text{ mile}$	MTL	خط متوسط	
پارامترها مسترد در نظر گرفته می‌شوند.	Y, Z	$L > 150 \text{ mile}$	LTL	خط طول	

برای خطوط کوتاه از کاپاسیتانس صحن نظری سرور و ادمیتانس موازی خط را صحن نظری کنیم

$$c = f \lambda \Rightarrow \lambda / f = 50 \text{ Hz} = 4000 \text{ km}$$

خط اگر ۱۰۰۰ km شود آنگاه به طول موج نزدیک شده ایم و تقریب سرور خطای زیادی خواهد داشت.



در لاسازی خط کوتاه:

$$\begin{bmatrix} V_s \\ I_s \end{bmatrix} = \begin{bmatrix} A & B \\ C & D \end{bmatrix} \begin{bmatrix} V_R \\ I_R \end{bmatrix}$$

معمولاً ولتاژ و جریان بار را داریم و از طریق ماتریس مقابل ولتاژ و جریان ابتدای خط را بدست می‌آوریم.

$$\begin{aligned} V_s &= V_R + Z I_R \\ I_s &= I_R \end{aligned} \Rightarrow \begin{cases} A = 1 \\ B = Z \\ C = 0 \\ D = 1 \end{cases}$$

برای حل در سیستم بیرونی V_R, I_R و V_s, I_s را بر حسب بیرونی بدست می‌آوریم.

* باید حتماً در طرف فرستنده هم گیرنده یکسان هستند.

رگولاسیون: معمولاً در طرف گیرنده حساب می‌شود.

$$\text{Reg } \% = \frac{|V_{NL}| - |V_{FL}|}{|V_{FL}|} \times 100 \%$$

علت رگولاسیون تغییر ولتاژ در طول خط به دلیل امپدانس سری خط است.

$$\text{Reg } \% = \frac{|V_S| - |V_R|}{|V_R|} \times 100 \%$$

رگولاسیون نباید از یک درصدی زیاد شود. برای اصلاح آن می‌توان هادی‌های خط را ضخیم‌تر کرد یا با سری کردن یک خازن یا خط مستقیم موخومی امپدانس سری خط را کوچکتر کرد.

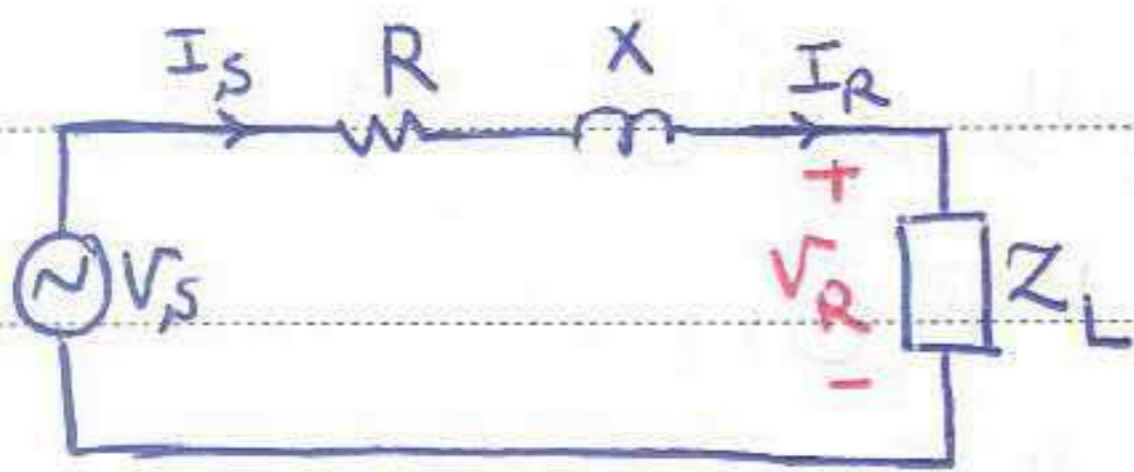
A, B, C, D را ثابت‌های خط می‌گویند. این ثابت‌ها از Z و Y به دست می‌آیند.

$$\left. \begin{array}{l} V_S = AV_R + BI_R \\ I_R = 0 \end{array} \right\} \Rightarrow V_S = AV_R \Rightarrow (|V_R|)_{NL} = \frac{|V_S|}{A}$$

$$\text{Reg } \% = \frac{\frac{|V_S|}{A} - |V_R|^{FL}}{|V_R|^{FL}} \times 100 \%$$

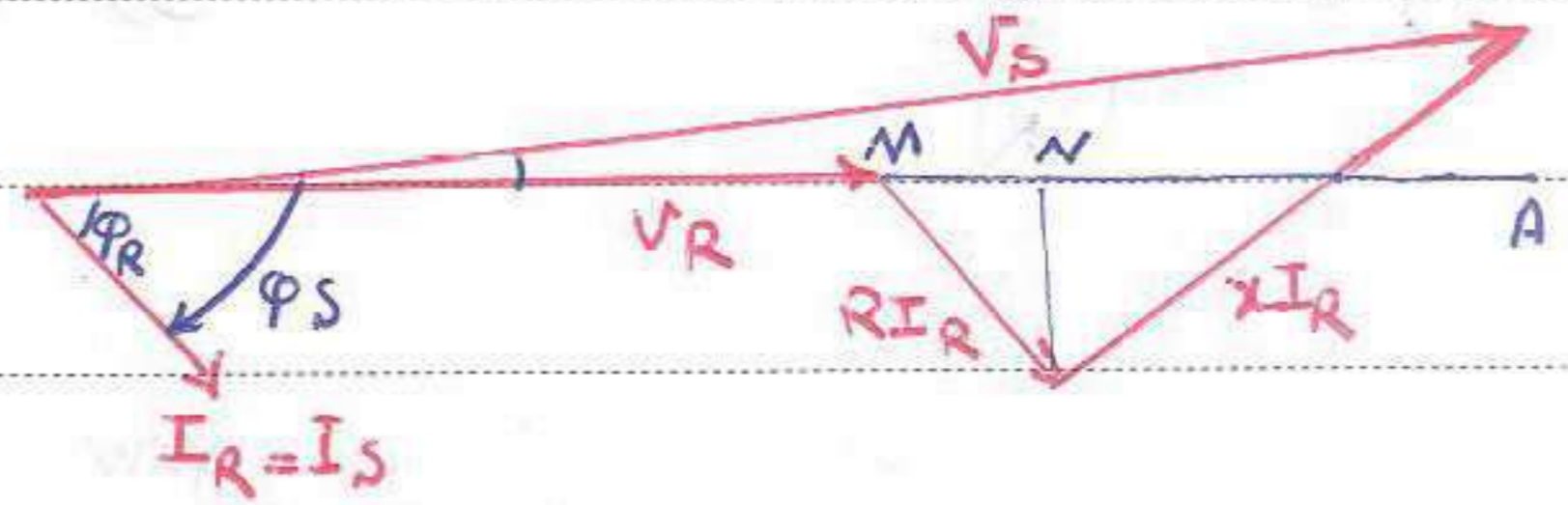
فرمول کلی بر حسب ثابت‌های خط:

مدل خط کوتاه (ادامه):



$$V_s = AV_R + B I_R$$

$$I_s = CV_R + D I_R$$



$$\begin{bmatrix} V_s \\ I_s \end{bmatrix} = \begin{bmatrix} A & B \\ C & D \end{bmatrix} \begin{bmatrix} V_R \\ I_R \end{bmatrix}$$

$$A = D = 1$$

$$B = Z \quad C = 0$$

$\phi_R = (\angle V_R, I_R)$ $\cos \phi_R =$ ضریب قدرت انتهای خط (بار)

$\phi_s = (\angle V_s, I_s)$ $\cos \phi_s =$ ضریب قدرت ابتدای خط (مولد)

$$S_s = V_s I_s^* = P_s + jQ_s \rightarrow \begin{cases} P_s = |V_s| |I_s| \cos \phi_s \\ Q_s = |V_s| |I_s| \sin \phi_s \end{cases}, \phi_s = \tan^{-1} \frac{Q_s}{P_s}$$

$$S_R = V_R I_R^* = P_R + jQ_R \quad \phi_R = \tan^{-1} \frac{Q_R}{P_R}$$

$$P_s = P_R + P_{loss} \quad \eta \% = \frac{P_R}{P_s} \times 100 \%$$

$$P_{loss} = R |I_R|^2$$

توان آلتنو مصرفی خط

$$Q_s = Q_R + Q_L$$

$$Q_s = Q_R + X (I_R)^2$$

توان آلتنو مصرفی خط

$$AM = AN + MN = R I_R \cos \phi_R + X I_R \sin \phi_R \rightarrow \% Reg = \frac{R I_R \cos \phi_R + X I_R \sin \phi_R}{V_R} \times 100$$

$$\% Reg = \frac{R P_R + X Q_R}{V_R^2} \times 100$$

توان آلتنو مصرفی خط

بنابراین افت ولتاژ اولاً با دلیل امپدانس خط ایجاد می شود. یعنی اگر امپدانس خط صفر باشد آنگاه افتی نخواهیم داشت. ولی اگر امپدانس صفر نباشد آنگاه P_R و Q_R یعنی توانی که از خط می کشیم نیز در افت

بهترین راه برای محاسبه ضریب تدریب ابتدای خط اینست که توان آن را ابتدا حساب کنیم.

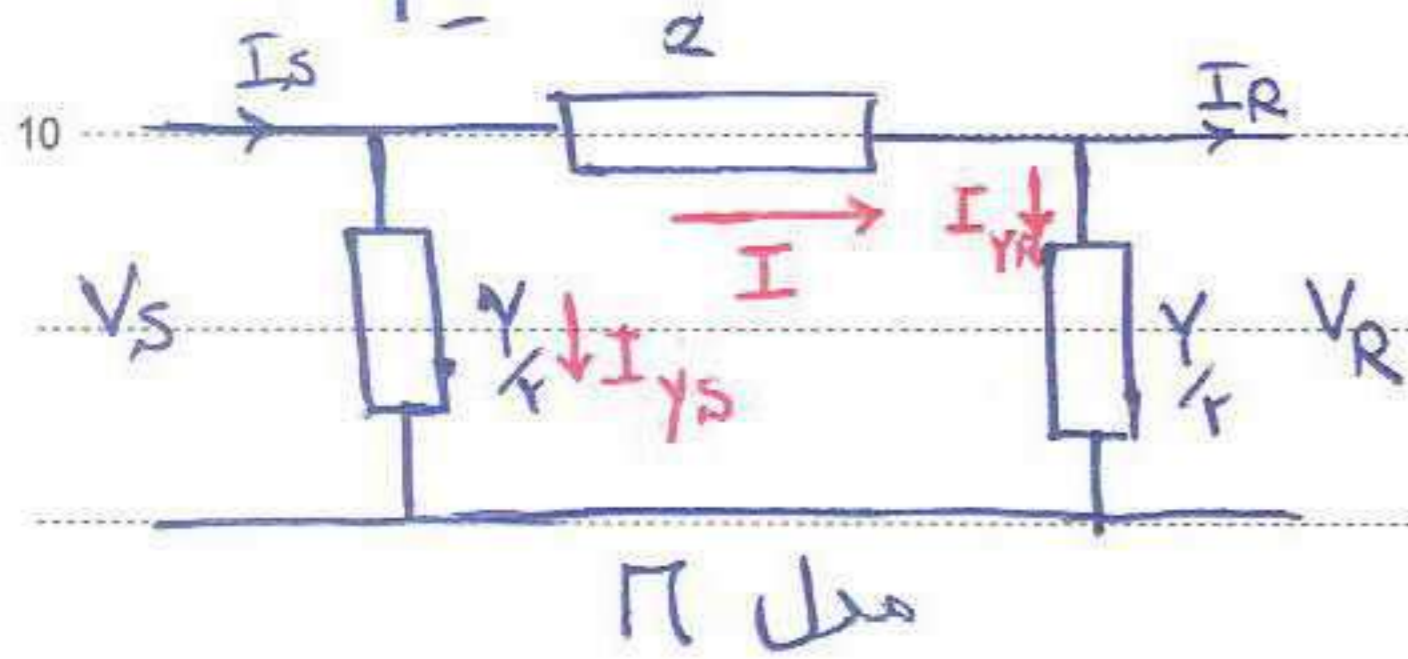
$$S_S = V_S I_S^* = (7454 \angle 45.1) (197 \angle 39.9) = 7454 \times 197 \angle 41.48^\circ = P_S + jQ_S$$

توان همزمان

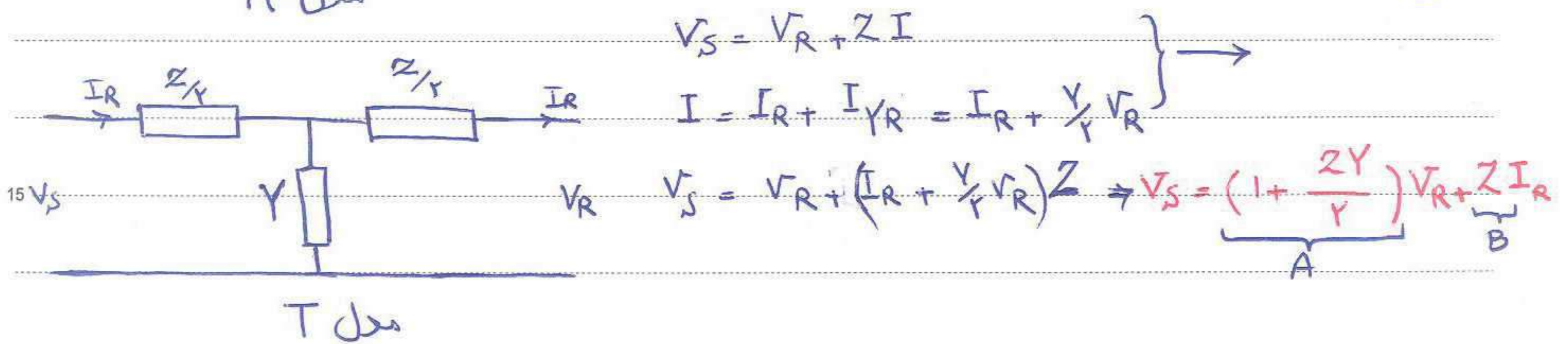
از توان خط اینتری توانیم حساب کنیم.

خط متوسط:

در خط کوتاه از خاصیت خارجی خط صرف نظر کردیم اما اینجا این خاصیت را نیز در نظر میگیریم.



معمولاً V_R ، I_R معلومند و ما می خواهیم V_S و I_S را بدست آوریم.



$$V_S = V_R + Z I$$

$$I = I_R + I_Y = I_R + \frac{Y}{1} V_R$$

$$V_S = V_R + \left(I_R + \frac{Y}{1} V_R \right) Z \Rightarrow V_S = \underbrace{\left(1 + \frac{ZY}{1} \right)}_A V_R + \underbrace{Z I_R}_B$$

$$I_S = I + I_Y = I_R + \frac{Y}{1} V_R + \frac{Y}{1} V_S = I_R + \frac{Y}{1} V_R + \frac{Y}{1} \left(\left(1 + \frac{ZY}{1} \right) V_R + Z I_R \right)$$

$$\Rightarrow I_S = \underbrace{Y \left(1 + \frac{ZY}{1} \right)}_C V_R + \underbrace{\left(1 + \frac{ZY}{1} \right)}_D I_R$$

$$\left\{ \begin{array}{l} A = D = 1 + \frac{ZY}{1} \\ B = Z \\ C = Y \left(1 + \frac{ZY}{1} \right) \end{array} \right.$$

آزاد روابط فوق بهای Y صفر قرار دهیم، پارامترهای خط کوتاه بدست می آید.

$$\% \text{ Reg} = \frac{\frac{|V_S|}{|A|} - |V_R|}{|V_R|} \times 100$$

ضریب تدریب ابتدای خط را می توان با محاسبه توان مختلفه در ابتدای خط بدست آورد.

$$A = 1 + \frac{ZY}{1}$$

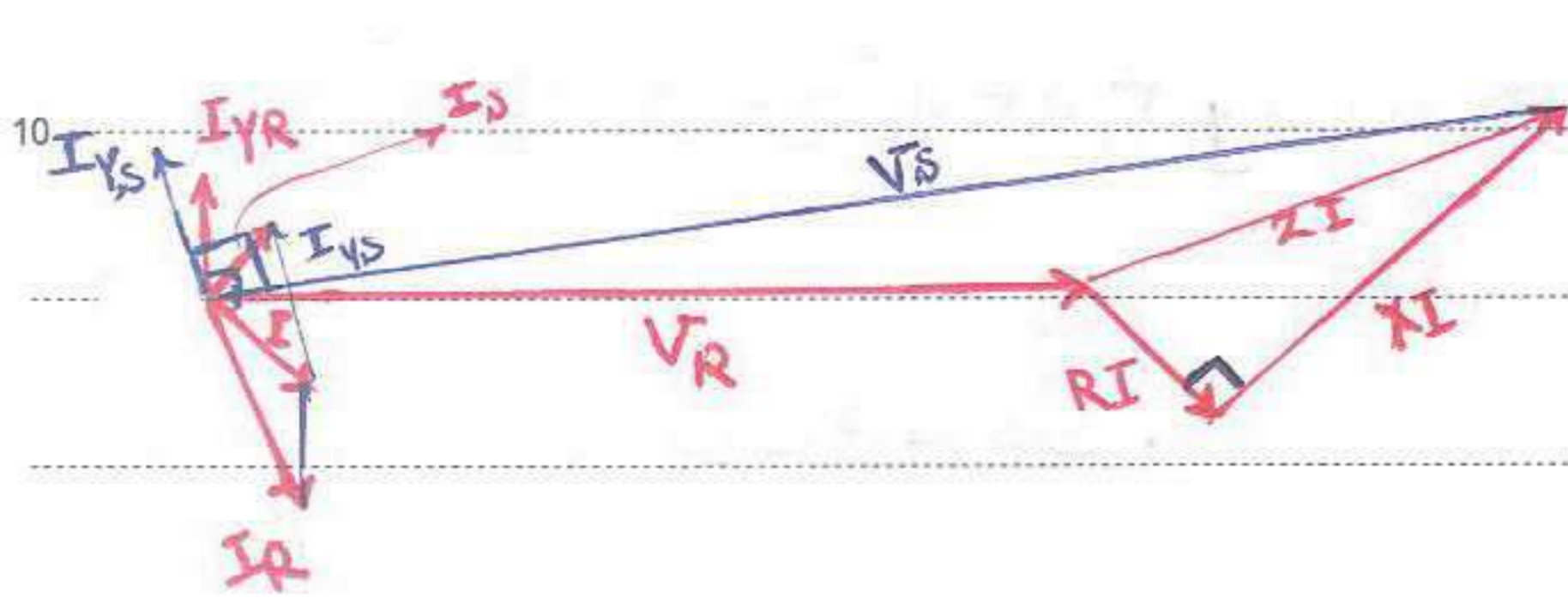
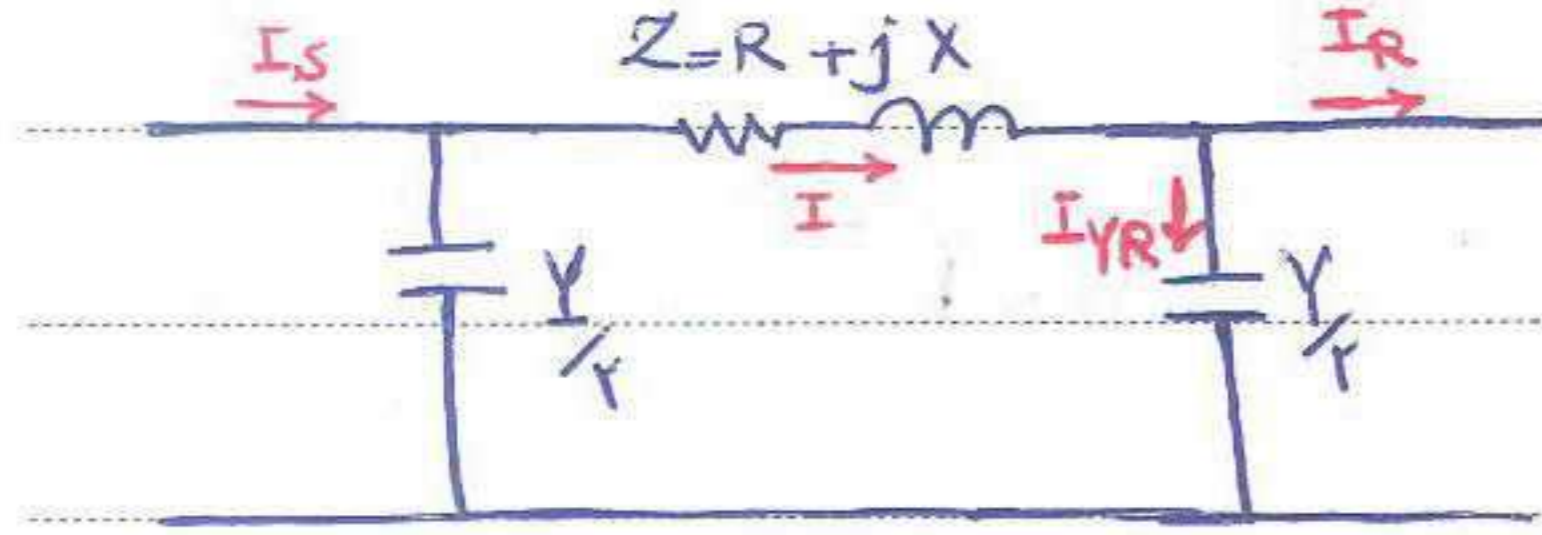
شاخه های خارجی توان راکتیو تولید می کنند و اندرکنش خط توان راکتیو مصرف می کند.

مدلسازی خط متوسط:

$$\begin{bmatrix} V_S \\ I_S \end{bmatrix} = \begin{bmatrix} A & B \\ C & D \end{bmatrix} \begin{bmatrix} V_R \\ I_R \end{bmatrix}$$

$$\begin{cases} A = D = 1 + \frac{ZY}{\Gamma} \\ B = Z \\ C = Y(1 + \frac{ZY}{\Gamma}) \end{cases}$$

5 برای پیروی کردن چون A, D واحد ندارند پس تغییراتی کنند، بی B باید با Z، C با Y باید تقسیم شود تا پیروی شوند.



$$S_S = V_S I_S^* = P_S + jQ_S$$

$$\tan \varphi_S = \frac{Q_S}{P_S}$$

$$\cos \varphi_S = \text{ضریب قدرت ابتدای خط}$$

15 برای محاسبه ضریب قدرت ابتدای خط بهتر است، ابتدا R_S را حساب کرده و از روی آن $\cos \varphi_S$ را بدست آوریم.

20 یک خط انتقال سه فاز 230 kV و طول 150 km از هادی ها ACSR با کد یا ترجیح تشکیل شده است. خط انتقال دارای آرایش افقی و فاصله هر هادی متوالی 5 m است. مقاومت هر فاز $2 \frac{\Omega}{\text{km}}$ است. اگر در انتهای خط ولتاژ 230 kV و توان مصرفی 200 MW باشد ضریب قدرت 0.85 پس فاز را بساز، محاسبه کنید.

(الف) ولتاژ ابتدای خط

(ب) رگولاسیون خط

(ج) ضریب توان ابتدای خط

(د) راندمان خط

(ه) بررسی تعادل توان اکتیو و راکتیو در خط

$$Z = R + j\omega L$$

مرحله اول: محاسبه امپدانس خط:

$$R = \frac{1}{2} \frac{\Omega}{\text{km}} \times 10 \text{ km} = 5 \Omega$$

* در شبکه های انتقال $X \gg R$

$$X = \omega L = \omega \times \frac{1}{2} \times 10^{-4} \text{ H/km} \times 10 \text{ km} = 44.95 \Omega \quad R \gg X$$

$$D_{eq} = \sqrt{\omega \times 10^{-8}} = 4.4 \text{ m}$$

$$D_s = \frac{1}{2} \times 10^{-4} \times 0.1 \text{ F/km} = 0.0044 \text{ m}$$

$$Z = 5 + j44.95 \Omega = 45.1 \angle 90.1^\circ$$

مرحله دوم: محاسبه Y خط:

$$r = \frac{0.44 \text{ } \Omega}{\frac{1}{2} \times 10^{-4} \text{ F}} \times 0.1 \text{ F/km} = 0.0011 \text{ m}$$

تبدیل با فونت تبدیل با ستاره

$$Y = j\omega C = j\omega \times \frac{1}{2} \times 10^{-4} \text{ F/km} \times 10 \text{ km} = j3.94 \times 10^{-4} \text{ S} = 3.94 \times 10^{-4} \angle 90^\circ$$

مرحله سوم: محاسبه ABCD خط:

$$\begin{cases} V_s = AV_R + BI_R \\ I_s = CV_R + DI_R \end{cases}$$

$$A = D = 1 + \frac{ZY}{Y} = 1 + \frac{(45.1 \angle 90.1^\circ)(3.94 \times 10^{-4} \angle 90^\circ)}{3.94 \times 10^{-4}} = 0.9872 + j0.0059 = 0.9872 \angle 0.34^\circ$$

15 معضلاً از برای A خیلی کوچک است.

$$B = Z = 45.1 \angle 90.1^\circ$$

$$C = Y(1 + \frac{ZY}{Z}) = (3.94 \times 10^{-4} \angle 90^\circ) \left(1 + \frac{(45.1 \angle 90.1^\circ)(3.94 \times 10^{-4} \angle 90^\circ)}{45.1} \right) = 3.91 \times 10^{-4} \angle 90.17^\circ$$

$$V_R = \frac{230 \times 10^3}{\sqrt{3}} = 132800 \angle 0^\circ$$

مرحله چهارم: تعیین I_R و V_R :

20 اثری خواستیم ببینیم چه نسبت حل کنیم ($V_b = 230 \text{ kV}$)

$$P_R = \sqrt{3} |V_R| |I_R| \cos \phi_R$$

$$\Rightarrow 200 \times 10^6 = \sqrt{3} \times 132800 \times |I_R| \times 0.85 \Rightarrow |I_R| = 59044 \Rightarrow I_R = 59044 \angle -31.8^\circ$$

مرحله پنجم: محاسبه I_s و V_s :

$$V_s = (0.9872 \angle 0.34^\circ)(132800 \angle 0^\circ) + (45.1 \angle 90.1^\circ)(59044 \angle -31.8^\circ)$$

$$\Rightarrow V_s = 14794 \angle 1.17^\circ \text{ V} \Rightarrow (V_s)_L = 29094 \text{ kV}$$

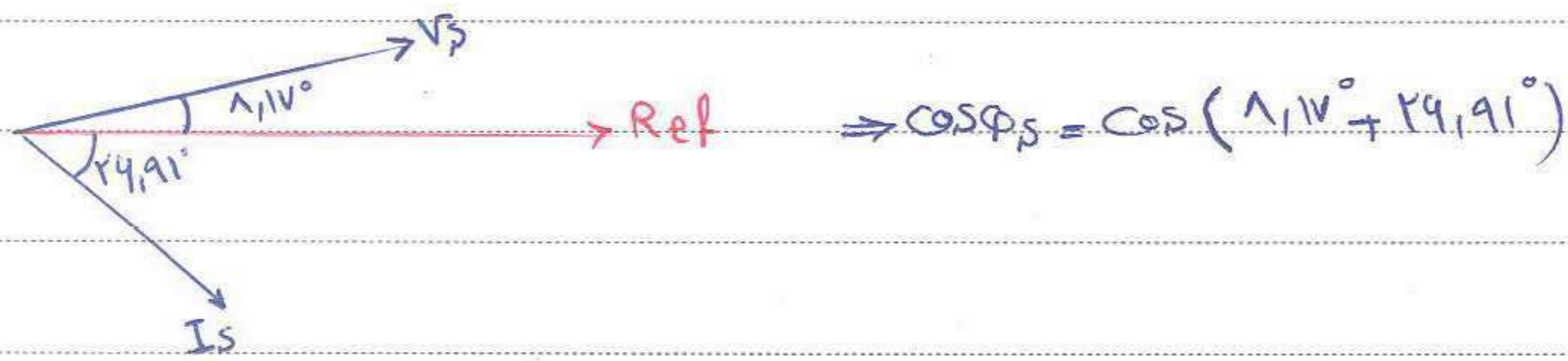
$$I_s = CV_R + DI_R = (3.91 \times 10^{-4} \angle 90.17^\circ)(132800 \angle 0^\circ) + (0.9872 \angle 0.34^\circ)(59044 \angle -31.8^\circ)$$

$$\Rightarrow I_s = 227.9 \angle -24.91^\circ \text{ A}$$

Subject:

Year. Month. Date. ()

$$\%Reg = \frac{\frac{19.193}{0.19872} - 24}{24} \times 100\% = 29.1\%$$



$$\eta = \frac{P_{out}}{P_{in}} = \frac{P_R}{P_S} \times 100$$

$P_S = \sqrt{3} \frac{V_S I_S \cos \phi}{\text{خطی}}$ → چون V_S خطی، اگر استیم می توان سه فاز است.

$$S_S = V_S I_S^* = (147970 \angle 11.17) (557.4 \angle 24.91) = 147970 \times 557.4 \angle (11.17 + 24.91)^\circ$$

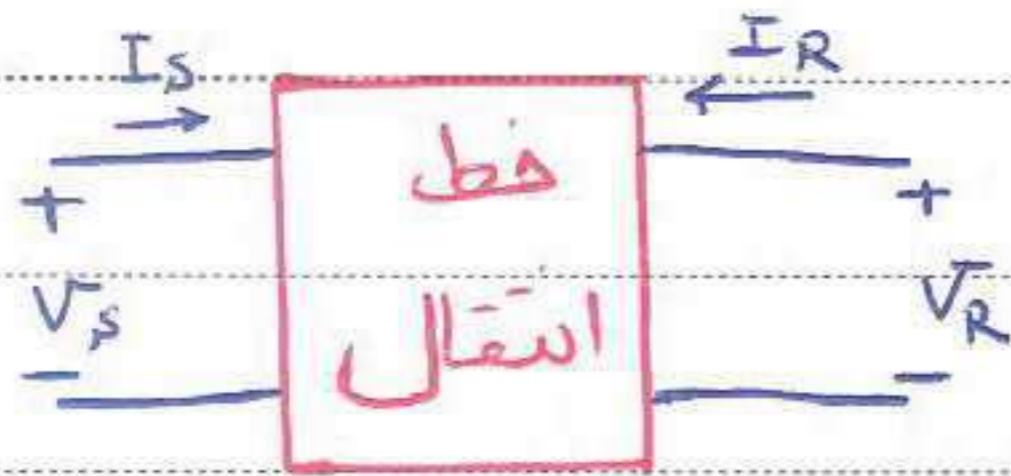
$$S_S = 147970 \times 557.4 \cos(11.17 + 24.91) + j 147970 \times 557.4 \sin(11.17 + 24.91)$$

تعداد توان:

الف) اکتیو: تفاوت P_R و P_S باید با اندازهای باشد که روی R مصرف می شود.

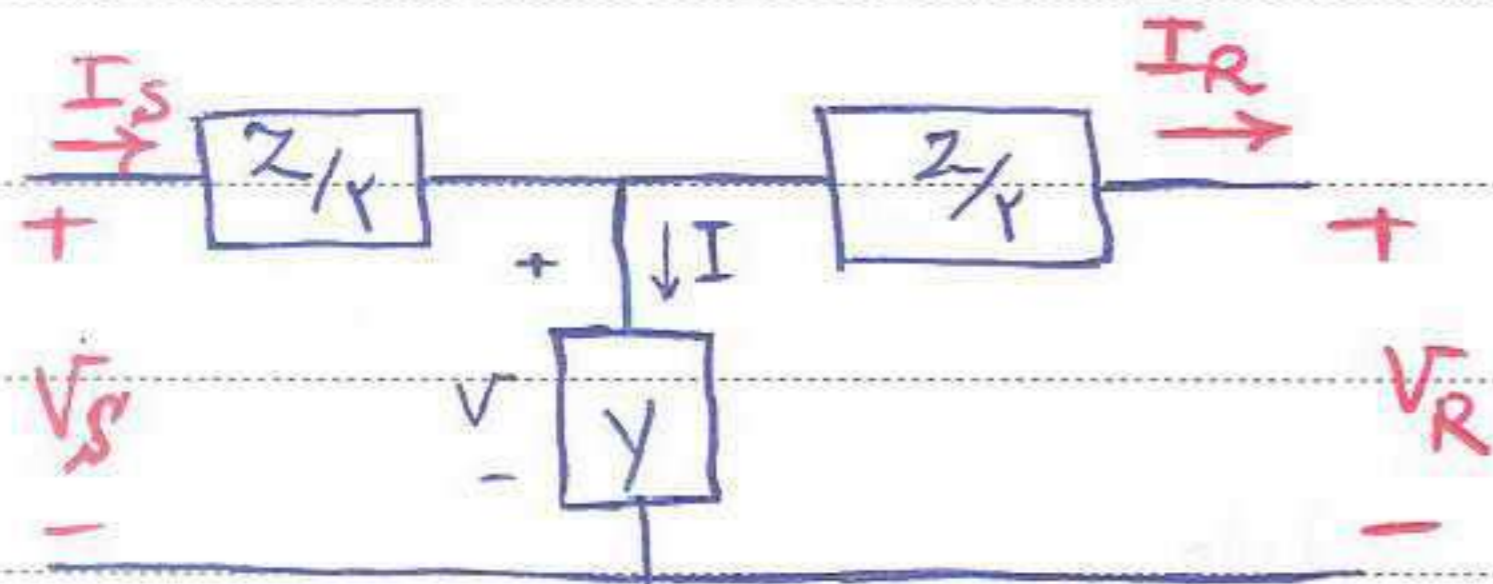
ب) راکتیو: تفاوت Q_R و Q_S باید در خازنها و سلف باشد.

مثال فنون را در حالتی که هادی ACSR که در یک بوده و آرایش افقی با فاصله 4^m (سه استیم) و فاصله هادی ها تا زمین نیز ۸ متر باشد، احسان کنید.



$$\begin{bmatrix} V_s \\ I_s \end{bmatrix} = \begin{bmatrix} A & B \\ C & D \end{bmatrix} \begin{bmatrix} V_R \\ I_R \end{bmatrix}$$

خطوط زیر ۲۴۰ km ۱۵۰ mile را می‌توان با مدارهای الکتریکی نشود مدل کرد.
 اگر خط کمتر از ۵۰ mile باشد می‌توان از خاصیت خارجی صریح نظر کرد.
 اگر خط دارای طول بیشتر از ۵۰ mile و کمتر از ۱۵۰ mile باشد آنگاه باید خاصیت خارجی این نیز تأثیر دار.



مدل T برای خطوط متوسط :

$$\begin{aligned} I &= yV = y(V_R + \frac{Z}{Y} I_R) \\ I_s &= I + I_R \end{aligned} \Rightarrow I_s = yV_R + \frac{zy}{Y} I_R + I_R \Rightarrow I_s = \underbrace{y}_{C} V_R + \underbrace{(1 + \frac{zy}{Y})}_{D} I_R$$

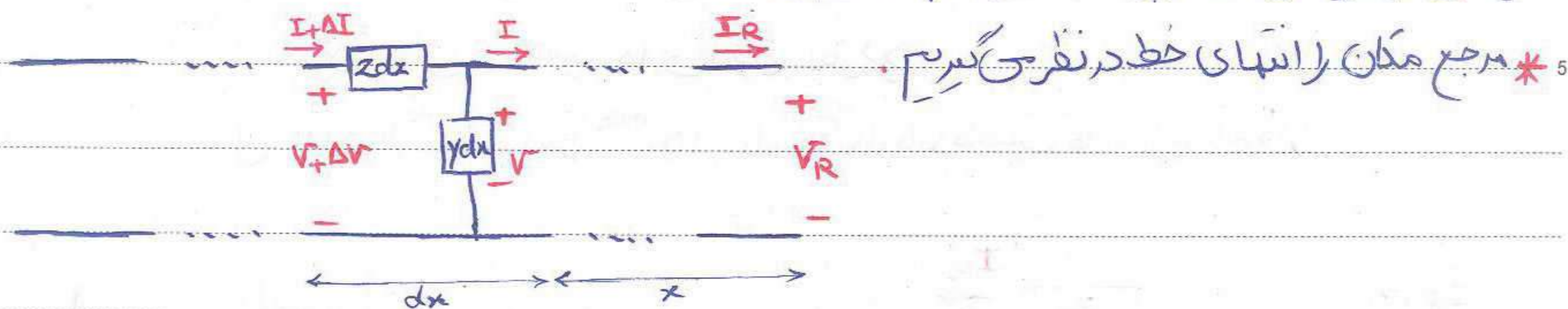
$$V_s = V + \frac{Z}{Y} I_s = V_R + \frac{Z}{Y} I_R + \frac{Z}{Y} (yV_R + (1 + \frac{zy}{Y}) I_R) \Rightarrow V_s = (1 + \frac{zy}{Y}) V_R + Z(1 + \frac{zy}{Y}) I_R$$

$$\Rightarrow T_T = \begin{bmatrix} 1 + \frac{zy}{Y} & Z(1 + \frac{zy}{Y}) \\ y & 1 + \frac{zy}{Y} \end{bmatrix}$$

برای حل مدار دور و گره‌بندی را داریم. گره‌ها همان باس‌های خط انتقال هستند و می‌توان با بارهای قابل به دست آوردن نیستند. در مدل π باس‌ها یا گره‌های خط انتقال تعریف نمی‌کند اما در مدل T به ازای هر خط یک گره با گره‌های مدار اضافه می‌شود و حل مدار را دشوارتر می‌کند.

خط طولی:

این خطوط دارای طولی بین ۲۰ تا ۳۰۰ کیلومتر هستند، پس توان آنها را با مدار فشرده تقریب زد. برای مدل کردن این خطوط یک dx از خط را در نظر می‌گیریم. آبرامیانس و ادیتیانس واحد طول خط به ترتیب z و y باشند. ادیتیانس و ادیتیانس dx برابر با zdx و ydx خواهد بود.



$$I + \Delta I = I + ydx \cdot V \Rightarrow dI = yVdx$$

$$dV = zdx(I + dI) = zI dx + z dI dx \Rightarrow dV = zI dx$$

$$\frac{dV}{dx} = zI \xrightarrow{\text{مشتق}} \frac{d^2V}{dx^2} = z \frac{dI}{dx} = zyV \Rightarrow \frac{d^2V}{dx^2} - zyV = 0$$

$$\text{معادله مشخصه: } S^2 - zy = 0 \Rightarrow S_{1,2} = \pm \sqrt{zy}$$

$$V(x) = A_1 e^{\sqrt{zy}x} + A_2 e^{-\sqrt{zy}x}$$

$$I(x) = \frac{1}{z} \frac{dV}{dx} = \frac{1}{z} \left[\sqrt{zy} A_1 e^{\sqrt{zy}x} - \sqrt{zy} A_2 e^{-\sqrt{zy}x} \right]$$

$$\begin{cases} \delta \triangleq \sqrt{zy} & \text{ضریب انتشار} \\ z_c = \sqrt{\frac{z}{y}} & \text{امپدانس مشخصه} \end{cases}$$

$$\Rightarrow \begin{cases} V(x) = A_1 e^{\delta x} + A_2 e^{-\delta x} \\ I(x) = \frac{A_1}{z_c} e^{\delta x} - \frac{A_2}{z_c} e^{-\delta x} \end{cases}$$

برای بدست آوردن A_1 و A_2 از شرایط مرزی موجود در انتهای خط بدست می‌آوریم.

$$V_R = V(x) \Big|_{x=0} \Rightarrow A_1 + A_2 = V_R$$

$$I_R = I(x) \Big|_{x=0} \Rightarrow \frac{A_1}{z_c} - \frac{A_2}{z_c} = I_R$$

$$\Rightarrow \begin{cases} A_1 = \frac{V_R + z_c I_R}{2} \\ A_2 = \frac{V_R - z_c I_R}{2} \end{cases}$$

از دو معادله‌ی فوق دو مجهول A_1 و A_2 را بدست می‌آوریم.

$$V(x) = \frac{V_R + Z_c I_R}{\gamma} e^{\gamma x} + \frac{V_R - Z_c I_R}{\gamma} e^{-\gamma x} \quad \text{پس خواهیم داشت:}$$

$$I(x) = \frac{V_R + Z_c I_R}{\gamma Z_c} e^{\gamma x} - \frac{V_R - Z_c I_R}{\gamma Z_c} e^{-\gamma x}$$

5 باروایط فوق می‌توانیم ولتاژ و جریان هر نقطه از خط را بدست آوریم. پس در مورد ابتدای خط داریم:

$$V_S = V(x) \Big|_{x=l} = \frac{V_R + Z_c I_R}{\gamma} e^{\gamma l} + \frac{V_R - Z_c I_R}{\gamma} e^{-\gamma l}$$

$$I_S = I(x) \Big|_{x=l} = \frac{V_R + Z_c I_R}{\gamma Z_c} e^{\gamma l} - \frac{V_R - Z_c I_R}{\gamma Z_c} e^{-\gamma l}$$

10 حال برای تقسیم پارامترهای مدار روابط را به صورت زیر می‌نویسیم:

$$V_S = \left(\frac{e^{\gamma l} + e^{-\gamma l}}{\gamma} \right) V_R + Z_c \left(\frac{e^{\gamma l} - e^{-\gamma l}}{\gamma} \right) I_R$$

$$\Rightarrow \begin{cases} V_S = \cosh(\gamma l) V_R + Z_c \sinh(\gamma l) I_R \\ I_S = \frac{1}{Z_c} \sinh(\gamma l) V_R + \cosh(\gamma l) I_R \end{cases}$$

$$15 I_S = \frac{1}{Z_c} \left(\frac{e^{\gamma l} - e^{-\gamma l}}{\gamma} \right) V_R + \left(\frac{e^{\gamma l} + e^{-\gamma l}}{\gamma} \right) I_R$$

$$\Rightarrow T = \begin{bmatrix} \cosh \gamma l & Z_c \sinh \gamma l \\ \frac{1}{Z_c} \sinh \gamma l & \cosh \gamma l \end{bmatrix}$$

20 γ باید واحد طولی باشد که ما را بر حسب آن می‌نویسیم.

برای محاسبه α و β باید اعداد مختلط را به صورت زار و انگاره از زیر بردگیال بیرون بیاوریم.

$$\gamma = \sqrt{ZY} = \alpha + j\beta$$

ضریب تضعیف دامنه در واحد طول ضریب تأخیر فاز در واحد طول

$$\cosh(\alpha l + j\beta l) = \cosh \alpha l \cos \beta l + j \sinh \alpha l \sin \beta l$$

$$25 \sinh(\alpha l + j\beta l) = \sinh \alpha l \cos \beta l + j \cosh \alpha l \sin \beta l$$

طول موج و سرعت انتشار:

$$e^{\gamma l} = e^{\alpha l} e^{j\beta l} \rightarrow \text{اعلان فاز}$$

β : میزان اختلاف فاز با ازای واحد طول خط
واحد λ بحسب همان واحدی است که β بحسب آن است.

اگر β اعلان فاز در یک مایل باشد آنگاه واحد λ نیز مایل خواهد بود.

$$\text{سرعت انتشار امواج} = v = \frac{\lambda}{T} = \lambda f$$

رابطه تقریبی سرعت انتشار: فرض کنیم خط بدون تلفات باشد.

$$\begin{aligned} Z = jX = j\omega L \\ Y = j\omega C \end{aligned} \Rightarrow \gamma = \sqrt{j\omega L \cdot j\omega C} = j\omega \sqrt{LC} \Rightarrow \begin{cases} \alpha = 0 \\ \beta = \omega \sqrt{LC} \end{cases}$$

$$\lambda = \frac{2\pi}{\beta} = \frac{2\pi}{2\pi f \sqrt{LC}} = \frac{1}{f \sqrt{LC}}$$

$$\Rightarrow v = \frac{1}{\sqrt{LC}}$$

حال اگر در روابط مقابل که GMR_L متناوب با GMR_e است
این دو برابر فرض کنیم خواهیم داشت:

$$\begin{cases} L = \frac{\mu}{2\pi} \ln \frac{GMD}{GMR_L} = D_s \\ C = \frac{2\pi \epsilon}{\ln \frac{GMD}{GMR_e}} = r \end{cases}$$

$$v = \frac{1}{\sqrt{\frac{\mu}{2\pi} \ln \frac{GMD}{GMR} \times \frac{2\pi \epsilon}{\ln \frac{GMD}{GMR}}}} = \frac{1}{\sqrt{\mu \epsilon}} = 3 \times 10^8 \text{ m/s}$$

در عمل سرعت انتشار امواج الکترومغناطیس از سرعت نور کمتر است.